



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران  
علیه السلام

www.ghaemiyeh.com  
www.ghaemiyeh.org  
www.ghaemiyeh.net  
www.ghaemiyeh.ir

صلوات اللہ علیہ وسلم  
ملازمینِ اہل بیت  
و خدیجہ

احمد صادقی اردستانی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم و خدیجه علیها السلام

نویسنده:

احمد صادقی اردستانی

ناشر چاپی:

فجر قرآن کریم

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

# فهرست

۵	فهرست
۹	حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم و خدیجه علیها السلام
۹	مشخصات کتاب
۹	اشاره
۱۳	فهرست مطالب
۱۸	مقدمه
۲۰	وضع امروز اسلام
۲۳	نگاهی به گذشته
۲۸	میلاذ نور
۲۹	میلاذ نور
۳۰	هجوم فیل سواران!
۳۱	تدبیر عبدالمطلب
۳۴	دفاع آسمانی
۳۶	مولود مبارک
۳۶	اشاره
۳۸	۱- تحوّل در وضع جهان
۳۹	۲- پدر محمد صلی الله علیه و آله
۴۰	۳- مادر پیامبر صلی الله علیه و آله
۴۰	۴- سرپرستان فداکار
۴۲	۵- روزگار شبانی
۴۳	مشعل جاویدان
۴۶	خدیجه؛ همسر پیغمبر صلی الله علیه و آله
۴۷	خدیجه؛ همسر پیغمبر صلی الله علیه و آله
۵۰	ازدواج با پیامبر صلی الله علیه و آله

۵۷	تاریخ ازدواج
۵۸	در آغوش اسلام
۵۹	شریک سختی ها
۶۳	در محاصره اقتصادی
۶۶	ثروت خدیجه علیها السلام و شمشیر علی علیه السلام
۷۰	فرزندان خدیجه علیها السلام
۷۳	وفات خدیجه علیها السلام
۷۸	از نظر بزرگان و دانشمندان
۸۴	در هنگامه بعثت
۸۵	در هنگامه بعثت
۸۵	اشاره
۸۷	۱- روزگار کودکی
۸۸	۲- در هفده سالگی
۹۱	۳- در بیست سالگی
۹۳	۴- در بیست و پنج سالگی
۹۴	۵- در سی و پنج سالگی
۹۷	۶- در چهل سالگی
۱۰۲	هجرت پیامبر صلی الله علیه و آله
۱۰۳	هجرت پیامبر صلی الله علیه و آله
۱۰۵	شدت شکنجه ها
۱۰۷	هجرت یاران
۱۰۸	سفر به طائف
۱۱۰	داستان معراج
۱۱۲	اقدام جدید
۱۱۳	بیعت انصار
۱۱۶	بیعت دّوم

۱۱۹	هجرت به مدینه
۱۲۴	اصول اخلاقی جامعه اسلامی
۱۲۵	اصول اخلاقی جامعه اسلامی
۱۲۸	ورقی از تاریخ
۱۲۸	اشاره
۱۳۰	الف: محبت
۱۳۲	ب: غنای نفس
۱۳۲	اشاره
۱۳۳	ج: ایثار و دیگر خواهی
۱۳۶	د: مهار حرص شدید
۱۴۲	با جرعه غدیر
۱۴۳	با جرعه غدیر
۱۴۴	آهنگ حرکت
۱۴۴	بر تربت مادر
۱۴۶	در مکه
۱۴۷	سخنرانی در عرفات
۱۴۹	وداع با کعبه
۱۵۱	بر کرانه غدیر
۱۵۳	جانشینی علی علیه السلام
۱۵۶	به سوی رفیق اعلا
۱۵۷	به سوی رفیق اعلا
۱۵۸	سفیران و نامه ها
۱۶۰	هیأت های نمایندگی
۱۶۱	دو سال قبل از وفات
۱۶۳	وصیت
۱۶۷	در بستر بیماری

۱۷۰	به سوی مسجد
۱۷۲	داستان عصای «ممشوق»
۱۷۴	غسل و نماز
۱۷۷	آخرین سخن
۱۷۹	ای مصطفی!
۱۸۲	مدارک و منابع کتاب
۱۸۴	آثار دیگر مؤلف:
۱۸۴	الف: عقاید و احکام
۱۸۴	ب: اخلاق و مسایل تربیتی
۱۸۶	ج: تاریخ و یادنامه ها
۱۸۷	د: مسائل مالی و اقتصادی و ادبی
۱۸۸	درباره مرکز



## حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم و خدیجه علیها السلام

### مشخصات کتاب

صادقی اردستانی، احمد، 1223

حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم و خدیجه علیها السلام/ مؤلف، احمد صادقی اردستانی - قم: فجر قرآن کریم 1384 176 ص.

10000 ریال: 7-7-93825-964 ISBN

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا

1. محمد صلی الله علیه و آله پیامبر اسلام 53 قبل از هجرت - 11ق. - سرگذشت نامه 2. خدیجه علیها السلام، خدیجه 68 - 3 قبل از هجرت. الف. عنوان

6ح 15 ص / B22/9

297/93

کتابخانه ملی ایران 40886 - 84 م

شابک: 7-7-93825-964

ISBN 964-93825-7-7

خیراندیش دیجیتال: انجمن مددکاری امام زمان (عج) اصفهان

ویراستار کتاب: خانم شهناز محققیان

ص: 1

اشاره



حضرت محمد صلى الله عليه وآله و خديجه عليها السلام

تأليف:

انتشارات فجر قرآن

تابستان 1385

ص: 3

صادقی اردستانی، احمد، 1223

حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم و خدیجه علیها السلام / مؤلف، احمد صادقی اردستانی - قم: فجر قرآن کریم 1384 176 ص.

10000 ریال: 7-7-93825-964 ISBN

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا

1. محمد صلی الله علیه و آله پیامبر اسلام 53 قبل از هجرت - 11ق. - سرگذشت نامه 2. خدیجه علیها السلام، خدیجه 68 - 3 قبل از هجرت. الف. عنوان

6 ح 15 ص / B22/9

297/93

کتابخانه ملی ایران 40886 - 84 م

حضرت محمد صلی الله علیه و آله و خدیجه علیها السلام

مؤلف: احمد صادقی اردستانی

نوبت چاپ: اول / تابستان 1385

چاپ: چاپخانه پاسدار اسلام

ناشر: انتشارات فجر قرآن

قیمت: 10000 ریال

تیراژ: 3000

قم - انتشارات فجر قرآن - تلفن: 7732944

«کلیه حقوق محفوظ است»

ص: 4

## فهرست مطالب

مقدمه...9

1- میلاد نور...20

هجوم فیل سواران...21

تدبیر ابوطالب...22

دفاع آسمانی...25

مولود مبارک...27

1. تحوّل در وضع جهان...29

2. پدر محمد صلی الله علیه و آله...30

3. مادر پیامبر صلی الله علیه و آله...31

4. سرپرستان فداکار...31

5. روزگار شبانی...33

مشعل جاویدان...34

ص: 5

2- خدیجه؛ همسر پیغمبر صلی الله علیه و آله...38

ازدواج با پیامبر صلی الله علیه و آله...41

تاریخ ازدواج...48

در آغوش اسلام...49

شریک سختی ها...50

در محاصره اقتصادی...54

ثروت خدیجه علیها السلام و شمشیر علی علیه السلام...57

فرزندان خدیجه علیها السلام...61

وفات خدیجه علیها السلام...64

از نظر بزرگان و دانشمندان...69

3- در هنگامه بعثت...76

1. روزگار کودکی...78

2. در هفده سالگی...79

3. در بیست سالگی...82

4. در بیست و پنج سالگی...84

5. در سی و پنج سالگی...85

6. در چهل سالگی...88

4- هجرت پیامبر صلی الله علیه و آله...94

شدت شکنجه ها...96

هجرت یاران...98

سفر به طائف...99



داستان معراج...101

اقدام جدید...102

بیعت انصار...104

بیعت دوم...107

هجرت به مدینه...110

5- اصول اخلاقی جامعه اسلامی...116

ورقی از تاریخ...119

الف: محبت...121

ب: غنای نفس...123

ج: ایثار و دیگر خواهی...124

د: مهار حرص شدید...127

6- با جرعة غدیر...134

آهنگ حرکت...135

بر تربیت مادر...135

در مکه...137

سخنرانی در عرفات...138

وداع با کعبه...140

بر کرانه غدیر...142

جانشینی علی علیه السلام...144

ص: 7



7- به سوی رفیق اعلا... 148

سفیران و نامه ها... 149

هیأت های نمایندگی... 151

دو سال قبل از وفات... 152

وصیت... 154

در بستر بیماری... 158

به سوی مسجد... 161

داستان «عصای ممشوق»... 163

غسل و نماز... 165

آخرین سخن... 168

پایان... 172

منابع و مدارک کتاب... 173

آثار دیگر مؤلف... 175

ص: 8

گمان زیاد می رود که خواننده عزیز این کتاب درباره حضرت محمد صلی الله علیه و آله پیامبر بزرگوار، اسلام چند کتاب را مطالعه کرده باشد، اما توجه به این معنا هم لازم است که از «پیامبر صلی الله علیه و آله» منظومه معروف «جبران خلیل جبران» تاکنون نزدیک به 20 ترجمه به فارسی منتشر شده (1) و از سال 1376 تاکنون 1517 عنوان کتاب با موضوع حضرت محمد صلی الله علیه و آله به چاپ رسیده (2) و از حدود قرن دوم هجرت، تاکنون بیش از 11427 کتاب ویژه نامه و رساله به زبان فارسی، عربی اردو و انگلیسی و ... درباره آن حضرت و مطالب و اشخاص مربوط به او نوشته شده (3) و روی این حساب می توان گفت: در هر قرن

ص: 9

---

1- روزنامه، ایران 84/2/12 شماره 3120، ص 24.

2- روزنامه، ایران 84/2/11 شماره 3119، ص 24

3- معجم ما کتب عن النبي صلی الله علیه و آله و آل البيت عليهم السلام ج 4-1، عبدالجبار الرفاعي.

حدود 90، کتاب و در هر سال حدود «9 اثر» درباره آن نازنین به رشته تحریر درآمده است

بنابراین به وجود آوردن این همه آثار از سویی عظمت شخصیت درخشان حضرت پیامبر صلی الله علیه و اله را اعلام می دارد و از سوی دیگر احساس مسؤولیت دانشمندان اهل قلم مسلمان و دیگران و نیز نیاز خوانندگانی که در جست و جوی شناختن زوایای زندگی آن حضرت و همسر فداکار او «خدیجه کبری علیها السلام» بوده اند روشن می گرداند اما با این همه آثار پدید، آمده باید اعتراف کرد- به خصوص به مقتضای زمان - هنوز هم برای بررسی و مطالعه ابعاد مختلف شخصیت رسول گرامی اسلام جای کار و کنکاش زیادی وجود دارد، و به همین دلیل کتاب «محمد صلی الله علیه و آله و خدیجه علیها السلام» که در سال 1374 سه بخش آن در جراید کثیر الانتشار منتشر گردیده (1) با اصلاحات و اضافات فراوان تقدیم خوانندگان ارجمند می.گردد

این نکته را هم باید توجه داشت که این کتاب در عین خلاصه، بودن نکات تازه و آموزنده ای را به خصوص برای جوانان روشن می سازد و در شرایط کنونی جامعه اسلامی می تواند در بسیاری از مراحل زندگی برای، آنان راهنما و راهگشا باشد

ص: 10

---

1- کیهان و مجله هفتگی زن روز

اما این که «مقتضای زمان» را مطرح کردیم و مطالعه این گونه آثار را ضروری، شمردیم بدین جهت است که امروز در پرتو «انقلاب اسلامی در ایران» در نقاط مختلفی از غرب و شرق جهان مسئله اسلامیت و موج پیروی از پیامبر اسلام اوج تازه ای یافته است و ما مسلمانان با مطالعه آثار جدید باید بیش از پیش خود را مجهز و آراسته ساخته تا به عنوان جلودار این کاروان، عظیم به حرکت تعالی بخش خود استمرار بخشیم.

## وضع امروز اسلام

درباره موج و اوج اسلامیت در جهان، کنونی، مطالعه برخی از اخبار و آثار جرائد ما را با چشم انداز تازه و احساس مسؤولیت بیش تری آشنا می، سازد که چند نمونه آن را مورد ملاحظه قرار می دهیم:

روزنامه «سندی تایمز» چاپ «لندن» سال 1992، میلادی که از گرویدن حدود 10 هزار زن انگلیسی به اسلام گزارش می دهد نظر آنان را این گونه بیان می کند که: جایگاه زن در اسلام عدالت این دین، مشخص کردن حقوق، وظایف واجب و شیوه ارتباط زن و مرد از مهم ترین عواملی، هستند که زنان «بریتانیایی» را به خود جذب کرده است. (1)

ص: 11

روزنامه «لوموند» چاپ، فرانسه، طی مقاله ای در شماره جدید، خود با بررسی وضع مسلمانان در آلمان و مقایسه آن با کشور، فرانسه می نویسد: اسلام در آلمان به صورت سومین دین بعد از پروتستان و کاتولیک درآمده و عکس، فرانسه، عدم وجود تعصب های ضد دینی در میان مسئولین، آلمانی اجازه داده تا اسلام حتی در مدارس برخی از ایالت های آلمان تدریس، شود و اکنون مسئله به رسمیت شناختن اسلام به عنوان مذهب رسمی در آلمان مطرح است. (1)

در خبر، دیگری که تعداد مسلمانان آلمان را 3 میلیون نفر اعلام می، کند از کمک مالی گرفتن آنان از کشورهای اسلامی برای تأسیس یک مرکز بزرگ، اسلامی برای انجام فرایض دینی 2 آنان گزارش می دهد. (2)

• خبرگزاری، دیگری مسلمانان مقیم فرانسه را 5 میلیون نفر می شمارد (3) که 300 هزار نفر آنان فرانسوی الاصل هستند و به اعتراف مجله فرانسوی «اکسپرس» که اسلام را دومین دین آن کشور می، شمارد می نویسد: تعداد انجمن های

ص: 12

---

1- نشریه ری 18 اسفند 1373 شماره 78، ص 7

2- ویژه نامه روزنامه اطلاعات بهمن 1373، ص 4.

3- روزنامه، کیهان 2 اردیبهشت 1374، ص 12.

اسلامی در، فرانسه از 1050 مورد در سال 1370 به 2000 مورد در سال 1373 افزایش یافته و مجلهٔ فرانسوی «لوپوئن» تعداد مساجد موجود در آن کشور را از 23 مسجد در سال، 1349 به بیش از 900 مسجد در حال حاضر گزارش کرده و پیروزی انقلاب اسلامی ایران بیشترین سهم را در این افزایش به عهده داشته است و هم اکنون مسلمانان با کمبود مسجد و امام جماعت در فرانسه مواجه هستند. (1)

هفته نامه «رادیانس» چاپ «دهلی نو» در شمارهٔ اخیر خود پیش بینی کرده است: اگر روند کنونی گرایش به اسلام در، آمریکا ادامه یابد تا پایان قرن حاضر تعداد مسلمانان در آن کشور نسبت به یهودیان پیشی گرفته، و اسلام به دومین دین عمده در آمریکا تبدیل خواهد شد. بر اساس این گزارش، 40 درصد از جمعیت 5 میلیونی مسلمانان در ایالات متحده آمریکا جدیداً به اسلام گرویده اند. (2)

خبرگزاری فرانسه گزارش داد: از زمان خروج اعراب از «اسپانیا» در سال 1491، میلادی دیگر صدای اذان بگوش نرسیده بود، اما در چهارچوب جشن های ملی محلّ «پانرنا»

ص: 13

---

1- روزنامه جمهوری اسلامی 4 تیر ماه، 1374، شماره 4645، ص 14

2- روزنامه رسالت 23 خرداد، 1373 شماره 2435، ص 3.

که در حومه شهر «والنسیا» در جنوب شرقی «اسپانیا» قرار دارد پس از 500 سال بار دیگر صدای اذان شنیده می شود. (1)

«الکساندر ایگناتیکو» یکی از دانشمندان مشهور «روسیه» و عضو «بنیاد گورباچف» پس از خدا ستیزی و فروپاشی «کمونیسم» در «روسیه» اعلام کرد: اگر مسکو روابط خود را با جهان اسلام تحکیم، نبخشد، محکوم به فنا خواهد بود. (2)

آژانس خبری اسلامی «اینا» طی گزارشی خاطر نشان کرد: اقلیت های مسلمان که خارج از 5/2 کشور اسلامی به سر می، برند 389 میلیون نفر می باشند و در سال 2000 که جمعیت جهان به شش میلیارد نفر خواهد رسید جمعیت مسلمانان نیز به 23/2 درصد جمعیت کل جهان 1/611 میلیارد نفر خواهد بود (3)

### نگاهی به گذشته

با توجه به آمار و ارقامی که از وضع اسلام و مسلمانان در جهان کنونی مطالعه، کردیم نگاهی به گذشته این آئین مقدس و بنیان گزار عظیم الشان، آن حضرت محمد صلی الله علیه و آله از طرفی برای ما افتخار آمیز و از سوی دیگر بیش تر مسؤولیت آفرین خواهد بود.

ص: 14

- 
- 1- روزنامه کیهان 29 مرداد، 1374، شماره 15423، ص 15.
  - 2- روزنامه کیهان 25 آبان، 1373، شماره 15211، ص 20.
  - 3- روزنامه کیهان اول اسفند 1373، شماره 15288، ص 7.

چنان که می دانیم پیامبر صلی الله علیه و آله از سوی خداوند آیین اسلام را یک تنه آغاز کرد، پس از چند روز علی علیه السلام و خدیجه علیها السلام به او پیوستند و در زیر این آسمان، کبود در کنار خانه کعبه تا مدتی آن حضرت فقط دو یاور داشت و سه نفری به نماز می ایستادند و با تحمل زجرهای فراوان اطاعت و عبادت خداوند را انجام می دادند.

اما بر اثر عشق اثر عشق و ایمان تلاش مقاومت و فداکاری، آنان یاران و پیروان، افزایش یافتند و چنین گسترش و عظمتی که مطالعه کردیم به وجود آمد و طبق وعده قرآن کریم اسلام آئین جهانی خواهد شد. [\(1\)](#)

این پیشرفت و پیروزی و عزّت و عظمت را به طور کلی معلول دو عامل «ایمان» و «عمل» باید دانست که قرآن کریم بارها روی آن تکیه کرده است و پیامبر صلی الله علیه و آله و مسلمانان هم آن، روز در همه صحنه های زندگی «شعار» را با «شعور»، «سخن» را با «عمل»، «اندیشه» را با «رفتار» و «ادّعا» را با «کردار» شکل می بخشیدند و موانع را با هوشیاری و خدا بینی از جلو راه پیشرفت بر می داشتند.

یعنی اگر قرار بود به قدرت علم و دانش مجهّز شوند، در مسجد و هر جا فرصت می یافتند محفل بحث و درس تشکیل می دادند. [\(2\)](#) اگر می بایست «مسجد قبا» و «مسجد مدینه» ساخته شود، سنگ و گل به

ص: 15

1- سوره فتح، آیه 28

2- منیة المرید فی آداب المفید و المستفید، ص 26



دوش می کشیدند (1) و با یک وجدان، اخلاقی، انضباط کاری، تعهد عملی و بسیج عمومی طی چند روز مسجد را تأسیس می نمودند

اگر در سال پنجم هجرت «احزاب» و گروه های گوناگون ضد، اسلام مدینه پایگاه اسلام را به محاصره در آوردند، رسول خدا صلی الله علیه و آله و علی علیه السلام و عمّار یاسر و سایر مسلمانان فداکار با ابتکار «سلمان» کلنگ و ابزار به دست می گرفتند و با حفر «خندق» به حدود 5 متر عمق و ده متر عرض و طول پنج کیلومتر و نیم در مدت شش روز، توانستند اسلام و پیامبر و پایگاه دین را از خطر نابودی مصون دارند. (2)

«توماس کارلایل» فیلسوف و نویسنده معروف انگلیسی دربارهٔ ویژگی های روحی رسول خدا صلی الله علیه و آله می نویسد: این فرزند صحرا با قلبی عمیق و چشمانی سیاه و نافذ و با روح اجتماعی وسیع و پر دامنه ای همه نوع افکاری را با خود همراه داشت، غیر از جاه طلبی، او روحی عمیق و آرام، داشت او از کسانی بود که جز با شور و عشق و حرارت سروکاری، ندارند او از کسانی بود که، طبیعت آن ها را مخلص و صمیمی قرار داده است ... کلام چنین، مردی صدایی است مستقیم از قلب طبیعت، مردم باید به آن گوش دهند و اگر به چنین کلامی گوش ندهند، به هیچ ندایی نباید اعتنا کنند.... (3)

ص: 16

---

1- تاریخ الامم و الملوک ج 2 ص 2556، بحار الانوار، ج 19، ص 112.

2- همان.

3- عذر تقصیر به پیشگاه محمد و، قرآن ص 76

آری، چنین ندایی که از سویدای دل بر می خاست بر دل می نشست و در میان یاران و پیروان، او چنان، ایمان خداشناسی، تقوا خدا ترسی و احساس مسؤولیت جوشان و همه جانبه ای به وجود آورده بود که آن زن مسلمانی را هم که گوشه خانه می زیست، تحت تأثیر قرار داده و مطیع او گردانیده بود تا درباره سرنوشت جامعه و حتی «بیت المال مسلمانان» خود را مطیع و مسؤول بدانند.

در تاریخ می خوانیم: بعد از جنگ «حنین» که در شوال سال هشتم هجرت واقع شده بود، «عقیل بن ابی طالب» سوزنی را از جبهه جنگ به خانه آورد و برای خیاطی به «فاطمه دختر ولید به عتبه» و همسر خویش تحویل داد اما در همان حال جارچی در شهر اعلام می کند: هر کس سوزن و نخ خیاطی هم از غنائم جنگی به خانه برده، باید آن را به «بیت المال» بازگرداند که فاطمه آن سوزن را هم به شوهر تحویل می دهد تا به «بیت المال» برگرداند. (1)

آری، این گونه احساس مسؤولیت ها و وجدان های اخلاقی و انضباط های عملی را در سیره و شیوه زندگی پیامبر صلی الله علیه و آله و خدیجه علیها السلام و بسیاری از مردان و زنان صدر اسلام فراوان می توان یافت و چنین آمیختگی «ایمانی» و «عملی» آنان را به این پیشرفت و عظمت و ماندگاری رسانیده است چنانکه مطالعه این گونه آثار و

ص: 17

متابعت از آن بزرگواران می تواند عزّت و شکوهمندی کنونی ما را افزون گرداند

در پایان این مقدمه، توجّه به دو نکته مهم هم بسیار ضروری است:

1- مهم ترین رمز پیشرفت و پیروزی پیامبر صلی الله علیه و آله آن طور که قرآن کریم بیان داشته ایمان آن حضرت و پیروان او به مکتب و مرام و ادعای خویش بوده (1) که بر این اساس با همه وجود تلاش و فداکاری خویش را مبذول می داشته و به نتیجه رسیده اند.

2- با استفاده از عقیده آگاهانه و تلاش برای دانایی و گسترش معارف اسلام سیر جاودانه این آئین، مقدس، پیوسته در اوج گیری و اعتلا و پیروزی بر همه مکاتب است.

چنان که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده: (الْإِسْلَامُ يَعْلُوا وَلَا يُعْلَى عَلَيْهِ). (2)

اسلام اوج و اعتلا می گیرد و آئینی بر، آن برتری و غلبه نخواهد داشت

احمد صادقی اردستانی

9 آبان 1384 - 26 رمضان 1426

ص: 18

---

1- سوره بقره آیه 285

2- بحار الانوار، ج 39، ص 47



چشم «غار حرا» از شمال شرقی به روی شهر مکه نگاه مهر و امید می‌افشانند اما غارهای دهان گشوده هولناک بر فراز «کوه ثور» در جنوب مکه شهر را با بیم و هراس آمیخته می‌ساخت

کوه‌های چنگ در دامن هم انداخته، لخته سنگ‌های داغ و مات، شن‌های نرم و سوزان کف درّه‌ها سنگلاخ‌های آتشین شیارهای تپه‌ها بوته‌های غبار آلود فراز ماهورها درختان وحشی غرق خارهای دامنه‌ها اتاقک‌های سنگی اطراف خانه خدا بت‌های بدقواره روی بام کعبه، همه در سکون و سکوت به سر می‌بردند و شهر مقدّس مکه را به عالم ارواح تبدیل ساخته بودند که خبر ناگواری همه چیز را در هم ریخت!

ص: 20

---

1- این فصل به طور خلاصه و به گونه‌ای دیگر به مناسبت 28 ماه صفر در ارتباط با رحلت پیامبر صلی الله علیه و اله در آخر کتاب: امام حسین علیه السلام و عاشورائیان آمده و نمی‌توان آن را تکرار کامل دانست

پانصد و هفتاد سال از میلاد حضرت عیسی بن مریم علیه السلام گذشت عبدالمطلب یک صد و دوازده ساله، سیّد و سالار و بزرگ و رئیس مردم مکه بود و از سوی همه قبایل و طوایف مورد احترام قرار داشت زیرا علاوه بر کهنسالی و رای و تدبیر فراوان، آراء عقایدی داشت که با فطرت پاک انسانی هماهنگ بود و به کارگیری آن، خیر و سعادت دنیای افراد را هم تأمین می نمود.

ریشه خانوادگی عبدالمطلب با 24 واسطه به ابراهیم خلیل علیه السلام می رسید، او هرگز بت پرستی نکرد خدا را به یگانگی می شناخت و به نذر خود وفا می کرد و حتی یک سلسله آداب و سنت هایی بنا نهاد، که عمده آن ها در قرآن کریم وارد شده و از نظر رسول خدا صلی الله علیه و آله هم پذیرفته شد.

در نظر عبدالمطلب ازدواج با محارم، سرقت، می گساری، اعمال منافی عفت برهنه طواف، کردن حرام خواری و زنده بگور کردن دختران ممنوع بود و زنان آلوده به انحراف جنسی مشهور را تبعید می نمود... (1) و از سوی دیگر خمس دادن از گنج ها، سقایت حاجیان و هر طوافی را هفت دور انجام دادن مقرر داشته بود. (2)

ص: 21

---

1- تاریخ یعقوبی، ج 2، ص 11.

2- بحار الانوار، ج 15، ص 127

به هر حال در روزگار ریاست «عبدالْمَطْلَب» که نام اصلی او «شبیبة الحمد» بود و به کنیة «ابو حارث» شهرت داشت ابرهه فرزند صباح شهر مکه را در محاصره ارتش خویش قرار داد

«أبرهه» در زبان حبشی، به معنای ابراهیم است این مرد از سوی پادشاه «حبشه» حاکم «یمن» بود و از سوی آن پادشاه و حکومت روم مسیحی مورد حمایت قرار می‌گرفت بدین جهت در «صنعا» معبدی ساخت تا بدین وسیله ترویج مسیحیت کند و مردم یمن را از رفتن به مکه و زیارت خانه خدا باز دارد اما مردم موحد «یمن» این طرح را نپذیرفتند و هم‌چنان برای زیارت خانه خدا به مکه می‌شتافتند، بدین خاطر «ابرهه» از این عصیان مردم سخت ناراحت شد و تصمیم گرفت خانه کعبه را ویران کند تا بدین وسیله مردم را به «معبد» خویش در «یمن» و ترویج آئین مسیحیت وادار سازد. (1)

### تدبیر عبدالْمَطْلَب

ابرهه حاکم یمن با سپاه عظیم فیل سوار خویش به سال 570، میلادی که از آن پس به سال «فیل موسوم» گشت و یک مبدأ تاریخی به خود گرفت شهر مکه را به محاصره خود درآوردند نخست به غارت اموال و به خصوص گله‌های، شتر که عمده ترین دارائی آن مردم محسوب می‌شد پرداختند

ص: 22

اما عبدالمطلب که رئیس کهن سال و مؤمن و دانا و پر تجربه ای بود، و نظریه و تدبیر او هم مورد پذیرش عموم قرار داشت دستور داد: مردم عکس العملی از خود نشان ندهند با سپاه دشمن درگیر نشوند و بلکه خانه های خود را ترک نموده و برای حفظ جان خویش به غارها و قلّه های کوه های اطراف مکه پناه ببرند مردم هم از او اطاعت، کردند و عبدالمطلب که با نور ایمان خویش آینده را روشن می،دید خود در شهر باقی، ماند با عجله به کنار کعبه شتافت دو طرف در خانه کعبه را محکم به دست گرفت و این گونه به مناجات و درخواست کمک از خداوند پرداخت:

خدایا! هر کسی اثاث و عیال خود را محافظت می کند تو نیز خانه و بندگان خویش را محفوظ بدار تا صلیب داران و دشمنان این، مردم آنان غلبه نیابند زیرا اگر آنان به بیت الله حرام وارد شوند، قدرت نمایی و عظمت الهی تو آشکار نمی گردد. (1)

دعای عبدالمطلب تازه به پایان رسیده، بود که مأموران «ابرهه» دنبال رئیس و بزرگ شهر، آمدند که وی را نزد «ابرهه» ببرند تا آن رئیس اگر درخواست و تقاضایی دارد، اعلام کند. (2)

ص: 23

---

1- تاریخ یعقوبی، ج 1، ص 253، بحار الانوار، ج 15، ص 135.

2- تاریخ یعقوبی، ج 1، ص 252



عبدالمطلب تعدادی از فرزندان شجاع خود و جمعی از افراد قبیله قریش را همراه برداشت و همراه مأموران نزد «ابرهه» رفت. (1) ابرهه با مشاهده عبدالمطلب کهن سال پر جلال و جمال او را گرمی داشت و درخواست نمود تا اگر او تقاضایی دارد بیان کند ولی بر خلاف انتظار «ابرهه»، عبدالمطلب درخواست نمود 200 شتری را که از او تصرف کرده بودند به وی باز گردانند!

اما «ابرهه» گفت: ای عبدالمطلب! با این همه عظمت و کمالی که در تو سراغ، داشتم با این تقاضای کوچک آن را شکستی انتظار من این بود که تقاضا کنی من از حمله به شهر و تخریب خانه خدا صرف نظر، کنم در حالی تو فقط برای آزاد سازی شترهای خود سخن می گویی!

عبدالمطلب، بدون واهمه اعلام کرد: (أنا رَبِّ هَذِهِ الْإِبِلِ، وَ لِهَذَا الْبَيْتِ الَّذِي زَعَمْتَ أَنَّكَ تُرِيدَ هَدْمَهُ، رَبِّ يَمْنَعُكَ مِنْهُ). (2)

من صاحب این شترها هستم این خانه هم که گمان می کنی می توانی آن را خراب کنی صاحبی، دارد که ترا از تخریب آن باز می دارد!

ص: 24

---

1- سیرت رسول الله ص 38

2- تاریخ یعقوبی، ج 1، ص 252، سیره النبویه، ج 1، ص 51

تدبیر و دانایی عبدالمطلب موجب نجات جان انسان های زیادی شد و بعد هم این ایمان و عظمت دنیایی و اخروی او را، رسول خدا صلی الله علیه و اله مورد تمجید و تأیید قرار داد و فرمود: خداوند جدّ من «عبدالمطلب» را به تنهایی در سیمای پیامبران و هیأت پیشوایان محشور می گرداند. (1)

از سوی دیگر خداوند متعال قدرت قهار خویش را آشکار ساخت پرستوهای فراوانی را برای سرکوب ارتش فیل سوار «ابرهه» مأمور گردانید و آنان در حالی که هر کدام سه ریگ را با منقار و چنگال های خود حمل می کردند، آن سپاه عصیان گر و متجاوز را از بالای سر مورد حمله قرار دادند و به بیان قرآن کریم «سپاه فیل سواران» همگی چون برگ های علف جویده شده در دهان حیوان درهم گسیخته و نابود گردیدند. (2)

پس از شکست سپاه متجاوز ابرهه مردم غریو شادی و سربلندی سر دادند و به خانه های خود برگشتند و قهراً اموال و دارایی غارت شده خود را هم تصرف نمودند.

ص: 25

---

1- تاریخ یعقوبی، ج 2، ص 14 تاریخ پیامبر اسلام ص 48

2- سورة فیل

آن گاه عبدالمطلب به شکرانه رفع این خطر بزرگ، باز به کنار خانه کعبه شتافت و با یک دنیا ایمان و اخلاص این گونه به راز و نیاز و مناجات با پروردگار پرداخت:

ای دعا کننده! به راستی به گوش من فراخوانده ای که از صمیم قلب دست به دعا بردارم...

در این سرزمین مقدّس «قبیله جُرهُم» و قبل از آنان دیگران هم ستم گری کردند و به کیفر ظلم خویش به هلاکت رسیدند.

سرنوشت هر کسی که در این مکان مقدّس آتش جنگ بر افروزد چنین است و با فرمان الهی نابود خواهد شد.

ما خداوند را می شناسیم، در میان ما سنتّ صلّه رحم و وفاداری نسبت به پیمان ها وجود دارد

پیوسته خداوند بر ما حاکمیت دارد و به زودی از ما فتنه را دفع می کند، ما بندگان خدا هستیم در شهر او مسکن گزیده ایم، و خداوند بر اساس پیمان خویش فتنه «ابرهه» را هم فرو نشانید. [\(1\)](#)

ابرهه با پیل بهر دُلّ بیت

آمده تا افکند حی را چو میت

تا حریم کعبه را ویران کند

جمله راز آن جای سرگردان کند

ص: 26

تا همه، زُوار گرد او تنند

کعبه او را، همه قبله کنند

وز عرب کینه گشود، اندر گزند

که چرا در کعبه ام آتش زنند

عین سعیش، عزّت کعبه شده

موجب اعزاز آن بیت آمده

مکّیان را عزّ یکی بُد، صد شده

تا قیامت عزّ شان ممتد شده (1)

## مولود مبارک

### اشاره

شکست فیل سواران یمنی و حیسی در مورد تخریب خانه خدا، در پرتو عنایت فوق العاده خداوندی و نیز مدیریت و هدایت داهیانه «عبدالطلب» سید عرب و بزرگ، قریش برای طایفه قریش و قبایل وابسته به، آنان عزّت و عظمت افزونی بوجود آورد و هنوز از مدت این پیروزی و، عظمت پنجاه روز بیشتر نگذشته بود (2) که در بامداد هفدهم ربیع الاول آن سال (3) مطابق با اوت سال 571 میلادی یا دوازدهم ربیع الاول «سال فیل» (4) ولادت پر میمنت محمد صلی الله علیه و آله عزّت و عظمت و سعادت قریش و همه انسان ها را افزون تر ساخت

ص: 27

1- مثنوی، معنوی دفتر ششم ص 637

2- تاریخ یعقوبی، ج 2، ص 7.

3- اصول کافی ج 1، ص 439، بحار الانوار، ج 15، ص 250

4- حیاة محمد ص 70، محمد المثل الكامل، ص 5

سپیده، دم ز افق شد ستاره ای مشهود

که زنگ ظلمت شب را به نور خویش زدود

ستارگان هدایت شدند نور افشان

چو آفتاب، رسالت ز چهره پرده گشود

آفتاب جمالش دمید بر آفاق

قرار از کف، دل ها به یک نظاره ربود

چو از ربیع نخستین، گذشت هفده شب

دمید صبح سعادت، به طالع مسعود

رسید، مژده که سلطان انبیا احمد

به صدر مسند عزّ و، جلال کرده ورود (1)

به هر حال یک هزار و چهار صد و شصت و نه سال پیش محمد صلی الله علیه و آله در خانه کوچک سنگی که در «شعب ابو طالب» (2) نزدیک خانه کعبه قرار داشت چشم به جهان گشود و به عالم

انسانیت حیات تازه و سعادت‌مندانه ای، بخشید اما وضع ولادت و شرایط روزگار کودکی او غیر از جریان، طبیعی یک سلسله حوادث ویژگی ها و برجستگی هایی هم همراه داشته است که توجه به همه آن ها قابل اهمیت خواهد بود و ما در این جا برخی از آن ها را همراه با اشاره به مراحل زندگی آن حضرت یادآور می شویم:

ص: 28

---

1- مرحوم دکتر قاسم، رسا بهار، ادب ص. 41

2- اصول، کافی، ج 1، ص 439، بحار الانوار، ج 15، ص 250

## 1- تحوّل در وضع جهان

همان طور که دانشمندان مسیحی پیش بینی کرده بودند، و در متون تاریخی نیز آمده و طیّ روایتی امام جعفر صادق علیه السلام هم بیان داشته همراه با ولادت پیغمبر صلی الله علیه و آله یک سلسله حوادث مهمّی در وضع جهان به وجود آمده که برخی از آن ها بدین قرار است:

الف: با ولادت پیامبر صلی الله علیها و آله بت ها سرنگون شدند و از صورت به روی زمین افتادند

ب: ایوان «کسری» پادشاه ایران در «مدائن» دستخوش لرزش شدیدی شد به طوری که چهارده کنگره آن فرو ریخت.

ج: آتشکده فارس که مدت هزار سال فروزان بود خاموش و تاریک گردید

د: دریاچه «ساوه» نخست فوران زد و سپس خشک شد!

ه-، موبدان عالم زرتشتی آن شب در خواب دید، شتر نیرومندی چند اسب عربی را می کشیدند و از نهر «دجله» عبور کردند و داخل شهرهای آنان، شدند طاق کسری از میان شکست و دو قسمت شد، آب «دجله» ساحل را شکافت و در قصر او جاری گردید.

و: هم چنین در آن شب نوری از جانب «حجاز» طلوع کرد، سراسر جهان را گرفت تا به مشرق زمین رسید.

ص: 29

ز: آن دانشمند حکیم در خواب دید تخت هر پادشاهی واژگون گردید و همه پادشاهان لال شدند و از سخن گفتن ناتوان ماندند، هم چنین علم و دانش کاهنان و سحر و جادوی جادوگران باطل و زایل گردید.

ح: در خواب دیدند «قبیله قریش» در میان عرب عزت و شوکت یافت و آنان لقب «آل الله» گرفتند زیرا آنان در جوار خانه خدا بودند.

ی: هم چنین، زلزله ای کنیسه ها و معبدها را ویران کرد و هر چه به غیر از خدا عبادت می شد سرنگون و نابود گردید. (1)

و طبیعی، است که با آمدن نور ظلمت باید رخت بریندد و با ظهور حق، باطل باید دامن جمع کند

## 2- پدر محمد صلی الله علیه و آله

پدر محمد صلی الله علیه و آله عبدالله فرزند عبدالمطلب بود که پس از یک مسافرت تجاری به شام به هنگام بازگشت در مدینه بیمار شد، مدت یک ماه در خانه دایی های، پدرش که از طایفه «بنی نجار» بودند بستری گردید و در حالی که هنوز از ولادت محمد صلی الله علیه و آله به بیان امام صادق علیه السلام بیش از دو ماه نگذشته بیش از دو ماه نگذشته بود عبدالله در مدینه چشم از جهان فرو بست (2)، در همان خانه به آغوش خاک آر مید و محمد صلی الله علیه و آله دو ماهه را یتیم و بی سرپرست گذاشت.

ص: 30

- 
- 1- تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 8 بحار الانوار، ج 15، ص 285
  - 2- اصول، کافی، ج 1، ص 439 تاریخ پیامبر اسلام ص 52

### 3- مادر پیامبر صلی الله علیه و آله

مادر پیامبر صلی الله علیه و آله، آمنه دختر «وَهَب» بن عبد مناف بن زهره نام داشت از ایمان و تقوی و شخصیت بالای انسانی برخوردار بود، آن گاه که کودک او محمد صلی الله علیه و آله به شش سال و سه ماهگی ماهگی رسیده بود، در حالی که وی را نیز همراه داشت برای زیارت قبر شوهرش، عبدالله به مدینه سفر کرد اما به هنگام بازگشت به سوی، مکه در محل «أبواء» - سیزده میلی میقات جُحفه - بیمار شد و به سی سالگی از دنیا رفت و در همان جا به خاک سپرده شد (1) و همراهان او محمد یتیم صلی الله علیه و آله را که به هنگام درگذشت مادر شش ساله بود به مکه آوردند و تحویل جد او «عبدالمطلب» دادند.

### 4- سرپرستان فداکار

موضوع یتیمی محمد صلی الله علیه و آله را قرآن کریم هم یاد آورده شده، و درباره عنایت بی کران خداوندی به او می فرماید: آیا تو یتیم نبودی و خداوند ترا پناهندگی کرد؟ (2)

پناه دادن خداوند هم به وسیله «عبدالمطلب» دل سوز و فداکار تا هشت سالگی با کمال دقت صورت گرفت و آن گاه «عبدالمطلب» به سال هشتم عام الفیل در یک صد و بیست سالگی وفات کرد (3) و در قبرستان «حُجُون» در دامنه «شعب ابوطالب» به خاک

ص: 31

---

1- اصول، کافی، ج 1، ص 439 تاریخ پیامبر اسلام ص 52

2- سوره ضحی آیه 6

3- تاریخ یعقوبی، ج 2، ص 13.



آرمید (1) وی سفارش سرپرستی محمد صلی الله علیه و آله هشت ساله را به فرزند مؤمن و شجاع خود «عبد مناف» معروف به «ابو طالب» که با عبدالله پدر محمد صلی الله علیه و آله از یک پدر و مادر بودند کرد و گفت:

ای عبد مناف! ترا برای بعد از خود دربارهٔ کودک یتیمی که از پدر جدا شده، سفارش و مأمور می‌کنم او در گهواره بوده که پدر را از دست داده و من برای او چون مادری، مهربان که فرزند خویش را در آغوش می‌کشد دل سوزی، کردم اکنون ترا از همه فرزندانم برای محافظت محمد صلی الله علیه و آله و حفظ روابط انسانی با او لایق تر می‌بینم و به این سرپرستی شایسته امید بسته‌ام. (2)

آن‌گاه، ابو طالب که چون خود محمد صلی الله علیه و آله و عبدالمطلب و آمنه و عبدالله پدر پیامبر صلی الله علیه و آله و فاطمه دختر، اسد همسر ابوطالب و مادر علی علیه السلام همگان مؤمن و موحد بودند و از آیین حنیف توحیدی ابراهیم خلیل علیه السلام پیروی می‌کردند (3) سرپرستی محمد صلی الله علیه و آله را به عهده گرفت، سفارش جدی به همسر و فرزندان خود نمود و آنان هم با کمال دل سوزی و فداکاری سرپرستی و مراقبت پیامبر صلی الله علیه و آله را عملی کردند.

ص: 32

---

1- بحار الانوار، ج 15، ص 152

2- تاریخ یعقوبی، ج 2، ص 13.

3- مرآة العقول، ج 1، جزء 3، ص 364.

البته پس از آن، پیامبر صلی الله علیه و آله هم زحمت ها و فداکاری های «ابوطالب» و همسر او «فاطمه دختر اسد» را یادآوری می کرد، عملاً خدمات آنان را پاس می داشت و درباره فاطمه دختر اسد و مادر علی علیه السلام می فرمود: به راستی او مادر من بود زیرا کودکان خود را گرسنه می گذاشت و مرا سیر می کرد آنان را گرد آلود می گذاشت و مرا شستشو و آراسته می گردانید و به راستی او مادر من بود. (1)

## 5- روزگار شبانی

از روزگار شبانی محمد صلی الله علیه و آله تاریخ دقیقی نمی توان ارائه داد اما شاید آیه: (وَجَدَكَ ضَالًّا فَهَدَى) (2) اشاره به گم شدن آن حضرت در بیابان به هنگام شبانی او داشته باشد.

چنان که در تاریخ می خوانیم: روزگار شبانی برای محمد صلی الله علیه و آله در کودکی فرصت مناسبی بود تا او به دور از شهر و دیار به فکر و اندیشه بپردازد، زیرا او گوسفندان خانواده خود و مردم را می چرانید، و به این کار افتخار هم می کرد و پیوسته می فرمود: خداوند هیچ پیامبری را مبعوث نداشت جز این که گوسفند چرانی هم کرده بود. حضرت موسی و داوود هم پس از روزگار شبانی به مقام نبوت رسیدند من هم گوسفندان خاندان خود را می چرانیدم (3)

ص: 33

---

1- تاریخ یعقوبی، ج 2، ص 14.

2- سوره ضحی، آیه 7.

3- حیاة محمد، ص 80

امام صادق علیه السلام هم فرموده است: خداوند هرگز پیامبری را مبعوث نکرد مگر این که او را به چوپانی گوسفندان، گماشت تا بدین وسیله سرپرستی و اداره زندگی انسان های مختلف را بیاموزد. (1)

به هر حال، تحمّل رنج فقر و، ناداری شبانی و کار و تلاش طاقت فرسا به منظور لمس درد و مشکلات زندگی انسان ها از امتیازات زندگانی پیامبران الهی بوده رسول گرامی اسلام هم روزگار شبانی سرفرازانه خود را به عنوان یک نقطه عطف در زندگی خود یاد می، کرد و حتی در برابر مظاهر مادی غرور آمیز و انسانیت سوز آن روزگار، به شبانی و گوسفند چرانی (2) و نیز به فقر و ناداری مادی خود افتخار می کرد و آن را مایه فخر و مباهات خود می شمرد. (3)

## مشعل جاویدان

سرانجام، محمد یتیم صلی الله علیه و آله درد یتیمی را تحمّل، کرد دوران سخت کودکی را پشت سر گذاشت روزگار طاقت فرسای جوانی را با همه آسفتگی ها و خطرهای سپری نمود و در چهل سالگی مبعوث به رسالت گردید

ص: 34

---

1- بحار الانوار، ج 11، ص 65

2- السیره النبویه، ج 1، ص 176.

3- بحار الانوار، ج 69، ص 49

پیامبر صلی الله علیه و آله هادی، سبیل خاتم رُسل منجی انسان ها، و بالاخره رحمت جهانیان است تا جایی که سروش آسمانی آهنگ برداشته: (لَوْ لَا كَمَا خَلَقْتُ الْأَفْلَاكَ) (1)

اگر به خاطر تو نبود، هرگز افلاک را نمی آفریدم

ص: 35

---

1- بحار الانوار، ج 16، ص 406



خديجه؛ همسر پيغمبر صلى الله عليه و آله

ص: 37

## خدیده؛ همسر پیغمبر صلی الله علیه و آله

خدیده علیها السلام دختر «خُوَیَلد بن اَسَد بن عبدالعزّی قرشی» و فاطمه دختر «زائده بن اَصم» (1) پانزده سال قبل از «عام الفیل» (2) مطابق با سال 555 میلادی در مکه چشم به دنیا گشود.

از تاریخ دقیق ولادت و دوران کودکی این بانوی بزرگ تاریخ چیز دقیقی را به ما ارائه نمی دهد اما از میان شرایط نامناسب روزگار قبل از اسلام که آئین و عفاف درستی بر جامعه حاکم نبود، مؤرخین نامدار، کهن خدیده را با عنوان های زنی پاک و نجیب و بانویی شریف و بزرگوار ستوده (3) و شخصیت درخشان انسانی او را که در خدمت به یتیمان و محرومان و تهی دستان تبلور می یافت و خانه او پناهگاه

ص: 38

---

1- الاستیعاب، ج 4، ص 279

2- الطبقات الکبری، ج 1، ص 132 تاریخ پیامبر اسلام ص 71

3- الاصابة ج 4، ص 282، اسد الغابة، ج 5، ص 434

در ماندگان و نیازمندان، بود مورد ستایش قرار داده اند (1) چنان که به خاطر صداقت و درست کاری و نیز علم و دانایی به تاریخ و کتاب های آسمانی و معنویت و کمالات، انسانی خدیجه را «سیده قریش» نامیده اند. (2)

خدیجه علیها السلام طبق روایت مشهور نخست با «نباش بن زاره» معروف به «ابوهاله تمیمی» از قبیله «بنی اُسَید بن عمرو بن تمیم» که از شخصیت های معروف قریش بود، ازدواج کرد و از او دارای فرزند پسری شد، که او را «هند» نامیده بودند. (3) این، هند بعدها شمایل و خصوصیات ظاهری رسول خدا صلی الله علیه و آله را برای امام حسن مجتبی علیه السلام روایت می کرد و او که در کنار فاطمه زهرا علیها السلام تربیت یافته بود، در جنگ جمل» در رکاب امام علیه السلام شرکت نمود و در آن جنگ به شهادت رسید. (4)

طبق متون، تاریخی همسر دوم خدیجه علیها السلام «عتیق بن عائد بن عبدالله مخزومی» بوده که خدیجه علیها السلام از این شوهر سرشناس و ثروتمند نیز دارای دختری به نام «هند» گردید و این شوهر هم چندان عمری نکرد و خدیجه علیها السلام را با مرگ خویش تنها گذاشت. (5)

این که خدیجه علیها السلام قبل از همسری با رسول خدا صلی الله علیه و آله به ترتیبی که در بالا بیان شد دارای دو همسر دیگر بوده، چیزی است که عموم

ص: 39

---

1- پیامبر رهنما ج 1، ص 255

2- خدیجه بنت، خویلد محمد کامل حسن المحامی، ص 13.

3- خدیجه بنت خولید ص 14

4- اسد الغابه، ج 5، ص 72 السیره النبویه، ج 1، ص 199

5- خدیجه بن خویلد ص 14



مورخان مانند: یوسف بن عبدالله اندلسی متوفای 463 هجری عبدالرحمن، سهیلی، متوفای 581، ابن اثیر جزری، متوفای 630 و ابن حجر عسقلانی متوفای 852، هجری بدان اعتراف کرده اند (1) اما علامه محمد باقر مجلسی پس از آن که موضوع دو همسر قبلی خدیجه را مطرح می نماید اضافه می کند: علی بن احمد کوفی علوی، متوفای 352 هجری احمد بلاذری، سید مرتضی در کتاب «شافی» و شیخ طوسی در کتاب «تلخیص شافی» روایت کرده اند، خدیجه علیها السلام قبل از ازدواج با رسول خدا صلی الله علیه و آله سر به بالین همسر دیگری نگذاشته و دختر شوهر نکرده ای بوده است (2)

ولی به نظر می رسد در برابر واقعیت های تاریخی نیازی به این گونه توجیهاات نداشته باشیم زیرا از طرفی برای دفاع از ساحت مقدس رسول گرامی، اسلام در برابر ناروایی های دشمنان اسلام، مبنی بر پاکی و معنویت آن، بزرگوار یکی از دلایل ما این است که آن گرامی اولین ازدواج خود را با زنی چهل ساله انجام داده است (3)

ص: 40

---

1- الاستیعاب، ج 4، ص 280، السیره النبویه، ج 1، ص 199، اسد الغابه، ج 5، ص 434، الاصابه، ج 4، ص 281 ریاحین الشریعه، ج 2، ص 202

2- بحار الانوار، ج 22، ص 191.

3- محمد کامل حسن، محامی نویسنده، لبنانی روایت ابن عباس را که تاکید می کند حضرت خدیجه علیها السلام به هنگام ازدواج با رسول خدا صلی الله علیه و آله سال داشته (بحار الانوار ج 16 ص 12) مورد تأیید قرار می دهد و استدلال می کند: از لحاظ تاریخی ثابت است که خدیجه علیها السلام سه پسر به نام های: قاسم طاهر و طیب و چهار دختر به نام های: زینب، رقیه، ام کلثوم و فاطمه زهرا علیها السلام برای پیامبر صلی الله علیه و آله به دنیا آورده و این معقول نیست که زنی بتواند پس از چهل سالگی هفت بار زایمان کند خدیجه بن خویلد، ص 28

ثانیاً، ازدواج با بانوی پاک و با شخصیت و دانشمند و بزرگواری، به خصوص در شرایط آن روزگار صدر اسلام، عملی مطلوب و پر معنایی بوده خاصه این که رسول بزرگوار اسلام ویژگی های ممتاز و خصوصیات منحصر به فردی داشته است.

علاوه بر این از راز و رمز «تقدیر الهی» نباید غفلت داشت که محمد یتیم صلی الله علیه و آله و ناداری که ایمان و امانت و صداقت از برجستگی های انسانی او بوده همسری بانویی را عهده دار گردد که خود به فضایل عالی انسانی آراسته، بوده ثروت فراوانی از راه تجارت اندوخته درد یتیم داری را با سختی احساس نموده و با قلبی مالا مال از عشق و محبت در کنار همسری قرار گیرد که از سوئی هم درد و هم راز او باشد و وجود تشنه او را از زلال محبت سیراب سازد و از سوی دیگر عشق و توان و دارایی خویش را در راه تقویت بنیاد اسلام و اعتلای این آئین مقدس آسمانی به کار گیرد.

### ازدواج با پیامبر صلی الله علیه و آله

شرایط اقتصادی زندگی حضرت محمد صلی الله علیه و آله، که تحت سرپرستی «ابوطالب» عمومی مؤمن و فداکار خویش می زیست و آن طور که قرآن کریم هم اشاره کرده وضع مطلوبی نداشت. (1) اما لقب «صادق امین» را که آن بزرگوار در سایه صداقت و فضایل انسانی

ص: 41

برای خویش به دست آورده بود سرمایه بزرگی محسوب می گردید و از لحاظ مجاری طبیعی زندگی هم می توانست بسیار جذاب و کارساز باشد

بدین، لحاظ به پیشنهاد «ابو طالب» یا به تقاضای خود خدیجه علیها السلام محمد صلی الله علیه و اله سرپرستی کاروان تجارتی خدیجه علیها السلام را که روانه سرزمین شام می گردید و «میسره» کارگزار خدیجه علیها السلام نیز آن را همراهی می کرد به عهده گرفت و راهی آن سامان گردید. (1)

محمد صلی الله علیه و آله در این مسافرت، تجارتی با عنایت خداوندی از خود مهارت و مدیریت فوق العاده ای نشان داد و کاروان سود فراوانی به دست آورد و راه بازگشت به مکه را پیش گرفت در این سفر «میسره» شاهد حوادث فوق العاده ای نیز بود وقتی محمد صلی الله علیه و آله زیر درختی قرار گرفت «راهبی» این وضع را از ویژگی های پیامبری بعد از عیسی علیه السلام معرفی کرد (2) هم چنین پاره ابری بالای سر آن بزرگوار حرکت می کرد (3)

از سوی دیگر، خدیجه علیها السلام که به آثار و اخبار دینی علاقه داشت به همراه تعداد دیگری از زنان، قریش که روز عیدی در مسجد الحرام به سخنرانی یک دانشمند یهودی گوش فرامی، دادند حضور داشت

ص: 42

---

1- السيرة النبوية، ج 1، ص 199، الاصابه، ج 4، ص 281، بحار الانوار، ج 16، ص 4.

2- همان

3- بحار الانوار، ج 16، ص 3.

آن دانشمند می گفت: طولی نمی کشد که از میان قبیله شما کسی به پیامبری مبعوث خواهد شد بنابراین هر یک از شما می تواند همسری او را انتخاب، نماید زنان قریش با شنیدن این، سخن آن دانشمند را با مستی سنگریزه مورد حمله قرار دادند، اما خدیجه علیها السلام این سخن را جدی تلقی کرد و مهر و محبت پیامبر موعود را در دل جای داد...[\(1\)](#)

بدین جهت خدیجه علیها السلام غیر از این که برای بازگشت قافله تجارتي خود به مکه چشم انتظاری داشت، برای بازگشت شخص محمد صلی الله علیه و آله هم دقیقه شماری می کرد و از پنجره بالای خانه، خود که به راه شام مشرف، بود مرتب چشم به عمق دژه می دوخت و زمزمه دیدار سر می داد:

مردم دیده ما جز به رهت ناظر نیست

دل سرگشته، ما غیر ترا ذاکر نیست

اشکم احرام طواف حرمت می بندد

گر چه از خون دل ریش، دمی ظاهر نیست

عاقبت دست بدان سرو بلندش برسد

هر که را در، طلبت همّت او قاصر نیست

من که در آتش سودای، تو آهی نزنم

کی توان گفت که بر داغ دلم صابر نیست. [\(2\)](#)

ص: 43

---

1- الاصابه، ج 4، ص 282، بحار الانوار، ج 16، ص 4

2- حافظ، دیوان ص 87

وقتی هم خبر بازگشت کاروان به مکه رسید، خدیجه علیها السلام که بالای ایوان خانه خویش به درّه محل عبور کاروان می نگریست سرود:

جاءَ الحَيِّبُ الَّذِي أهوَاهُ مِنْ سَفَرٍ

وَالشَّمْسُ قَدْ أَثَرَتْ فِي وَجْهِهِ أَثْرًا

عَجِبْتُ لِلشَّمْسِ، مِنْ تَقْبِيلِ وَجْنَتِهِ

وَالشَّمْسُ لَا يَنْبَغِي أَنْ تُدْرِكَ القَمَرَ. (1)

آن سفر کرده محبوب به دل باز آمد

بر رخس جلوه خورشید پدیدار آمد

زده خورشید به گلزار رخس بوسه عشق

وین عجب بوسه خورشید که بر ماه آمد.

به هر حال با خواستگاری «ابوطالب» (2) یا به قول «ابن اسحاق» با پیشنهاد خود خدیجه علیها السلام، در حالی که وی چهل سال داشت و به روایت معروف از سنّ محمد صلی الله علیه و آله بیست و پنج سال می گذشت (3) این بانوی بزرگ با وجود آن که مهریه ازدواج را هم خود عهده دار شده، بود به ازدواج رسول خدا صلی الله علیه و آله در آمد (4)

ص: 44

---

1- بحار الانوار، ج 16، ص 49

2- بحار الانوار، ج 16، ص 19 و 3.

3- همان.

4- الاستیعاب، ج 4، ص 280، بحار الانوار، ج 16، ص 12

در مراسم عقد ازدواج «عمرو بن سعد» و «وَرَقَةَ بن نوفل» عموهای خدیجه «عمرو بن خویلد» برادر خدیجه علیها السلام و تعدادی از بستگان، وی و از سوی دیگر، ابوطالب و حمزه عموهای پیامبر صلی الله علیه و آله و افراد دیگری از قوم و خویشان او حضور داشتند، که ابوطالب پس از بر شمردن فضایل محمد صلی الله علیه و آله چنین خطبه ای خواند:

حمد و ستایش خداوندی را که ما را از نسل ابراهیم و اسماعیل علیهما السلام قرار داد و در این شهر مقدس و این خانه محترم اسکان داد و ما را سروری و پیشوایی بر مردم بخشید.

این را هم می دانیم که محمد صلی الله علیه و آله فرزند «عبدالله» برادر زاده من کسی است که هیچ جوانی در قبیله قریش با او برابری نمی کند، و او در میان همه همگنان، خویش از نظر فضیلت و شرافت و عقل و فکر و اندیشه و بصیرت و بزرگواری بر همگان برتری دارد اما اگر از نظر مال و ثروت در وضع مطلوبی، نیست باید توجه داشته باشیم، مال و ثروت سایه زود گذری بیش نیست اضافه بر این میان وی و خدیجه علیها السلام مهر و محبت متقابل وجود دارد... (1)

بدین ترتیب در حالی که «وَرَقَةَ بن نوفل» عموی خدیجه علیها السلام در مورد عظمت محمد صلی الله علیه و آله و قوم و خویشی با خدیجه علیها السلام خطبه ای

ص: 45

---

1- شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج 14، ص 70، بحار الانوار، ج 16، ص 14 ابوطالب مؤمن، قریش ص 141 تاریخ یعقوبی، ج 2، ص 20.

خواند خدیجه علیها السلام خود نیز گفت: زَوْجَتُكَ يَا مُحَمَّدٌ نَفْسِي وَالْمَهْرُ عَلِي فِي مَالِي، آن گاه خدیجه علیها السلام دستور داد شتری را کشتند و گوشت آن را میان مردم تقسیم نمودند عده ای را هم غذا دادند و زندگی مشترک محمد صلی الله علیه و اله و خدیجه علیها السلام در کمال صفا و صمیمیت سرشار برقرار گردید (1)

این جهت هم باید مورد توجه باشد که همان طور که اشاره کردیم ازدواج پیامبر صلی الله علیه و آله با خدیجه علیها السلام فقط به خاطر مال و ثروت او نبوده بلکه وی زنی با کمال و با شخصیت و دارای علم و دانش والایی نیز بوده است زیرا خدیجه علیها السلام با «ورقه بن نوفل» عموی دانشمند خویش در ارتباط بوده و مطالب دینی و انسانی فراوانی را از او فرا می گرفته است.

در، تاریخ می خوانیم: یک روز خدیجه علیها السلام به حضور «ورقه» رسید و آن مرد دانشمند یک سلسله آموزش های اخلاقی و اجتماعی را بدین صورت برای خدیجه علیها السلام بیان داشت:

ای دختر برادرم! هرگز با شخص جاهل و آدم عالم ستیز و درگیری نداشته باش، زیرا جدال و نزاع با جاهل سبب ذلت تو می شود و عالم هم به خاطر جدال و نزاع تو را از علم خویش محروم می گرداند در صورتی که کسی به وسیله عالمان سعادت مند می، گردد که از آنان اطاعت کند.

ص: 46

دخترم! از معاشرت با شخص احمق دروغ گو سخت پرهیز داشته، باش زیرا وی اگر بخواهد به تو نفعی برساند، در عمل به زیان تو اقدام می کند، او نزدیک را برای تو، دور، و دور را نزدیک جلوه می دهد اگر به شخص احمق دروغ گو اعتماد کنی او به تو خیانت می کند و اگر او ترا امین خود بداند به اهانت تو اقدام خواهد کرد. اگر او سخنی برای تو بازگو کند به تو دروغ می گوید و اگر تو نیز سخن راستی را برای او بیان کنی ترا تکذیب خواهد نمود زیرا وجود تو برای چنین شخصی مانند «سرابی می ماند که انسان تشنه آن را آب می پندارد و آن گاه که بر کنار آن حاضر شود آبی نخواهد یافت!»

دختر برادرم! این را هم، بدان اگر جوانی با خوش خلقی همراه، باشد کلید گشودن هر کار خیر و سعادت مند و کلید بستن هر قفل بدبختی و ناروایی خواهد بود چنان که قدرت جوانی اگر با اخلاق زشت و ناپسند، همراه، باشد برای انسان کلید هر گونه شرّ و تبهکاری می باشد.

آری دختر برادرم! این را بدان (که جوانی و شخصیت انسانی) مانند آجری است که وقتی شکسته شد ترمیم نمی یابد و آجر پاره ها هم بیش از خاک و گل نمی باشند. (1)

ص: 47



عموم مؤرخانی که درباره پیامبر صلی الله علیه و آله و خدیجه علیها السلام وقایع نگاری کرده اند، متأسفانه تاریخ دقیق واقعه مهم این ازدواج را کم تر مورد توجه قرار داده یا مسکوت گذاشته اند! اما با تحقیقی که به عمل آمد خوش بختانه به نقطه روشنی دست یافتیم که نظریه سه تن از آنان را در این باره مورد مطالعه قرار می دهیم:

1- ابو جعفر محمد بن حسن بن علی بن حسن طوسی، مشهور به شیخ الطائفه و شیخ طوسی متولد رمضان 358 در طوس (سناباد قدیم) و متوفای 22 محرم 460 ه.ق در نجف اشرف می نویسد: پیامبر صلی الله علیه و آله در 25 سالگی خود، دهم ربیع الاول با خدیجه علیها السلام ازدواج کرد. (1)

2- قاضی مکه، شیخ حسین بن محمد بن حسن دیاربکری، متوفای 990 ه.ق (2) نوشته است: پیامبر صلی الله علیه و آله در 25 سالگی که برای بار دوم با «میسره» غلام، خدیجه 14 روز باقی مانده به آخر ذی الحجه به شام مسافرت، کرد بعد از این که دو ماه و 25 روز از آن تاریخ می گذشت بعد از ماه صفر 26 سالگی خود (10 ربیع الاول) با خدیجه علیها السلام ازدواج کرد. (3)

ص: 48

---

1- مصباح المتهجد و سلاح المتعبد ص 791، چاپ لبنان

2- تاریخ آداب اللغة العربیة جرجی، زیدان، ج 3، ص 324

3- تاریخ الخمیس، فی احوال انفس نفیس ج 1 ص 263، چاپ بیروت موسسه شعبان

3- شیخ مولی محمد هاشم بن محمد علی خراسانی مشهدی متوفای ذی القعدة 1352 ه.ق (1) به نقل از «مصباح المتهدجد» می نویسد: تزویج آن مخدّره (خدیجه علیها السلام) دهم ربیع الاوّل، در حالی که از سنّ شریف پیامبر اسلام صلی الله علیه و اله بیست و پنج سال گذشته بود، واقع شده است. (2)

## در آغوش اسلام

اصولاً «مهریه زن» در ازدواج به عهده شوهر است، اما همان طور که خواندیم، خدیجه کبری علیها السلام از جانب شوهر خود مهریه اش را عهده دار شد علاوه بر این علاقه فوق العاده او نسبت به حضرت محمد صلی الله علیه و اله و پیش گویی های مهمّی که «ورقه پسر نوفل» پسر عموی دانشمند خدیجه علیها السلام درباره آینده درخشان و جهانی آن حضرت نموده بود موجب گردید که وی همه دارایی خود را در اختیار شوهر نازنین خود قرار دهد (3)

درباره ثروت و دارایی خدیجه کبری علیها السلام سخن های فراوانی گفته اند یک روایت این است که خدیجه علیها السلام ثروتمندترین شخص مکه بود، در هر شهر و دیاری کارگزار و کاروان شترهای تجارتي

ص: 49

---

1- الذریعة الی تصانیف الشیعة، ج 22، ص 390.

2- منتخب التواریخ کتابفروشی، اسلامیه تهران 1317 ش.ق

3- بحار الانوار ج 16، ص 22 و 71

داشت تا جایی که تعداد شترهای او را که در مصر و حبشه و شام و عراق و بحرین و طائف و عمان و سایر شهرها به حمل و نقل کالای تجارتي به کار گرفته می شدند بیش از هشتاد هزار نفر شتر دانسته اند. (1)

به هر حال از زندگی مشترک خدیجه علیها السلام و محمد صلی الله علیه و آله پانزده سال گذشته بود وی به پنجاه و پنج سالگی رسیده بود و محمد صلی الله علیه و آله به چهل سالگی که وحی الهی بر آن حضرت فرود آمد و آن حضرت به پیامبری و رسالت هدایت جهانیان مبعوث گردید و آن طوری که همه مورّخین، نوشته اند اولین کس یا اولین زنی که به اسلام و پیامبر صلی الله علیه و آله ایمان آورد و نماز خواند خدیجه علیها السلام، ما در اهل ایمان بود. (2)

### شریک سختی ها

گفتن و نوشتن این کلمات، که اسلام ظهور کرد، محمد صلی الله علیه و آله به پیامبری مبعوث شد و اولین زنی که به او ایمان آورد خدیجه علیها السلام بود، کار آسانی، است اما با مرور کوتاهی به جنبه های عملی و شرایط زمانی این بعثت و حوادث سختی که زندگی خدیجه علیها السلام را در کام خود کشید حقایق مهم و فداکاری های توصیف ناپذیری دارد.

ص: 50

---

1- بحار الانوار ج 16، ص 22.

2- السیره النبویه، ج 1، ص 257 تاریخ الخمیس، ج 1، ص 286، الاستیعاب، ج 4، ص 281، الاصابه، ج 4، ص 282، بحار الانوار، ج 18، ص 1967 شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج 14، ص 52-59

حضرت محمد صلی الله علیه و آله و با شعاع: (يَا أَيُّهَا النَّاسُ! قُولُوا لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ تَقْلِحُوا)، مکتب حیات بخش اسلام و توحید را آورده است (1) تا در شعاع آن همه اوهام و خرافات و پندارهای باطل و مناسبات بی اساس قومی و جغرافیایی و قبیله ای و بیابانی و جاهلی را در هم فرو ریزد و انسانیت را از انحطاط و انحراف به صراط مستقیم فراخواند، اما این کار برای سردمداران شرک و افراد آلوده مغز و خود خواه جاهلی گران تمام می شد و در مقابل عکس العمل های سخت و دردناکی به وجود می آورد!

آری، در مقابل دعوت به مکتب انسانی توحید ابولهب عموی پیامبر صلی الله علیه و آله آن حضرت را مورد حمله قرار داد و سنگ به آن حضرت پرتاب نمود و آن حضرت را دروغ گو نامید! (2)

و دیگران هم با تهمت های: مجنون، شاعر بودن، اسطوره و افسانه بیان کردن (3) آزار و مزاحمت فراوان برای نماز خواندن و طواف کردن آن حضرت فراهم نمودند. (4) و از آن دردناک تر و شرم آورتر این که پیامبر صلی الله علیه و آله را با جمله فَرَّقَتِ الْجَمَاعَةَ ... اخلال گر و تفرقه انگیز و به هم زننده نظام اجتماعی معرفی نمودند! (5)

ص: 51

---

1- بحار الانوار، ج 18، ص 202 تاریخ الخميس، ج 1، ص 292.

2- همان.

3- بحار الانوار، ج 18، ص 201

4- تاریخ الخميس، ج 1، ص 293، بحار الانوار، ج 18، ص 4-203

5- بحار الانوار، ج 18، ص 201

از سوی دیگر یاران پیامبر صلی الله علیه و آله چون عمّار یاسر سُمَیّه و خَبّاب بن، اَزّت مورد اذیت و شکنجه های در ناک مشرکان قرار می گرفتند، و آن حضرت یاران خویش را دلداری می داد که مقاومت و استواری را پیشه، سازند زیرا افرادی را قبل از آنان هم در راه دین داری با اژه دو شقه می کردند و آنان از دین و آئین خویش دست بر نمی داشتند، و بالاخره مقاومت در راه اسلام عزیز رمز پیروزی است. (1)

در برابر آن همه آزارها و زخم زبان ها و جراحات هایی که بر وجود مقدس رسول خدا صلی الله علیه و آله وارد می آمد، اگر چه دفاع و حمایت ابوطالب و حمزه و دیگران تا حدی برای آن حضرت مؤثر و التیام بخش بود اما کانون گرم خانواده ای که خدیجه علیها السلام با همه وجود آن را صفا و امید و گرمی می بخشید از همه چیز امیدوار کننده تر و التیام بخش قلب نازنین رسول خدا صلی الله علیه و آله محسوب می گردید، زیرا خدیجه علیها السلام در همه کارها یار و مددکار درد آشنا و فداکار پیامبر صلی الله علیه و آله بود. (2)

طبق سفارش رسول گرامی، اسلام از جمله وظایف زن در برابر شوهر این است: که وضع غذا را سامان دهد، به استقبال شوهر آید و به او خوش آمد گوید و آب و حوله برای شستن دست و صورت شوهر

ص: 52

---

1- بحار الانوار، ج 18، ص 210.

2- بحار الانوار، ج 16، ص 21

آماده کند. (1) و خدیجه به هنگام ورود پیامبر به خانه، که گاهی به خاطر آزار و اذیت دشمنان غبار آلود و مجروح بود، چنان با رسول خدا صلی الله علیه و اله برخورد محبت آمیز و تسلی بخش داشت که آن حضرت را شادمان می کرد و آرامش می بخشید تا آن حضرت غم ها و ناراحتی های خود را فراموش کند. (2)

عمر ابو نصر دانشمند لبنانی می نویسد: خدیجه علیها السلام همیشه در راه آسایش و خشنودی محمد صلی الله علیه و آله خود را به مشقت می افکند و برای آن که زندگانی شوهر را شیرین و نیکو، سازد، زحمتی زاید از حدّ متحمل می شد و نیکی و عواطف او را درباره خود تقدیر می نمود و در اعماق قلب خویش احساس می کرد که شوهرش چون دیگران نیست بلکه از دیگران ممتاز می باشد و باید از هر گونه احترام و تقدیس برخوردار باشد. (3)

ابن اثیر از ابن اسحاق روایت می کند: خدیجه علیها السلام برای پیامبر صلی الله علیه و آله و اسلام وزیر صادق و درست کرداری بود (4) هشام بن محمد نوشته است: پیغمبر صلی الله علیه و آله نسبت به خدیجه علیها السلام احترام و محبت زیادی اعمال می داشت در کارها با او مشورت می نمود

ص: 53

---

1- مستدرک الوسائل، ج 14، ص 254 ابواب مقدمات نکاح، باب 69 ح 2.

2- ریاحین الشریعه، ج 4، ص 405

3- زندگانی حضرت فاطمه، ص 78

4- اسد الغابه، ج 5، ص 439

زیرا وی برای رسول خدا صلی الله علیه و آله وزیر صادق و مخلصی بود... (1) تا جایی که از علل مهم پیشرفت اسلام را می توان دارایی و فداکاری های خدیجه علیها السلام دانست

## در محاصره اقتصادی

اگر چه راز عظمت و کمال حضرت خدیجه علیها السلام را از آغاز بحث تاکنون تا حدّ زیادی به دست آوردیم در عین حال همرازی و همیاری این بانوی بزرگ در کنار رسول گرامی، اسلام به هنگام محاصره سخت اقتصادی و تحمل آن همه سختی ها می تواند عظمت بیش تر خدیجه علیها السلام را آشکار نماید.

ملاحظه، کنید آزارهای دشمنان نسبت به پیامبر صلی الله علیه و آله غیر از آن چه در بالا گذشت شرایط زندگی را بر آن حضرت و یارانش سخت و تنگ کرد، به طوری که در سال پنجم بعثت بیش از هشتاد نفر از یاران مرد و زن آن بزرگوار ناچار شدند از وطن خود مکه، هجرت کنند و در کشور مسیحی نشین «حبشه» اقامت گزینند اما خوش بختانه در اثر برخورد خوب مهاجران و در رأس آنان جعفر بن ابی طالب نجاشی پادشاه آن سرزمین با آنان خوش رفتاری، کرد و بر خلاف انتظار دشمنان قریشی «حبشه» برای مسلمانان مهاجر محل امن و راحتی گردید. (2)

ص: 54

---

1- ام المومنین خدیجه بنت خویلد ص 38

2- تاریخ الامم و الملوک، ج 2، ص 231 و 225، السیره النبویه، ج 1، ص 376، بحار الانوار، ج 15، ص 15

ولی کافران قریش در مکه که از پیروزی آنان به خشم آمده بودند، در مقام توطئه جدیدی برآمدند برای این منظور «پیمان نامه ای» را امضا کردند که هر گونه ازدواج و ارتباطات اجتماعی و اقتصادی را با پیامبر صلی الله علیه و آله و طرفدارانش قطع، نمایند، تا آنان از هر جهت در مضیقه و سختی قرار گیرند. (1)

به ناچار، پیامبر صلی الله علیه و آله با خدیجه علیها السلام و بنی هاشم و بنی عبدالمطلب و ابوطالب، شهر مکه را ترک گفتند و از اول محرم سال هفتم بعثت در «شعب ابوطالب» که در بیرون شهر مکه و در قسمت شرقی شهر قرار داشت استقرار یافتند. (2)

اکنون حدود بیست و یک سال از زندگی مشترک خدیجه علیها السلام با رسول خدا صلی الله علیه و آله گذشته است و از آن مال و دارایی خدیجه علیها السلام چیزی باقی نمانده و کار زندگی آنان و خانواده های دیگری که در «دژ ابوطالب» زیر سایبان ها و در پناه اتاقک های ساده در شعاع سوزان خورشید به سر می بردند با وضع رنج آور و دل خراشی آمیخته است، عموم تاریخ نویسان هم مدت این محاصره تلخ را سه سال نوشته اند. (3)

یعقوبی می نویسد: رسول خدا صلی الله علیه و آله با همه بنی هاشم و بنی مطلب سه سال در «شعب» ماندند تا آن که رسول خدا صلی الله علیه و آله و ابوطالب و

ص: 55

---

1- السیره النبویه، ج 1، ص 376 تاریخ الامم و الملوک، ج 2، ص 225

2- همان.

3- تاریخ الامم و الملوک، ج 2، ص 225



خدیجه علیها السلام تمام دارایی خود را از دست دادند و به سختی و ناداری گرفتار شدند! (1)

باری، وضع سخت و کار گرسنگی مسلمانانی را که در محاصره دشمن قرار داشتند و دشمنان هم با گماشتن مراقبین و جاسوسان راه هر گونه داد و ستد و ارتباط اقتصادی را به روی آنان بسته بودند، به جایی رسیده بود که نوشته اند شیون گرسنگی کودکان آنان از بیرون «شعب» شنیده می شد. (2)

اما گاهی «حکیم بن خرام بن خویلد» بار گندمی را برای عمه خود خدیجه علیها السلام به سوی «شعب» روانه می داشت که یک بار هم «ابوجهل بن هشام» از کار او جلوگیری کرد اما «ابوبختری بن هشام» سر رسید و آن گاه که متوجه درگیری آنان شد گفت: گندمی از عمه اش خدیجه علیها السلام به عنوان امانت نزد او بوده اکنون بگذار آن را به او برساند (3)

به هر حال خدیجه علیها السلام در حالی که همه دارایی خویش را از دست داده بود با ایمان و عشق و صف ناپذیری برای اسلام و آرمان های متعالی خویش در کنار رسول خدا صلی الله علیه و آله به استقامت خود ادامه داد، یار غم خوار و مددکار بزرگی برای آن حضرت محسوب می گردید تا آن که محاصره اقتصادی پس از سه سال در نیمه رجب سال دهم بعثت پایان یافت (4)

ص: 56

---

1- تاریخ یعقوبی، ج 2، ص 31، بحار الانوار، ج 15، ص 16

2- تاریخ پیامبر اسلام ص 155 بحار الانوار، ج 15، ص 19.

3- تاریخ پیامبر اسلام ص 161

4- تاریخ الامم و الملوک، ج 2، ص 225، بحار الانوار، ج 15، ص 19.

## ثروت خدیجه علیها السلام و شمشیر علی علیه السلام

همان طور که در بالا- مطالعه کردیم خدیجه علیها السلام از آغاز زندگی مشترک خود با پیامبر صلی الله علیه و آله همه دارایی کلان خویش را در اختیار آن حضرت، گذاشت اما درباره این که آن همه ثروت و دارایی را حضرت محمد صلی الله علیه و آله چگونه مصرف نموده است؟ از نظر تاریخی، آمار و ارقام و موارد روشن و دقیقی ارائه نگردیده است بلکه آن طور که عموم مورّخین نوشته اند: با توجه به این که آن حضرت از روح سخاوت و بلند منشی و فقیر نوازی فوق العاده ای برخوردار بوده و دارایی ها و ثروتی را که در اختیارش قرار گرفته بود به نیازمندان و افرادی که به او مراجعه می نموده اند عطا و بخشش می کرده است. (1)

البته چنین مال و ثروتی موجب تقویت بنیه مادی زندگی آن حضرت گردیده و قهراً در جذب نفوس و جلب قلوب افراد هم تأثیر اجتناب ناپذیری داشته ..... که در نتیجه موجب تقویت شخصیت آن حضرت و آئین مقدّس اسلام هم می گردیده است، ولی تعبیر افراطی و اغراق آمیز عامیانه: «اگر مال و ثروت خدیجه علیها السلام و شمشیر علی علیه السلام، نبود اسلام پیشرفت نمی کرد» هم تعبیر واقعی و درستی نیست!

ص: 57

زیرا درباره مصرف اموال خدیجه علیها السلام، همان طور که اشاره کردیم، به عنوان یک عامل نقش مؤثری داشته است، چنان که شمشیر علی علیه السلام هم برای تقویت اسلام چنین تأثیر عمیقی را داشته است.

به خصوص درباره «تأثیر شمشیر علی علیه السلام» سخن مغرضانه نویسنده و مورخ انگلیسی «توماس کارلایل» متولد 1795 میلادی را هم باید مورد توجه داشته باشیم، زیرا وی به خاطر شمشیر علی علیه السلام و سایر جنگ های، اسلامی اسلام را آئین شمشیر نامیده است (1) که مغرضانه بودن این سخن را «گو ویلیام انگلیسی» و بسیاری از دانشمندان غیر مسلمان هم تأیید کرده و بی اساس شمرده اند. (2)

زیرا دین مقدس اسلام در مرحله نخست بر اساس فطرت پاک انسانی استوار است وجدان های پاک و روح های تشنه معنویت، این آئین مقدس را که دارای مقررات همه جانبه انسانی است به جان خریده اند و آن طور که قرآن کریم هم تصریح می کند: عمده رمز پیشرفت، اسلام اخلاق و شخصیت پاک و متعالی شخص رسول خدا صلی الله علیه و آله بوده (3) اخوت و، برادری اتحاد و یگانگی و آرمان خواهی الهی مسلمانان، نیز این پیشرفت را قوت و سرعت بخشیده است.

ص: 58

---

1- نقشه های استعمار در راه مبارزه با اسلام ص، 138 مایقال عن الاسلام، ص 170.

2- آیین اسلام، ص 127 و 125

3- سوره آل عمران آیه 159

اما متأسفانه مبلغین مسیحی در قرن های اخیر هم مسئله بی پایه آئین شمشیر را هم چنان دامن می زنند تا اغراض استعمارگرانه خود را تحقق بخشند!

گو ویلیام انگلیسی که در سال 1856 میلادی متولد شده در 1887 به 31 سالگی به آئین مقدس اسلام درآمده و کتاب «آئین اسلام» او به زبان های مختلف بارها به چاپ رسیده است درباره اسلام که در نقاط غربی آفریقا مانند: سیرالئون و نیجر، در حال گسترش، است و دشمنان آن را با چهره خشن معرفی کرده اند، می نویسد: مبلغین مسیحی برای القای شبهه و رخنه در عقاید ساده لوحانه مردم تابلو بزرگی تهیه کرده اند که در آن یک نفر، سودانی با وضع مصیبت زده کتک خورده ساق های زخم و مجروح پا، در حالی که خیمه و خرگاه او را در پشت سرش آتش زده اند و با کمال خشونت ریسمان به گردن زن و کودکان او بسته اند و مرد خون خواری آن ها را بر روی زمین می کشد نشان می دهند!

آن گاه تصویر کشیده اند که مرد مسلمانی به صورت شیطان شمشیری در دست گرفته و خطاب به سودانی می گوید یا مرگ یا اسلام! و این یک نمونه از اتهامات و افسانه هایی است، که نسبت به اسلام جلوه گر می سازند (1)

ص: 59

در حالی که روش اسلام برای پیشرفت خود این است که قرآن کریم می فرماید: در پذیرش دین اکراه و اجباری در کار نیست (1) خداوند به پیامبر خویش می فرماید: تو تذکر دهنده هستی و بر مردم سلطه و اجباری نخواهی داشت. (2)

علاوه بر این روش پیشرفت اسلام از دعوت و هدایت آغاز گردیده، و در مدت سیزده سالی که پیامبر صلی الله علیه و آله آئین خود را در مکه ترویج می، کرد نه شمشیری داشت و نه قرآن کریم دستور جهادی داده بود، و آیات جهاد هم در مدینه نازل شده زیرا پس از آن که رسول خدا صلی الله علیه و آله آئین خود را به مردم عرضه می کرد و اسلام گسترش می یافت، یهودیان و دشمنان در مقام مقابله و توطئه علیه بنیان اسلام برآمدند نامه ها و دعوت نامه های آن حضرت برای تسلیم شدن به اسلام سودی نپخشید.

آری پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله در نامه هایی که برای سران و پادشاهان مقتدر آن زمان، مثل هرقل مقوقس و خسرو پرویز پادشاه ایران نوشته، در همه این نامه ها جمله ای به چشم می خورد که اَسْلِمَ تُسَلِّمَ (3)

اسلام، بیاورید تا سلامت و امنیت داشته باشید.

ص: 60

---

1- سوره بقره، آیه 256

2- سوره غاشیة آیه 22

3- مکاتیب الرسول، ص 97-106

از دامن خدیجه کبری علیها السلام این بانوی مؤمن و مخلص و مجاهد طبق روایات مشهور در مجموع شش، فرزند دو پسر و چهار دختر برای رسول خدا صلی الله علیه و آله به دنیا آمده اند که ترتیب ولادت و خلاصه خصوصیات آنان قابل توجه خواهد بود:

1 - نخستین فرزند خدیجه علیها السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله قاسم نام داشت که قبل از بعثت در مکه به دنیا آمد، بدین مناسبت رسول خدا صلی الله علیه و آله ابوالقاسم لقب گرفت و آن کودک دو سال داشت، که در مکه چشم از جهان فرو بست (1) و در قبرستان ابوطالب به خاک خفت

2 - زینب دختر خدیجه علیها السلام و رسول خدا صلی الله علیه و آله در حالی که آن سال داشت پس از قاسم و قبل از بعثت در مکه تولد یافت وقتی به سنّ بلوغ رسید به ازدواج پسر خاله خود «قاسم بن ربیع» معروف به «ابوالعاص» در آمد، بعد از «جنگ بدر» به مدینه هجرت کرد، دارای دختری به نام «امامه» گردید و در سال هشتم هجرت در مدینه از دنیا رفت. (2)

3 - رقیه پس از زینب و قبل از بعثت در مکه به دنیا آمد پس از بلوغ به عقد «عُتبه» پسر ابولهب در آمد بعد از نازل شدن «سوره مَسَد»

ص: 61

---

1- بحار الانوار، ج 22، ص 166.

2- بحار الانوار، ج 22، ص 166-167

و پیش از عروسی به دستور ابولهب طلاق داده شد آن گاه به ازدواج «عثمان بن عفان» درآمد و به حبشه هجرت نمودند و در سال دوم هجرت که رسول خدا صلی الله علیه و آله سرگرم «جنگ بدر» بود، رقیه به مدینه مراجعت نمود و در همان سال چشم از جهان فرو بست. (1)

4- امّ کلثوم دختر سوم خدیجه علیها السلام و محمد صلی الله علیه و آله، پیش از بعثت در مکه تولد یافت و چون خواهرش رقیه نخست به عقد «عُتبه پسر ابولهب» درآمد اما قبل از عروسی از او جدا شد، بعد از سه سال به ازدواج «عثمان بن عفان» درآمد و در شعبان سال هفتم هجرت در مدینه از دنیا رفت. (2)

5- فاطمه علیها السلام، طبق روایات مشهور بیستم جمادی الثانی پنج سال پس از بعثت رسول خدا صلی الله علیه و آله در حالی که آن حضرت 45 سال، داشت در مکه از دامن خدیجه علیها السلام چشم به دنیا گشود (3) هشت سال در مکه اقامت داشت (4) در سال دوم هجرت رسول خدا صلی الله علیه و آله به، مدینه با علی بن ابی طالب علیه السلام در ده سالگی ازدواج کرد، از آن حضرت، پنج فرزند به نام های حسن، حسین، زینب ام کلثوم، و محسن به دنیا آمد (5) و سرانجام پس از ده سال اقامت در مدینه و هفتاد و پنج روز بعد از وفات

ص: 62

---

1- بحار الانوار، ج 22، ص 166-167

2- همان.

3- اصول کافی، ج 2، ص 458، بحار الانوار، ج 43، ص 9 و ج 16، ص 78، تاریخ یعقوبی، ج 2، ص 20.

4- دلائل الامامه چاپ، جدید ص 79

5- المعارف، ص 92، مصباح المتهجد، ص 561

پدرش رسول خدا صلی الله علیه و آله، سه شنبه سیزدهم جمادی الاول سال یازدهم هجرت (به سن هیجده سالگی) وفات یافت (1).

6- عبدالله فرزند ششم خدیجه علیها السلام و محمد صلی الله علیه و آله است، که چون در مکه پس از بعثت به دنیا آمده، لقب «طیب» و «طاهر» گرفته است. (2) عبدالله در همان مکه در کودکی وفات یافت و «عاص بن وائل سَهْمی» چون از پیامبر صلی الله علیه و آله فرزند پسری باقی نماند، آن حضرت را «ابتر» یعنی شخص بدون نسل، نامید که در پاسخ سخن ناروای او، سوره «کوثر» نازل گردید. (3)

اما باید توجه داشت همه دخترهای آن حضرت باقی ماندند به آغوش اسلام وارد شدند و سپس به مدینه هجرت نمودند. (4)

فرزند دیگر رسول خدا صلی الله علیه و آله ابراهیم نام داشته، که این فرزند از دامن بانویی به نام «ماریه قبطی» که پادشاه «اسکندریه» او را به آن حضرت هدیه کرده بود، سال هشتم هجرت در مدینه به دنیا آمد (5) و پس از هیجده ماه و هشت روز چشم از جهان فرو بست رسول خدا صلی الله علیه و آله در عزای او اشک ریخت، در آن روز خورشید گرفت و افراد این خورشید گرفتگی

ص: 63

- 
- 1- اصول کافی ج 1، ص 458 دلائل الامامه ص 79، بحار الانوار، ج 43، ص 9.
  - 2- تاریخ یعقوبی، ج 2، ص 20، الاستیعاب، ج 4، ص 282، بحار الانوار، ج 22، ص 166.
  - 3- تاریخ پیامبر اسلام ص 77
  - 4- بحار الانوار، ج 22، ص 166، شرح نهج البلاغة ابن ابی الحدید ج 14، ص 189، تاریخ الخمیس، ج 1، ص 272، السیرة النبویة، ج 1، ص 202.
  - 5- بحار الانوار، ج 22، ص 151 و 156، المحاسن ص 314، قرب الاسناد، ص 7.



را در ارتباط با مرگ ابراهیم دانستند اما رسول خدا صلی الله علیه و اله این مطلب را رد کرد و خورشید گرفتگی را طی خطابه ای از نشانه های طبیعی عالم خلقت شمرد، بلکه دستور داد بدین مناسبت نماز آیات بخوانند (1) و جسد ابراهیم را در قبرستان بقیع مدینه به خاک سپرد (2) و درباره اشک ریختن خویش در مرگ، فرزند که افراد آن را ناپسند می شمردند، آن حضرت فرمود: (إِنَّمَا هَذَا رَحْمَةٌ وَمَنْ لَا يَرْحَمُ لَا يُرْحَمُ) (3)

این اشک رحمت و محبت است و هر کس رحم و عاطفه ندارد مورد رحمت هم قرار نمی گیرد.

## وفات خدیجه علیها السلام

خدیجه دانشمند و ثروتمند بیست و پنج سال با پیامبر صلی الله علیه و آله زندگی کرد در جهت حفاظت و حمایت و دفاع از وجود مقدس آن حضرت، همه دارایی و توان خویش را به کار گرفت تا رسول گرامی اسلام بهتر بتواند مکتب آسمانی خویش را برای بشریت عرضه نماید (4) و به همین جهت آن فرستاده خداوند، خدیجه علیها السلام را چون مریم دختر، عمران آسیه دختر مزاحم و فاطمه زهرا علیها السلام از بهترین زنان جهان بشریت و عالم بهشت نامیده است. (5)

ص: 64

---

1- بحار الانوار، ج 22، ص 151 و 156، المحاسن، ص 314، قرب الاسناد، ص 7.

2- بحار الانوار، ج 22، ص 151-152.

3- بحار الانوار، ج 22، ص 151

4- اسد الغابه، ج 5، ص 437

5- اسد الغابه، ج 5، ص 438 ذخائر العقبی، ص 44

این بانوی بزرگ، اسلام همهٔ ثروت بی نظیر خویش را در جهت تقویت اسلام و قرآن و پیامبر صلی الله علیه و آله به مصرف رسانید و حتی در روزهایی که دوران نقاهت و بیماری خویش را می گذرانید بر اثر آزار و کارشکنی و محاصره اقتصادی از سوی دشمنان پیامبر صلی الله علیه و آله، در حالی که فاطمه کوچک در کنارش اشک می ریخت گاهی با رنج و مضیقه مالی به سر می برد اما به اسلام و پیامبر صلی الله علیه و آله می اندیشید (1)

آری، مقام معنوی و انسانی این بانوی قریشی تا آن جا اوج گرفت، که طبق منابع فراوان تاریخی «جبرئیل» حامل وحی الهی به پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: سلام خداوند متعال را به حضرت خدیجه علیها السلام ابلاغ دارد و خدیجه علیها السلام با دریافت سلام الهی اعلام داشت خداوند سلام است سلام از جانب اوست، و بر جبرئیل هم سلام باد. (2)

سرانجام این بانوی بزرگ اسلام در شصت و پنج سالگی (3) سوّم یا دهم ماه مبارک رمضان سال دهم بعثت (4) در خانه خود نزدیک مسجد الحرام (که بعدها معاویه آن را خریداری کرد و به مسجد تبدیل نمود، و هنوز هم ساختمان آن برقرار است (5) و تا سالیانی به «مولد فاطمه علیها السلام» معروف بود) با یک دنیا عزّت و عظمت از جهان چشم فرو بست.

ص: 65

- 
- 1- خدیجه بنت خویلد ص 105
  - 2- الاستیعاب، ج 4، ص 284
  - 3- تاریخ یعقوبی، ج 2، ص 35
  - 4- الاصابة، ج 4، ص 283.
  - 5- بحار الانوار، ج 22، ص 167.

پیامبر صلی الله علیه و آله در قبرستان «حُجُون» مکه قبری برای او تهیه نمود و او را با دست خود به آغوش خاک سپرد. (1)

آن طور که معروف است خدیجه علیها السلام بر اساس ایمان فوق العاده خویش به رسول خدا صلی الله علیه و آله و به منظور تبرک جستن وصیت کرده است: رسول خدا صلی الله علیه و آله او را در لباس خویش کفن نماید و به خاک بسپارد، اما در متون تاریخی دیگر می خوانیم: فرشتگان از جانب خداوند برای خدیجه علیها السلام کفن بهشتی آورده اند (و آن بانوی بزرگی که یک، روز ثروتمندترین زن عرب بود و همه دارایی خویش را در راه خداوند و تقویت کیان اسلام صرف نمود) خداوند مهربان همراه با آن همه عظمتی که به وی، داد برای او کفن بهشتی هم فرستاد.

راجع به بقعه آن بانوی بزرگ نوشته اند: در سال 727 هجرت، بر مزار او بقعه ای ساخته شده آن بقعه 491 سال برقرار بوده و مردم مکه در آن جا حضور می یافته اند و با زیارت و سرودن اشعار و تابلوهایی که در آن بقعه نصب نموده بودند نسبت به مقام بلند معنوی او، عرض ارادت می کردند (2) اما «وهایان» صبح روز یکشنبه نهم محرم سال 1218 هجری یعنی 204 سال پیش آن بقعه را با سایر بقعه های موجود در قبرستان «ابوطالب» خراب و محو کردند (3)

ص: 66

---

1- الاستیعاب، ج 4، ص 289، الاصابة، ج 4، ص 282.

2- ریاحین الشریعه، ج 2، ص 271

3- وهایان، ص 156.

«یوهان بورکسهاردت» جهانگرد معروف سوئسی (1784-1881) که نخست به آفریقا سفر کرد و در «مصر» ساکن گردید و اولین اروپائی، است که مکه را زیارت کرده (1) و اکنون از درگذشت او حدود 198 سال گذرد می نویسد: قبر خدیجه علیها السلام تاکنون به همان حال باقی است و مرتب به خصوص صبح های جمعه مورد نیاز و زیارت زائران است و به غیر از آیاتی چند از آیه الکرسی که روی قبر او با خط کوفی حک شده است چیز قابل ملاحظه ای در مقبره او دیده نمی شود (2)

به هر حال وفات خدیجه علیها السلام که سه روز بعد از وفات ابوطالب در سال دهم بعثت رخ داده بود از سوئی برای پیامبر صلی الله علیه و آله آن قدر دردناک بود که رسول خدا صلی الله علیه و آله آن سال را برای خود، سال اندوه نامید. (3) اما از سوی دیگر خدمات و خاطرات شیرین و ماندگار خدیجه علیها السلام برای رسول خدا صلی الله علیه و آله آن قدر زنده و در خور تحسین بود که طبق روایت عایشه هر گاه رسول خدا صلی الله علیه و آله می خواست از خانه بیرون، برود از خدیجه علیها السلام یاد خیر به عمل می آورد ثنا و ستایش نثار او می نمود و در پاسخ به اعتراض عایشه هم می فرمود: به خدا سوگند کسی جای خدیجه علیها السلام را نمی گیرد، او وقتی به رسالت

ص: 67

---

1- فرهنگ عمید تاریخ و جغرافیا، ص 259 فرهنگ معین، اعلام، ج 1، ص 293

2- عذر تقصیر به پیشگاه محمد و، قرآن ص. 32.

3- بحار الانوار، ج 19، ص 25

من ایمان، آورد که همه در وادی کفر به سر می بردند وی وقتی نبوت مرا تصدیق، نمود که دیگران مرا تکذیب می کردند وی آن گاه با مال و دارایی خود به یاری من شتافت که همه کس مال و مساعدت خود را از من دریغ می داشت و بالاخره خداوند به وسیله خدیجه علیها السلام فرزندی به من عطا فرمود که سایر زنان چنین بهره ای را نداشتند... (1)

باری سابقه و فداکاری های بی شائبه خدیجه کبری علیها السلام در روزگار سختی ها و بی کسی ها در راه پیشبرد آرمان های متعالی اسلام برای پیامبر صلی الله علیه و آله آن چنان، وفامندانه نمک، شناسانه، فراموش ناشدنی و قابل تقدیر بود که آن حضرت به پاس آن خدمات و برای آموزش انسانیت به همه مسلمانان طبق روایتی پس از وفات حضرت خدیجه علیها السلام هر گاه گوسفندی ذبح می، کرد سفارش می نمود از گوشت آن برای بانوانی هم که دوست خدیجه علیها السلام بودند ببرند. (2) و از این راه هم وفاداری و قدرشناسی خود را نسبت به آن بانوی بزرگ و مجاهد، اسلام عملاً مبذول می. داشت

ص: 68

---

1- الاستیعاب، ج 4، ص 287، الاصابة، ج 4، ص 282.

2- الاصابة، ج 4، ص 283.

وضع علم و، دانش ایمان و استقامت خردمندی و هوشیاری و کمالات درخشان خدیجه علیها السلام، این بانوی بی نظیر صدر اسلام حقیقت روشنی است که از سویی پیامبر عالی قدر اسلام او را در ردیف زنان کمال یافته ای چون مریم دختر عمران آسیه دختر مزاحم و همسر، فرعون و حضرت فاطمه زهرا علیها السلام قرار داده داده (1) و از سوی، دیگر عالمان و دانشمندان مختلف مسلمان و غیر مسلمان عظمت والای او را مورد ستایش قرار داده اند که چند نمونه از اعترافات آنان را مورد مطالعه قرار می دهیم:

1- عبدالملک بن هشام، مورّخ قرن سوم هجری می نویسد: خدیجه علیها السلام دختر خویلد به پیامبر صلی الله علیه و آله ایمان آورد، نبوت آن حضرت و آن چه را از جانب خداوند به او نازل می گردید تصدیق کرد، پیامبر صلی الله علیه و آله را در راه ادای رسالت تقویت نمود و (از میان زنان) اولین کسی بود که به خدا و رسول او ایمان آورد و وحی و کتاب الهی را تصدیق، نمود و بدین وسیله خداوند تحمّل بار رسالت را بر پیامبر صلی الله علیه و آله هموار کرد.

عشق و علاقه خدیجه علیها السلام به پیامبر تا آن جا بود که هر گونه مخالفت و تکذیبی را که علیه آن حضرت صورت می گرفت و

ص: 69

او را محزون می، ساخت آن را برطرف می، نمود، تا این که خداوند به وسیله خدیجه علیها السلام برای پیامبر صلی الله علیه و آله راه گشایشی باز نمود، او سبکبار شد و تثبیت گردید و می توانست فشارهای آزار دشمنان را تحمل کند که رحمت خداوند بر آن دو بزرگوار باد. (1)

2- حافظ عبدالعزیز، جنابذی می نویسد: خدیجه علیها السلام زنی خردمند و شریف، بود از افراد اصیل و سرشناس قریش به حساب می آمد از دیگران مال و ثروت بیش تری داشت افراد قبیله او اشتیاق زیادی به ازدواج با او را داشتند اما خدیجه علیها السلام زیر بار نرفت بلکه خود به پیامبر صلی الله علیه و آله پیشنهاد نمود و گفت: ای پسر عمو! من به خاطر قوم و خویشی، شرافت خانوادگی، امانتداری خوش خلقی و راست گویی تو به وصلت با تو علاقه زیادی دارم (2)

3- سیّد شرف الدین موسوی جبل، عاملی می نویسد: صدیقه این امت اول زنی بود که به پیامبر صلی الله علیه و آله و قرآن ایمان، آورد برای آن حضرت فداکاری فراوان، نمود تنها زنی بود که رسول خدا صلی الله علیه و آله مدت بیست و پنج سال بدون این که همسر دیگری برگزیند با او زندگی کرد و اگر او زنده می ماند پیامبر صلی الله علیه و آله همسر دیگری انتخاب نمی کرد

ص: 70

---

1- السیره النبویه، ج 1، ص 257.

2- الفصول المهمه ص 133.

خدیجه علیها السلام در طول مدت زیادی شریک غم و مشکلات رسول خدا صلی الله علیه و آله بود با دارایی و مال خود آن حضرت را یاری رسانید و با همه توان خویش به دفاع و حمایت از رسول گرامی اسلام اقدام نمود و آزارهای کافران قریش را که در راه ادای رسالت متوجه پیامبر صلی الله علیه و آله می گردید خنثی می کرد و اولین بار هم که وحی به رسول خدا صلی الله علیه و آله نازل می شد، خدیجه علیه السلام و علی علیه السلام در «غار حرا» در کنار آن حضرت حضور داشتند. (1)

4 - عمر ابو نصر، لبنانی نوشته است: خدیجه علیها السلام از نظر اخلاق، پسندیده عواطف انسانی عنوان اجتماعی و اصالت خانوادگی در نقطه اوج قبیله خود قرار داشت و چنین شخصیت بزرگوارانه ای برای او موجب می گردید که از بینوایان دستگیری، کند گرسنگان را سیر نماید برهنگان را بپوشاند و بالاخره از نظر اصالت و شخصیت خانوادگی و ثروت در میان زنان هم عصر خویش، ممتاز و بی مانند شناخته شود. (2)

5 - دکتر علی ابراهیم حسن می نویسد: اگر بخواهیم برای معرفی یک شخص مخلص و صالح و زن شجاع و عاقل نمونه ای بیاوریم، بهتر از خدیجه کبری علیها السلام زنی را نمی توان یافت زیرا وی سیده

ص: 71

---

1- عقيلة، الوحي، ص 20 ام المؤمنین خدیجه بنت خویلد ص. 42

2- زندگانی حضرت فاطمه زهرا علیها السلام، ص 31



بزرگوار خردمندی بود که روزگار جاهلیت و اسلام را درک نمود و در هر دو زمان بانوی ممتازی بود تا جایی که در روزگار جاهلیت هم «طاهره» نامیده می شد

خدیجه علیها السلام، میان مال و جمال و کمال را در شخصیت خود جمع کرده بود، و این ویژگی های سه گانه که در کم تر زنی جمع می شود وجود خدیجه علیها السلام را در سطح بلندی از مقام و عظمت قرار داده بود.

آری خدیجه علیها السلام اولین زنی بود که در برابر اسلام سر تسلیم فرود آورد و از همان زمان با همسر خویش محمد صلی الله علیه و آله به نماز می ایستاد همراه همسر خود سختی ها را تحمل می نمود و از قدرت و استقامت درخشانی برخوردار بود

پیامبر صلی الله علیه و آله از خانه خارج می شد و قوم و خویشان خود را به اسلام و هدایت مژده می داد اما در حالی که به خانه باز می گشت، که مورد اهانت و تکذیب آنان قرار گرفته و با غم و اندوه دست به گریبان بود، در چنین وضعی خدیجه علیها السلام با رفتار خویش غم و غصه را از وجود نازنین آن حضرت بر طرف می کرد و او را در جهت ادامه راه و پیروزی امید و قوت می بخشید. (1)

6-ر-ف -، بودلی، نویسنده، سوئسی در کتاب «حیات محمد صلی الله علیه و آله» می نویسد: اعتماد خدیجه علیها السلام به محمد صلی الله علیه و آله که او را دوست

ص: 72

می داشت او را تصدیق می کرد و به او ایمان آورده بود تا آخرین لحظه زندگی ادامه داشت و در پرتو ایمان و عقیده فضای پاک و با صفایی در مراحل مختلف زندگی به وجود آورده بود که آن ایمان و وفاداری، را امروز در یک نفر از شش میلیارد نفر افراد کره زمین نمی توانیم بیابیم (1)

7- سلیمان، کتانی دانشمند بزرگ مسیحی لبنانی می نویسد: خدیجه علیها السلام به همسر خود محبتی بسته بود و در مقابل محبت او را به دست آورده بود، که در آن هر گونه سعادت نهفته بود. خدیجه علیها السلام ثروت خود را به محمد صلی الله علیه و آله داده بود، اما در ازای آن هدایتی گرفته بود که از همه گنج های زمین برتری داشت. محمد صلی الله علیه و آله هم در روزگار زندگی خود با خدیجه علیها السلام به او محبت و عظمتی، بخشید که او را در بلندترین مقام انسانی قرار داد، تا جایی که گفت: اسلام با شمشیر علی علیه السلام و ثروت خدیجه علیها السلام استوار گردید. (2)

هم، چنین محمد صلی الله علیه و اله جوانی خود را به خدیجه علیها السلام بخشید و تا آن بانو زنده بود وجود او را با هیچ همسر دیگری مبادله نکرد و با او بزیست و بعد هم فرمود: به خدا سوگند خداوند همسری بهتر از

ص: 73

---

1- بطللة كربلاء زينب بنت الزهراء ص 22 ، محمد عند علماء الغرب، ص 168

2- توضیح این مطلب را در صفحه 57 تا 59 مطالعه فرمایید.

خدیجه علیها السلام به من نداد، زیرا وی وقتی به من ایمان، آورد که دیگران مرا تکذیب می کردند آن بانو وقتی به حمایت و یاری من شتافت که دیگران از هر گونه مساعدت مرا محروم می داشتند. (1)

8 - دکتر عایشة بنت الشاطی مصری استاد تاریخ و نویسنده مجموعه های تاریخی، فراوان می نویسد خدیجه علیها السلام دختر خویلد برترین مادران اهل، ایمان محبوب ترین و عزیزترین همسر نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله در زمان حیات و بعد از آن بود رسول خدا صلی الله علیه و آله همه محبت و احترام خود را در مدت بیست و پنج سال فقط متوجه او گردانید، و تا خدیجه علیها السلام زنده بود، همسر دیگری بر نگزید. خدیجه علیها السلام هم در کنار آن حضرت همه توان و فداکاری خود را به کار گرفت معاون و مواظب پیامبر صلی الله علیه و آله بود، و راه های دشواری را که قریش برای ادای رسالت پیش می آوردند، خدیجه علیها السلام آن را هموار می نمود

به هر حال وقتی پیامبر صلی الله علیه و آله از «غار حرا» بازگشت و به خاطر وحی و نزول جبرئیل امین دست خوش اضطراب بود تنها خدیجه علیها السلام همدم و مونس آرامش بخش پیامبر صلی الله علیه و آله محسوب می گردید (2)

ص: 74

---

1- فاطمة الزهرا وتر فی غمدها، ص 112.

2- بطللة كربلاء، زینب بنت الزهرا، ص 21



بغض، زمین در گلوی زمان گیر کرده بود، و علیرغم دریافت باران های رحمت پراکنده ای که گاهی آن را تسکین می بخشید و از شدت حرارت آن می کاست دنبال فضای فراخناک دیگری می گشت

فضای غم بار، شهر افق مه گرفته، دیار لخته سنگ های، مات درّه های کام گشوده ساکت، پهندهشت سر به ابهام گذاشته نجوای نرم، نزارها تفتیدگی طاقت فرسای، ماهورها شب های وحشتناک، ظلمانی روزهای داغ و کشنده و بالاخره همه چیز و همه کس دنبال نور و حیات تازه ای می گشتند

افق مکه آستان تحویل مولودی بزرگ بود که نام او محمد صلی الله علیه و آله است از پیش هم عیسی بن مریم علیه السلام با نام احمد صلی الله علیه و آله مژده آمدن او را داده بود (1)

پیروی از تعلیمات او را رحمت و نجات بخش دانسته و برای شتاب در آمدنش که ملت های روی زمین را به آزادی و سعادت می رسانید، آرزوی جدی داشت. (2)

به هر حال محمد صلی الله علیه و آله در پگاه روز دوازدهم ربیع الاول، پنجاه روز بعد از حمله «ابرهه» پادشاه «یمن» که با سپاه «فیل سوار» خود برای تخریب خانه کعبه به مکه آمده بود (3) یا هفدهم همان ماه مطابق با بیستم اوت 571 میلادی از دامن «آمنه» چشم به جهان گشود. (4) و در سن بیست و پنج سالگی با خدیجه علیها السلام پیمان زناشویی بسته بود. (5) در حالی که چهل سال داشت (6) بیست و هفتم ماه رجب از جانب خداوند به پیامبری مبعوث گردید (7) و با رسالت نورانی خویش، بر فضای تنگ و تاریک جهان و بر زوایای زندگی انسان ها فروغ جاویدان و روح عطر آگین و حیات تازه ای بخشید.

ص: 77

1- سوره صف آیه 6

2- انجیل برنابا ص 187 و 8-237 و 266 و 286

3- اصول، کافی، ج 1، ص 439 سیره ابن هشام، ج 1، ص 167.

4- بحار الانوار، ج 15، ص 251

5- تاریخ پیامبر اسلام ص 69 بحار الانوار، ج 16، ص 10.

6- تاریخ یعقوبی، ج 2، ص 22.

7- اصول کافی، ج 1، ص 439، بحار الانوار، ج 18، ص 189.

اما باید توجه داشته باشیم تاریخ چهل ساله پیامبر صلی الله علیه و آله را که با این سرعت و راحتی بیان کردیم با تحولات فراوان فراز و نشیب های، سخت حوادث فرسا ناملایمات، دردناک و از سوی دیگر با اصالت ها و صداقت ها و با استعدادها و خلاقیت های خردمندانه همراه بوده که هر یک می تواند درس آموزنده و سازنده ای برای زندگی انسانی در برداشته باشد که در این جافرازهایی از آن را مطالعه می کنیم:

## 1- روزگار کودکی

پیامبر صلی الله علیه و آله از سال اول، ولادت به «حلیمه دختر عبدالله بن حارث» سپرده شد تا آن بانو که در صحرا و بارمه و گله داری می زیست آن حضرت را در فضای سالم بیابان شیر داده و پرورش دهد، که پس از پنج سال نگهداری و پرورش او را به مادرش «آمنه» باز گرداند.

عبدالله پدر رسول خدا صلی الله علیه و آله هم در حالی که وی در شکم مادر بود یا پس از دو ماه از ولادت گذشته بود چشم از جهان فرو بسته و در «مدینه» به خاک آرمیده بود اما وقتی محمد صلی الله علیه و آله به شش سالگی، رسید مادرش او را برای زیارت دایی های او از مکه به مدینه برد، ولی به هنگام بازگشت در محل «آبواء» واقع در میان راه مکه به مدینه، مادر هم بیمار شد و در همان، محل جان به جان آفرین تسلیم نمود، و محمد صلی الله علیه و آله شش، ساله که پدر نداشت از وجود نعمت مادر نیز محروم گردید، و «امّ ایمن» او را به مکه آورد.

محمد صلی الله علیه و آله با ورود به «مکه» تحویل عمویش «ابوطالب» گردید، او سرپرستی و نگهداری محمد صلی الله علیه و آله وی را عهده دار شد، و در حالی که از سنّ وی نه یا سیزده سال می گذشت ابوطالب او را در یک مسافرت، تجارتی که به شام انجام میداد به همراه خود برد، و به وسیله «بُحیرای راهب» عالم، مسیحی متوجه وضع استثنایی و آینده درخشان محمد صلی الله علیه و آله گردید و از آن پس مراقبت و مواظبت و نگهداری او را بیش تر و دقیق تر مراعات می کرد (1)

## 2- در هفده سالگی

محمد صلی الله علیه و آله حدود هفده سال داشت که به همراه «ابوطالب» و سایر عموهای خود در جنگ «فجار» شرکت کرد، «فجار» به معنای تجاوز از حدّ و گناه بزرگ است و بدین مناسبت که این جنگ در ماه «رجب» از ماه های حرام واقع شد و جنگ افروزان گناه بزرگی مرتکب شده بودند این جنگ فجار نامیده شد. (2)

خلاصه میان دو قبیله «قریش» و «بنی کنانه» از یک طرف، و میان قبیله «بنی اسد بن خزیمه» از طرف دیگر جنگی واقع شد، علت آن هم این بود که «نعمان بن مُنذر» پادشاه «حیره» کاروانی را که محموله های آن را پارچه و مشک تشکیل می داد به منظور فروش و تجارت به

ص: 79

---

1- مروج الذهب، ج 2، ص 285-286.

2- تاریخ یعقوبی، ج 2، ص 15



بازار «عُکاظ» حوالی مکه روانه ساخت و «عُروهٔ رَحَال» از قبیلهٔ «بنی هوازن» را نگهبان کاروان قرار داد.

اما «براص بن قیس» از قبیلهٔ «بنی کنانه» که برای از پای آوردن «عروه» او را تحت تعقیب قرار داده، بود از فرصت مناسبی استفاده کرد و «عروه» را کشت و خود به منطقه «خیبر» گریخت و پنهان شد.

در آن روزها که «قبیلهٔ قریش» در بازار «عکاظ» جمع شده، بودند با شنیدن خبر این قتل و خونریزی که در ماه حرام ممنوع بود پیش از آن که «بنی قیس» از آن با خبر شوند با عجله راه مکه را پیش گرفتند اما قبیلهٔ «هوازن» هم وقتی خبر حرکت «قریش» را بدست آوردند از دنبال آنان حرکت کردند و پیش از آن که وارد «حرم» شوند، بر قبیلهٔ «قریش» حمله کردند و میان آنان جنگ سختی، در گرفت و چون شب رسید «قریش» ناچار وارد حرم شدند و «هوازن» هم دست از جنگ کشیدند.

به هر حال جنگ فجار مراحل مختلفی داشته قبایل و گروه های متعددی در آن شرکت نموده اند این جنگ ها سالیان درازی طول کشیده و شرکت ابوطالب و بدنبال آن محمد صلی الله علیه و آله برای رعایت احترام «ماه های حرام» و جلوگیری از قتل و خونریزی بوده است، چنان که رسول خدا صلی الله علیه و آله بعدها هم این خاطره را یاد می کرد و

ص: 80

می فرمود: من با عموهایم در آن جنگ حاضر شدیم، تیراندازی هم کردم و دوست هم نداشتم که از این کار شانه خالی کنم (1).

البته در اوقاتی که رسول خدا در جنگ حضور داشت و «قبیله کنانه» رقیب درگیر با خود یعنی «قبیله قیس» را شکست می داد، به آن حضرت می گفتند: ای فرزند خوراک دهنده پرندهگان و آب دهنده حاجیان! ما را تنها، مگذار که به برکت حضور توفتح و پیروزی از آن ماست.

رسول خدا صلی الله علیه و اله هم می فرمود: شما هم از ظلم و تجاوزگری، از قطع روابط انسانی و تهمت و افترا دست بردارید تا من از شما جدا نشوم.

آنان هم گفتند: آن چه دستور بدهی ما اطاعت می کنیم رسول خدا صلی الله علیه و اله نیز هم چنان کنار آنان حضور داشت تا پیروزی بدست آمد و قتل و خونریزی متوقف گردید. (2)

یاد آوری این مطلب هم مناسب خواهد بود که توجه داشته باشیم: قرآن کریم ماه هایی را ماه های حرام و محترم معرفی کرده که می بایست جنگ و خونریزی در آن ها تعطیل باشد (3) و در حدیثی هم که از رسول خدا صلی الله علیه و اله آمده تعداد، آن چهار ماه رجب، ذیقعده ذیحجه و محرّم تعیین گردیده است (4).

ص: 81

---

1- السیره النبویه، ج 1، ص 198.

2- تاریخ یعقوبی، ج 2، ص 14، تاریخ پیامبر اسلام ص 65

3- سوره توبه آیه 6

4- تفسیر نور الثقلین، ج 2، ص 187

پس از بازگشت از «جنگ فجار» که در ماه شعبان به پایان رسید در ذیقعدۀ همان سال پیمان «حلف الفضول» یعنی «پیمان فضل‌ها» برقرار گردید که آن را بهترین و مقدس‌ترین پیمان‌های قریش دانسته‌اند.

علت نامگذاری این قرار داد به «پیمان فضل‌ها» این بود که قبل از آن در، مکه فضیل بن حرث، جرهمی، مفضل بن فضالة جرهمی، و فضل بن وداعة قَطوری از دو قبیلۀ «جرهم» و «قَطور» که نام آن‌ها از مادۀ «فضل» بود، انتخاب گردیده بود. (1)

اعضای این، پیمان تعهد، نمودند که در شهر مکه برای یاری، مظلومان حمایت بی پناهان جلوگیری از ستم و تجاوز به حقوق، مردم و بالاخره برای برقراری عدالت اجتماعی تلاش کنند و تا زنده بودند، اقدامات مؤثری هم صورت دادند و از خود نام نیک و سنت خیری را به یادگار گذاشتند

آن‌گاه که رسول خدا صلی الله علیه و اله به بیست سالگی رسیده بود، افرادی از خاندان بنی هاشم بنی عبدالمطلب بنی، اسد زهره بن کلاب و تیم بن، مَرّه در خانه «عبدالله بن جدعان» که از اعیان و افراد با شخصیت، بود جلسه ای تشکیل دادند و به یاد «حلف الفضول» قبلی پیمانی را به

ص: 82

همان نام و به منظور جلوگیری از ظلم و تجاوز به جان و مال و حق محرومین تشکیل دادند.

رسول خدا صلی الله علیه و آله هم در این پیمان شرکت داشت و بعدها درباره آن می گفت: من با عموهام در پیمانی که در خانه «عبدالله بن جذعان» واقع شد، شرکت داشتم و به قدری این پیمان برای من لذت بخش بود، که حاضر نبودم لذت آن را با مهم ترین ثروت عرب، که شترهای سرخ مو بود مبادله، نمایم اگر چه اکنون حکومت اسلام خود بهترین نظام عدالت و دادگستری است. (1)

دو نمونه از شیوه عدالت و حمایت از مظلومین این پیمان بدین قرار است:

الف: مردی از قبیله «بنی زبید» برای تجارت به مکه آمد و کالایی را به «عاص بن وائل» فروخت اما «عاص» پس از آن که کالا را تحویل گرفت قیمت آن را به هیچ ترتیبی پرداخت نمی کرد مرد «زبیدی» ناچار بالای کوه «ابوقبیس» رفت و فریاد مظلومانه برداشت و با خواندن اشعاری مردم را به یاری طلبید.

آن گاه عبدالله بن جذعان و دیگران و همچنین رسول خدا صلی الله علیه و آله صلی الله علیه و اله که در آن پیمان شرکت کرده بودند به سراغ «عاص بن وائل» رفتند کالای مرد مظلوم زبیدی را گرفتند و تسلیم او کردند (2)

ص: 83

---

1- السیره النبویه، ج 1، ص 142.

2- السیره النبویه، ج 1، ص 141، التنبیه والاشراف، ص 179

ب: بار دیگر مردی از «خُثعم» برای عبادت به مکه آمده بود، و دختر زیبای خود را هم همراه داشت «نَبیة بن حَبّاج» دختر را به زور از آن مرد جدا کرد و به خانه خود برد.

مرد غریب و، مظلوم که از این حادثه تلخ سخت ناراحت و درمانده شده بود برای نجات دختر به آه و ناله و چاره جویی پرداخت که او را به کمک و حمایت از «حلف الفضول» راهنمایی کردند.

مرد کنار دیوار کعبه ایستاد و با صدای بلند «حلف الفضول» را به یاری، طلبید آن گاه جمعیت هم پیمان «حلف الفضول» با شمشیرهای آخته بیرون شتافتند و با حضور در خانه مرد متجاوز دختر مظلوم را آزاد ساختند و تحویل پدر دادند و بدین ترتیب جمعیتی که رسول خدا صلی الله علیه و اله در میان آنان حضور داشت در مکه از حقّ مظلومی دفاع نمودند و ناموس و حقّ مظلوم را به او باز گرداندند. (1)

#### 4-در بیست و پنج سالگی

پیامبر صلی الله علیه و آله در سن 25 سالگی از سوی خدیجه برای یک مسافرت تجارتي از مکه به شام می رود خدیجه دختر «خوئیلد» زن ثروتمندی بود که کار تجارت انجام می داد، افراد درست کار و امانت دار را به کار می گرفت و برای آنان حقّی تعیین می کرد

ص: 84

در آن روزگار آوازه امانت داری و درست کاری پیامبر صلی الله علیه و آله به همه جا رسیده و خدیجه هم از این داستان اطلاع یافته، بود، بدین جهت کسی را نزد پیامبر صلی الله علیه و آله فرستاد و او را به همکاری در تجارت دعوت نمود.

رسول خدا صلی الله علیه و آله هم این دعوت را پذیرفت و شانزدهم ذیحجه سال بیست و پنجم بعد از «عام الفیل»، مکه را برای سفر تجارت به شام ترک گفت.

در این سفر «میسره» کارگزار خدیجه نیز همراه رسول خدا صلی الله علیه و آله بود، و ضمن این که از آن حضرت کراماتی مشاهده نمود، وضع کار و هوشمندی او را هم پس از بازگشت که با سود و سرمایه خوبی همراه بود، برای خدیجه توصیف کرد و سرانجام در همان سال ازدواج پر میمنت پیامبر صلی الله علیه و آله با خدیجه علیها السلام، در حالی که این بانوی بزرگ چهل سال داشت صورت گرفت. (1) که تفصیل آن را در فصل پیشین این کتاب مطالعه کردیم.

## 5-در سی و پنج سالگی

رسول خدا صلی الله علیه و آله به سنّ سی و پنج سالگی رسیده بود، ده سال با خدیجه علیها السلام زندگی کرده و طی این مدت از این بانوی بزرگ دارای فرزندان هم به نام های قاسم عبدالله زینب، رقیه ام کلثوم و فاطمه علیها السلام گردیده است (2) که شرح آن را فصل قبل ارائه کردیم

ص: 85

---

1- السیره النبویه، ج 1، ص 201 - 198، تاریخ یعقوبی، ج 1، ص 20، تاریخ پیامبر اسلام، ص 71

2- السیره النبویه، ج 1، ص 202، اسد الغابه، ج 1، ص 16

آری، از سنّ مبارک رسول خدا صلی الله علیه و آله سی و پنج سال می گذشت، قبایل قریش برای تجدید بنا و تکمیل ساختمان «خانه کعبه» اقدام نمودند هر گروهی عهده دار ساختن قسمتی از دیوارها شد تا این که دیوار به حدّی رسید که می بایست «حجر الاسود» در محل خود نصب گردد، نصب حجر الاسود امتیاز بزرگی محسوب می شد و هر قبیله ای که به این کار توفیق می یافت به عنوان و عظمت درخشان ماندگاری دست یافته، بود بدین جهت برای نصب حجر الاسود میان قبایل قریش، بحث و مشاجره فراوانی در گرفت تا جایی که گفت و گوها و مشاجره ها چهار پنج روز طول کشید، و برای این که یکی از قبایل «حجر الاسود» را نصب کند، توافقی به دست نیامد.

کار اختلاف و درگیری برای «نصب حجر الاسود» آن چنان بالا گرفت که افراد طایفه «بنی عبدالدار» طشت پر از خونی را آوردند و با طایفه «بنی عبدی بن کعب» دست در خون فرو بردند و با هم هم پیمان شدند که تا پای خون دادن و مرگ ایستادگی کنند و امتیاز «نصب حجر الاسود» را نصیب خود گردانند! (1)

باری، وضع خطرناکی پیش آمده بود خون ها در رگ ها می جوشید و هر لحظه بیم وقوع قتل و خون ریزی دردناکی می رفت که «حذیفه بن مُغیره مخزومی» پدر «أم سلّمه» و «عبدالله» که از رجال کهن سال و

ص: 86

---

1- تاریخ یعقوبی، ج 1، ص 19، السیره النبویه، ج 1، ص 209.

محترم قریش بود برای حل اختلاف و جلوگیری از قتل و کشتار طرحی را ارائه کرد

«حُذیفه» پیشنهاد کرد: همگان آرام و ساکت شوند، و هر کسی در مرحله نخست از در مسجد الحرام وارد شود او را به حکم و قضاوت گیرند، و قضاوت نظر او را برای حلّ اختلاف بپذیرند، این طرح به اتفاق پذیرفته شد و همگان به انتظار شخص تازه وارد نشستند که ناگهان محمّد صلی الله علیه و اله از در وارد مسجد شد با آمدن محمّد صلی الله علیه و اله همگان غریب شادی سر دادند که: هذا الأَمین، رضینا، هذا محمّد صلی الله علیه و اله

این که وارد شد شخص امین و درست کرداری می باشد او محمّد صلی الله علیه و اله است و او درباره حل اختلاف و نصب حجر الاسود هر چه نظر دهد، ما راضی می شویم و به حکم و قضاوت او گردن می نهیم

محمّد صلی الله علیه و اله را در جریان اختلاف بر سر موضوع «نصب حجر الاسود» قرار دادند آن حضرت هم دستور داد: پارچه ضخیمی آماده کنند آن گاه حجر الاسود را خود در میان پارچه گذاشت و گفت: از هر قبیله ای کسی گوشه ای از آن پارچه را بگیرد و برای نصب از جا حرکت دهند، همه در این کار تسلیم شدند و همین که سنگ تا مقابل محلّ نصب بالا رفت خود سنگ را برداشت و در جای خود نصب کرد و بدین ترتیب آتش جنگ و اختلاف و خون ریزی را فرو نشانید.

ص: 87



آری، قبیله «قریش» قبل از این که به محمد صلی الله علیه و آله وحی نازل شود و او رسول الله، گردد آن حضرت را با عنوان «امین» می نامیدند (1) پس از گذشت هفتاد و نه سال از این ماجرا هم آن گاه که امام زین العابدین علیه السلام به سال شصت و یک هجرت در مسجد جامع «شام» در حضور «یزید بن معاویه» و جمعیت فراوانی خطابه ایراد می، کرد این سابقه درخشان و خلاقیت افتخار آفرین جدّ خود محمد صلی الله علیه و اله را یاد آور شد و برای افشای ستم تبه کاران نسبت به خاندان پیامبر صلی الله علیه و اله فرمود: من فرزند کسی، هستم که حجر الاسود را روی عباى خود گذاشت و در محل آن نصب کرد (2)

## 6- در چهل سالگی

محمد صلی الله علیه و اله مطابق نظریه مشهور دانشمندان شیعه بیست و هفتم ماه رجب (3) در حالی که چهل سال داشت (4) در محلّ «غار حرا» که در شش کیلومتری شمال شرقی مکه قرار دارد با وحی خداوند توسط جبرئیل به پیامبری مبعوث شد.

ستاره‌های بدرخشید و ماه مجلس شد

دل رمیده ما را انیس و مونس شد

ص: 88

---

1- السيرة النبوية، ج 1، ص 210 تاریخ یعقوبی، ج 2، ص 19.

2- بلاغة الامام علي بن الحسين، ص 100.

3- بحار الانوار، ج 18، ص 189.

4- تاریخ یعقوبی، ج 2، ص 22.

نگار، من که به مکتب نرفت و خط ننوشت

به، غمزه مسئله آموز صد مدرّس شد

بیوی، او دل بیمار عاشقان چو صبا

فدای عارض نسرین و چشم نرگس شد

طرب سرای محبّت، کنون شود معمور

که طاق ابروی یار، منش مهندس شد (1)

اما درباره فضای اجتماعی روزگار بعثت حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و اله و ضرورت و عظمت این هنگامه بزرگ چند نکته را باید مورد توجه قرار دهیم:

الف: از روزگار حضرت عیسی بن مریم علیه السلام تا آن روز، وحی آسمان قطع گردیده و برای هدایت بشریت پیامبری نیامده بود، قرآن کریم این دوره را روزگار «فتره رُسل» و قطع ارتباط وحی و نبوت نامیده است (2)

امام علی علیه السلام هم فرموده است: از دیرباز پیامبری نیامده بود، اما امام محمد باقر علیه السلام مدت فترت رُسل و قطع ارتباط وحی و رسالت را، پانصد سال دانسته است. (3)

ص: 89

---

1- دیوان حافظ، ص 162

2- سوره مائده آیه 19

3- روضه کافی، ج 8، ص 121

ب: با توجه به این که ارتباط وحی و رسالت با جامعه قطع گردیده بود وضع فرهنگ و دین داری و اخلاق و روابط انسانی آن چنان تنزل یافته و به انحطاط و ابتذال کشیده شده، بود که آن زمان روزگار، جاهلیت یعنی جامعه منهای عقل و دانایی اخلاق و فضیلت تمدن و فرهنگ و حتی منهای الفبای مسائل زندگی انسانی گردیده بود.

امام علی علیه السلام، نمایی از شیوه زندگی تلخ و دردناک مردم شبه جزیره عربستان را این گونه ترسیم می کند: خداوند محمد صلی الله علیه و آله را، فرستاد تا جهانیان را از راه و رسم باطل و منحرفی که در پیش گرفته بودند باز دارد او را امین دستوره‌های آسمانی خود قرار داد در آن حال شما ای مردم عرب گرفتار بدترین دین ها و روش ها بودید در بدترین سرزمین زندگی می، کردید در بین سنگلاخ های خشن و مارهای گزنده به سر می بردید آب تیره و گندیده می، آشامیدید غذای خوب و مناسبی نداشتید خون یک دیگر را می ریختید با قوم و خویشان خود پیوند و ارتباطی نداشتید و پیوسته در کوران درگیری ها و منجلا ب گناهان و آلودگی ها دست و پا می زدید (1)

ص: 90

ج: در یک سخن آن روزگار را قرآن کریم «روزگار گمراهی آشکار نامیده است» (1)

اما پیامبر صلی الله علیه و آله، خلاصه و اساس دعوت مکتب خویش را برای نجات از گمراهی و هدایت به یک مکتب سعادت بخش بر سه اصل قرار داد:

1- همگان به خداوند متعال ایمان بیاورید و به اطاعت و پرستش او اقدام نمایید.

2- مردم محمد صلی الله علیه و آله را فرستاده و رسول خدا بدانند و فرامین او را به کار گیرند.

3- همه به روز رستاخیز ایمان، بیاورند و توجه داشته باشند برای پاسخ گویی به اعمال آن ها در این دنیا روز حساب و کتابی در کار هست.

قرآن کریم فرموده است: هر کس به خداوند و روز قیامت (و نبوت که لازمه ایمان به خدا و قیامت است) ایمان آورد و اعمال نیک و صالح انجام دهد و از دنیا برود بیم و نگرانی برای او نیست. (2)

خلاصه پیامبر صلی الله علیه و آله به رسالت مبعوث شد آئین سعادت آفرین برای جامعه بشریت به ارمغان آورد و خداوند هم که به خاطر اعطای

ص: 91

---

1- سوره جمعه، آیه 2

2- سوره آل عمران آیه 164

کم ترین نعمتی بر اهل ایمان منت گذاشته، است برای نعمت بعثت بر اهل ایمان منت گذارده زیرا پیامبر صلی الله علیه و آله به آنان کتاب و دانش می آموزد و آنان را پاک و تزکیه می نماید. [\(1\)](#)

محمد، پیشوای اهل بینش

بهین رهبر، چراغ آفرینش

به، مهرش عالم امکان منور

به هستی رهنما هادی و رهبر

چونامش بر سر هستی رقم زد

به کفر و ظلم و نادانی قلم زد

چو بر کوه چرا آواز در داد

کلامش در جهان این راز سر داد

که ای نوع بشر! بیدار باشید

در این، وادی دمی هشیار باشید [\(2\)](#)

ص: 92

---

1- سوره مائده آیه 69

2- عبدالعلی، باقی بهار، ادب، ص 42



ایمان، صداقت پامردی و استقامت پیامبر صلی الله علیه و اله سبب می شد که آئین مقدس اسلام در مکه اوج و اعتلای بیش تری پیدا کند، و یاران و هواداران فراوانی گرد شمع آن وجود نازنین حلقه زنند

از سوی دیگر دشمنان و کافران بت پرست، قریش که از آزارها و مخالفت های کار شکنانه خود برای مهار نفوذ پیامبر صلی الله علیه و اله مأیوس شده و از تهدیدهای، خود نتیجه مطلوبی بدست نیاورده بودند به نظر خود رسول خدا صلی الله علیه و اله را اخلا لگر و گمراه کننده جوانان می پنداشتند، به منظور تطمیع پیامبر صلی الله علیه و اله، ابو طالب مؤمن و مدافع او را واسطه قرار دادند تا شاید وی، بتواند از یکی از راه های زیر پیامبر صلی الله علیه و اله را از ادای رسالت باز دارد:

آنان به ابوطالب پیشنهاد کردند: ما حاضریم هر زن زیبایی را که محمد صلی الله علیه و اله می، خواهد در اختیار او بگذاریم! (1)

وقتی این پیشنهاد پذیرفته نشد آنان که می پنداشتند محمد صلی الله علیه و اله دنبال مال و ثروت و نام و مقام می، گردد، به ابوطالب گفتند: ما حاضریم آن قدر مال و ثروت در اختیار محمد صلی الله علیه و اله بگذاریم، که او ثروتمندترین مرد قریش، گردد و نیز بر ما حکومت و ریاست کند!

وقتی ابوطالب این موضوع را با رسول خدا صلی الله علیه و اله مطرح کرد، آن حضرت برای این که آخرین جواب را به آنان داده باشد، فرمود: (يا عَمَّ! وَاللَّهِ لَوْ وَصَعُوا الشَّمْسَ فِي يَمِينِي وَالْقَمَرَ فِي يَسَارِي عَلَى أَنْ أَتْرَكَ هَذَا الْأَمْرَ حَتَّى يُظَهِّرَهُ اللَّهُ أَوْ أَهْلِكَ فِيهِ مَا تَرَكْتُهُ...) (2)

ای عمو جان! بخدا سوگند اگر آنان خورشید را در دست راست من و ماه را در دست چپ من، بگذارند که از کار رسالت خود دست بردارم این کار را نخواهم کرد تا این که پیروزی بدست آورم یا در این راه فدا گردم

کافران، قریش که از ناکامی این پیشنهاد هم به خشم آمده بودند، پیشنهاد خطرناک و خائنانه دیگری را با ابوطالب مطرح کردند، آنان «عمارة بن ولید مغيره» را که جوان زیبا و شجاعی بود آوردند و گفتند:

ص: 95

---

1- بحار الانوار، ج 18، ص 180.

2- بحار الانوار، ج 18، ص 182 السيرة النبوية، ج 1، ص 285 حياة الصحابة، ج 1، ص 257. ، ص 285



این جوان را بگیر و محمد صلی الله علیه و آله فرزند برادر خود را در اختیار ما، بگذار این جوان در برابر آن جوان!

ابو طالب که متوجه توطئه شرم آور آنان شده بود گفت: بخدا سوگند، به معامله بسیار ناپسندی مرا وادار می کنید جوانی از قبیله خود را به من می دهید که او را نگهداری کنم و پرورش دهم اما جوانی را از من می گیرید که او را به قتل برسانید بخدا سوم را سوگند، این کار هرگز شدنی نیست... (1)

### شدت شکنجه ها

آرمان های بلند و متعالی پیامبر عالی قدر اسلام، فداکاری های فوق العاده ای را می، طلبید بدین جهت می بایست برای تحمل آزارها و سختی ها و تلخی های طاقت فرسا خویشتن را آماده تر سازد، از این رو باید در برابر دشنام های وقیحانه دشمنان (2) و پرتاب سنگ به سر و صورت (3) و نیز به هنگام سجده، نماز که عناصر پلید جاهلی شکمبه گوسفند را روی آن حضرت و سایر نمازگزاران خالی می کردند (4) آنان صبر و حوصله و سماجت و سرسختی افزون تری به خرج بدهند و این کار را عملی می کردند.

ص: 96

---

1- السیره النبویه، ج 1، ص 285

2- بحار الانوار، ج 18، ص 205-202 شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج 14، ص 55.

3- همان.

4- همان

اما اذیت ها و کارشکنی های دردناک، دشمنان، هر روز موج تازه و اوج بیش تری می گرفت و یاران تازه مسلمان آن حضرت را اعم از مرد و زن و دور و نزدیک در چنگال خونین خود سخت می فشرد و گداخته می ساخت!

بر این اساس، «بلال بن رباح» را دشمنان، در حرارت آفتاب، نیمروز روی شن های داغ دره «بطحاء» می خوابانیدند و سنگ سنگین روی سینه اش می گذاشتند زره آهنین به تن او می کردند تا از اسلام و دین خویش دست بردارد (1) خَبَّاب بن، آرت را برهنه کرده روی شن های داغ می خوابانیدند (2) زنان مؤمنی مانند: امّ عبّیس، زیتیره، کبیبه، تهدیه و دختر او زیر شکنجه ها و آزارهای دردناک قریش قرار گرفتند، اما دست از دین و ایمان خویش بر نداشتند (3)

از آن، دردناک تر شکنجه های دردناکی، بود که در کمال قساوت بر روح و بدن عمار یاسر، عَنَسَى یاسر پدر، او، سَمِیَّه مادر عَمَّار، و عبدالله برادر عمار وارد شد و از اعضای این خانواده بزرگوار، «سمیه» و یاسر بر اثر ضربه «ابوجهل» و شکنجه های زیاد او به سال پنجم بعثت در، مگه جان خود را از دست دادند و شهید شدند. (4)

ص: 97

---

1- السیره النبویه، ج 1، ص 340.

2- حیاة الصحابه، ج 1، ص 288.

3- السیره النبویه، ج 1، ص 340-341

4- حیاة الصحابه، ج 1، ص 2867، بحار الانوار، ج 18، ص 241 و 210.

کارشکنی ها و مزاحمت های فراوان کافران، قریش کار را بجایی رسانید که یک گروه یازده نفره مرد و چهار زن در ماه رجب سال، پنجم به سرپرستی «عثمان بن مظعون» و بعد یک گروه هشتاد و دو مرد و هیجده، زن به سرپرستی «جعفر بن ابیطالب» به سرزمین حبشه مهاجرت کردند و در عین حالی که کافران قریش دو نفر را به نام های: عمرو و عاص و عمارة بن، ولید برای راه ندادن آنان به حبشه نزد، نجاشی که نام وی «أصحَم» بود فرستادند: این کار شکنی برای آنان سودی، نبخشید و مهاجران که تعداد مرد و زن آنان را حدود صد نفر می توان تخمین زد به اضافه کودکان خویش توانستند حدود سیزده سال در سال در آن سرزمین بدون مزاحمت دشمن به زندگی خود همراه با عبادت و تبلیغ اسلام بپردازند. (1)

نامهٔ محبت آمیز پیامبر صلی الله علیه و اله به «أصحَم بن أبِحر» معروف به «نجاشی» پادشاه «حبشه» که به منظور دعوت او به اسلام نیز بود و از سوی دیگر اخلاق و رفتار مسلمانان مهاجر به آن سرزمین موجب، گردید که نجاشی اسلام را پذیرفت و طی نامه ای مسلمان شدن و بیعت خود را با رسول خدا صلی الله علیه و آله و حمایت از آن حضرت را اعلام داشت. (2)

ص: 98

---

1- تاریخ پیامبر اسلام ص 144 - 129 ، بحار الانوار، ج 18، ص 412-19

2- بحار الانوار، ج 18، ص 419

اما از سوی دیگر این پیشرفت و پیروزی برای پیامبر صلی الله علیه و آله و مسلمانان آتش خشم کافران قریش و دشمنان سرسخت اسلام را برانگیخت تا آن جا که افراد، قریش در صدد کشتن پیامبر صلی الله علیه و آله برآمدند، ولی وقتی «ابوطالب» عمو و مدافع سرسخت آن حضرت از این تصمیم با خبر شد طی اشعاری حمایت بی دریغ خود را تا حدّ فدا شدن خطاب به آن حضرت، این گونه اعلام داشت:

به خدا، سوگند تا روزی که مرا به خاک نسیپارند هرگز گروه قریش به تو دست نخواهند یافت تو به خاطر خیرخواهی و هدایت مرا دعوت کردی و در حقیقت راست می گویی و امانت دار می باشی و من هم دینی را که تو آورده ای بهترین ادیان دانسته (1) و در راه گسترش، آن همه توان خویش را به کار خواهم گرفت.

### سفر به طائف

پیامبر صلی الله علیه و آله ابوطالب مؤمن و فداکار و سه روز بعد از آن در دهم ماه رمضان سال دهم، بعثت خدیجه علیها السلام همسر خویش که دو بال و بازوی توانمند او بودند، را از دست داد با از دست رفتن این دو یار مخلص و، غم خوار گستاخی ها و آزارهای شدید دشمنان جاهلی علیه رسول خدا صلی الله علیه و آله اوج، گرفت «تا جایی که یکی از افراد سفیه و

ص: 99

---

1- شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج، 14، ص، 55 تاریخ پیامبر اسلام ص 154 ابوطالب مؤمن، قریش ص 163.

نادان کافر، قریش بر سر راه رسول خدا صلی الله علیه و اله قرار گرفت و خاک بر سر آن بزرگوار، ریخت، اما وقتی رسول خدا صلی الله علیه و اله به خانه آمد یکی از دختران حضرت (به روایت مجلسی فاطمه علیها السلام) (1) سر و صورت آن حضرت را شست و شو، داد اشک ریخت و پیامبر صلی الله علیه و اله هم برای دلداری آن کودک گفت: دخترم! گریه مکن بدون تردید خداوند پدرت را حفظ خواهد کرد. (2)

از آن پس رسول خدا صلی الله علیه و اله چند روز به آخر ماه شوال سال دهم بعثت مانده با «زید به حارثه» از مکه به «طائف» رفت تا با «عبد یالیل» مسعود و حبیب فرزندان «عمرو بن عُمیر» که از بزرگان قبیله «ثقیف»، بودند ملاقات، کند آنان را به اسلام دعوت نماید و از یاری و حمایت آنان برخوردار گردد اما آنان نه تنها به این دعوت و حمایت پاسخ مثبت، ندادند بلکه با افشای این سفر محرمانه مشکلات و سختی های دیگری هم به سختی های رسول خدا صلی الله علیه و اله افزودند، و حتی با کمال تأسف به افراد سفیه و نادان دستور دادند با دشنام و فریاد و سنگباران، آن بزرگوار را از شهر دور نمایند. (3)

رسول خدا صلی الله علیه و اله وقتی با این ناجوانمردی و هتاکی ها روبرو گردید، با سر و صورت مجروح و دلی دردمند، این گونه با خداوند به

ص: 100

---

1- بحار الانوار، ج 18، ص 188 .

2- السیرة النبویه، ج 2، ص 58 حیاة الصحابه، ج 1، ص 257.

3- السیرة النبویه، ج 2، ص 62

راز و نیاز و استمداد پرداخت: خدایا! از ناتوانی و ناچاری و بی کسی خویش به تو شکوه می آورم ای کسی که از همه مهربانان مهربان تری! تو پروردگار من، هستی مرا به چه کسی وا می گذاری؟ به بیگانه ای که با من تروشروی کند؟ یا به دشمنی که کارم را به او سپرده ای؟

ای پروردگار من! اگر تو با من خشمگین نباشی باکی ندارم اما نعمت سلامت تو بر من گواراتر، است بدین جهت به نورانیت تو که تاریکی ها را زدوده و کار دنیا و آخرت را به سامان رسانده است پناه می برم که خشم تو بر من فرود، آید یا خشم تو مرا فرا گیرد، از تو پوزش می خواهم تا خشنود، شوی و هیچ قدرت و نیرویی جز به وسیله تو وجود ندارد (1).

پیامبر صلی الله علیه و آله پس از ده روز توقف همراه با سختی های فراوان در حالی که کافران قریش از این اقدام او خشمگین تر شده بودند و آزارها علیه او شدت می یافت به مکه بازگشت. (2)

## داستان معراج

راز و نیاز پیامبر صلی الله علیه و آله به درگاه الهی کارساز افتاد و از آن پس امداد خداوند برای آن حضرت «اعجاز» آفرید تا از سویی عظمت او بر خلق روشن تر گردد و از سوی دیگر بدین وسیله دشمنان زبون و خوار شوند.

ص: 101

---

1- السيرة النبوية، ج 2، ص 63 62- تاریخ پیامبر اسلام ص، 172 حياة الصحابه، ج 1، ص 95.

2- حياة الصحابه، ج 1، ص 95.

بر این اساس شب شنبه هفدهم ماه، رمضان شش ماه یا هیجده ماه پیش از هجرت از مکه داستان سیر شبانه و قصه «معراج» به وقوع پیوست.

اصل موضوع سیر شبانه را قرآن کریم تصریح نموده و فرموده: مقدّس است خداوندی که بنده خود محمّد صلی الله علیه و آله را شبانه از مسجد الحرام به مسجد الاقصی برد تا برخی از آیات و آثار قدرت خویش را به او نشان دهد. (1)

عقیده شیعه امامی بر این، است که سیر شبانه رسول خدا صلی الله علیه و آله برای رفتن به «بیت المقدس» و آسمان ها در یک شب بوده و باج جسم و روح و در حال بیداری آن حضرت صورت گرفته است.

علامه محمّد باقر مجلسی پس از بیان مطالب صاحب نظران از کتاب «مناقب» درباره معراج می گوید: غیر از این که موضوع «معراج» و شبانه را روایانی مثل: ابن عباس ابن، مسعود، جابر، عایشه، انس حذیفه و امّ هانی مطرح کرده اند دلیل های دیگری هم بر این موضوع وجود دارد خداوند حضرت موسی علیه السلام را به معراج «طور» برد. (2) ابراهیم علیه السلام را به آسمان دنیا عروج داد، (3) عیسی را به آسمان چهارم برد (4)

ص: 102

---

1- سوره، اسری، آیه 1

2- سوره قصص، آیه 46

3- سوره انعام، آیه 75

4- سوره نساء آیه 158

ادریس را به بهشت سیر داد (1) و حضرت محمد صلی الله علیه و آله را هم بخاطر عظمت مقام او به «قاب قوسین» (2) و سیر شبانه عروج، داد و فرمود: (سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ)، و برای نزول او هم با آیه: (وَ النَّجْمِ إِذَا هَوَى) سوگند یاد نموده است. (3)

به هر حال اصل موضوع «معراج رسول خدا صلی الله علیه و آله» و سیر شبانه آن، حضرت یک واقعه مسلم قرآنی است، اما درباره خصوصیات آن دانشمندان اسلامی مطالب مختلفی آورده اند چنان که به حسب معروف ترین روایات نقطه شروع این پرواز خانه «فاخته» معروف به «ام هانی» دختر ابوطالب و خواهر علی علیه السلام طرح گردیده است. (4) و خصوصیات بیش تر آن را در بحار الانوار، ج 18، از صفحه 282 تا 410 می توان مطالعه نمود.

## اقدام جدید

از سال چهارم، بعثت که دعوت رسول خدا صلی الله علیه و آله به اسلام و توحید علنی شده بود در مجموع آن حضرت مدت ده سال، بخصوص در موسم حج که قبایل فراوانی به مکه می آمدند، و به برکت «ماه حرام» آزادی نسبی برای او به وجود می آمد، اسلام را به

ص: 103

1- سورة مریم آیه 57

2- سورة نجم، آیه 9

3- بحار الانوار، ج 18، ص 380

4- السيرة النبوية، ج 2، ص 43.



قبایل مختلفی عرضه می‌داشت به خانه‌های افراد می‌رفت در بازارهای «عُکاظ»، «مَجَنَّة»، «ذو مَجَاز» و «منا» و مکه افراد را به اسلام و توحید و پرهیز از شرک و بت پرستی و یاری خود دعوت می‌نمود اما جز آزار و اهانت کم‌تر نتیجه مثبتی می‌گرفت. (1)

وقتی هم رسول خدا صلی الله علیه و اله قبیله «بنی عامر بن صعصَه» را به اسلام دعوت می‌کرد یکی از آنان به نام «بحیر بن ابی فراس» به آن حضرت گفت: اگر ما با تو بیعت کردیم و ترا یاری نمودیم و خداوند ترا بر دشمن خود پیروز گردانید ممکن است که پس از تو کار رهبری به دست ما باشد؟

رسول خدا صلی الله علیه و اله فرمود: اختیار این کار به دست خداوند است و آن را هر کجا او بخواهد قرار می‌دهد آن گاه «بحیره» اضافه کرد: یعنی ما در مقابل دشمنان فداکاری، کنیم و آن گاه که خداوند ترا پیروز، کرد کار پیشوایی به دست دیگران باشد؟ ما به چنین بیعت و هدایتی احتیاج نداریم! (2)

## بیعت انصار

در سال یازدهم، بعثت رسول خدا صلی الله علیه و اله با یک گروه شش نفری از قبیله «خزرج» شهر «یثرب» که برای انجام مناسک حج به مکه آمده

ص: 104

---

1- السیره النبویه، ج 2، ص 65-63، حیاة الصحابه، ج 1، ص 73.

2- السیره النبویه، ج 2، ص 66 حیاة الصحابه، ج 1، ص 78.

بودند در گردنه «منا» ملاقات، کرد با آنان به سخن پرداخت، آیاتی از قرآن را تلاوت نمود و آنان را به اطاعت خداوند یگانه فراخواند آنان هم وقتی سخنان رسول خدا صلی الله علیه و آله را شنیدند، پیش بینی «یهودیان یثرب» که اهل کتاب و دانش بودند را در ذهن خود تداعی کردند.

«یهودیان یثرب» پیوسته با «قبیله خزرج» و «قبیله اوس» درگیری داشتند و هر گاه میان آنان با این دو قبیله جنگی در می گرفت می گفتند: به زودی پیامبری مبعوث می شود ما به او ایمان می آوریم و با همدستی او شما را چون قوم «عاد» و «ارم» نابود می کنیم! (1)

گروه یثربی با شنیدن سخنان پیامبر صلی الله علیه و آله یک دیگر گفتند: بخدا سوگند این شخص همان پیامبری، است که یهودیان ما را از بعثت او بیم می دادند آنان نباید در ایمان آوردن به او بر ما سبقت، گیرند آن گاه دعوت رسول خدا صلی الله علیه و آله را پذیرفتند و اسلام آوردند و گفتند: امید است خداوند به وسیله تو یهودیان را هم با ما الفت دهد اکنون ما به «یثرب» می رویم و آنان را هم به اسلام فرا می خوانیم اگر آنان این دعوت را پذیرفتند در این صورت تو پیشوای عزیز و قدرتمندی خواهی شد. (2)

باری همان طور که ملاحظه کردیم اخلاق و تلاش و جاذبه رسول خدا صلی الله علیه و آله و نیز فطرت، خداجویی این گروه را به آغوش اسلام

ص: 105

---

1- السیرة النبویه، ج 2، ص 70.

2- السیرة النبویه، ج 2، ص 71.

آورد اما قهراً برای استقبال اینان و هم چنین سایر مردم «یثرب» که بعد خواهیم دید جنبهٔ جغرافیایی نیز نقش تقویت کننده ای داشته است. «جان دیون پورت» نویسنده انگلیسی می نویسد: اینان در موقع بازگشت به شهر خود، از دین جدید تعریف و تبلیغ می کردند، و با کمال عشق و علاقه همشهریان خود را به پذیرش دین جدید فرا می خواندند موقعیت این افراد برای گسترش دین، جدید بیش تر از این جهت بود که دین جدید در مکه شیوع نداشت نداشت و سابقه همکاری تجارتی بین مکی ها و اهالی یثرب نیز موجب تحریک روح رقابت بین دو شهر شده بود. (1)

بالاخره تبلیغات این گروه انصار در شهر «یثرب» موجب گردید که برای انجام مراسم حج در ماه ذیحجه سال دوازدهم بعثت، که پنج نفر آنان به همراه هفت نفر دیگر در قالب یک گروه دوازده نفری به حضور رسول خدا صلی الله علیه و آله رسیدند در گردنه منا که به «بیعت عقبه اول» موسوم، گردیده با رسول خدا صلی الله علیه و آله بیعت کردند و مقررات اسلام را پذیرفتند

به هنگام بازگشت آنان به «یثرب»، رسول خدا صلی الله علیه و آله، «مُصعب بن عُمیر» را به همراه آنان اعزام داشت تا به هر کس مسلمان می شود، قرآن و احکام اسلام را بیاموزد و برای آنان نماز جمعه تشکیل دهد.

ص: 106

مصعب، پس از مدتی به مکه بازگشت و استقبال مردم را از اسلام به سمع رسول خدا صلی الله علیه و آله رسانید و آن حضرت بسیار خوشحال شد، آن گاه گروه دیگری از انصار که برای انجام مراسم حج به مکه آمده، بودند در «گردنه منا» به حضور رسول خدا صلی الله علیه و آله رسیدند و در حالی که گروه آنان از هفتاد و پنج مرد و 2 زن تشکیل می گردید و این بیعت به «بیعت عقبه دوم» نامیده شده آماده بیعت با رسول خدا صلی الله علیه و آله گردیدند. (1)

اما باید توجه داشته باشیم در میان آن فضای رعب و وحشت و هیاهوی ستیز جو یایه و خطرناکی که کافران برای تشدید و تقویت، آن دوازده سال سرمایه گذاری کرده و از هر وسیله باز دارنده ای استفاده کرده، بودند این بیعت کار ساده ای نبوده و بلکه برای انجام آن هوشیاری و مراقبت فراوانی به کار گرفته شده است!

## بیعت دوّم

اکنون داستان این بیعت را از زبان «کعب بن مالک» پیرمرد نابینایی که در «یثرب» اسلام را پذیرفته و احکام آن را عملی کرده بود، مورد ملاحظه قرار می دهیم:

کعب، می گوید: شب موعود، یعنی شب دوازدهم، پس از اعمال حج، به عادت همیشگی با همسفران خود خوابیدیم، تا آن که یک

ص: 107

ثلث از شب، گذشت آن گاه با کمال احتیاط پنهانی و به طور جدا جدا به سوی «گردنه» راه افتادیم و در آن جا 73 مرد و 2 زن به نام های نُسیبه دختر، مالک و اسماء دختر عمرو بن عبدی، جمع شدیم و به انتظار پیامبر صلی الله علیه و اله نشستیم تا این که رسول خدا صلی الله علیه و آله و «عباس بن عبدالمطلب» عموی آن حضرت، نیز که آماده پذیرش اسلام شده بود حضور یافتند و یک جمعیت هفتاد و هفت نفری به وجود آمد.

از میان آن، جمعیت اولین کسی که سخن گفت عباس، بود وی چنین آغاز سخن کرد: ای گروه خَرج! اکنون که محمّد صلی الله علیه و آله را به آن چه دعوت کرده، اید فرا می، خوانید این را بدانید که محمّد صلی الله علیه و آله در میان قوم و خویش خود بسیار عزیز و مورد حمایت، است اکنون شما اگر به آن چه می گوئید وفادار هستید و او را از دشمنان مصون می، دارید این شما و این مسؤولیتی که به عهده می گیرید و اگر از وی دست بر می دارید از هم اکنون اعلام، دارید زیرا او در شهر خود و در میان قوم خود دارای عزّت و مصونیت است.

آنان پاسخ دادند: ما آن چه را گفتمی پذیرفته ایم، اکنون خود رسول خدا صلی الله علیه و آله سخن بگوئید و آن چه را خود و خدا دوست می دارند بیان نماید

آن گاه رسول خدا صلی الله علیه و اله به سخن پرداخت آیاتی از قرآن کریم را تلاوت، نمود آنان را به پذیرش اسلام تشویق کرد و ادامه داد:

با

شما بیعت می‌کنم تا همان طور که از زنان و فرزندان خویش حمایت می‌کنید از من نیز حمایت کنید. (1)

بعد «براء بن معرور» دست رسول خدا صلی الله علیه و آله را گرفت و گفت: آری به خدایی که ترا به حق، فرستاده همان طور که از ناموس و فرزندان خود مراقبت و مواظبت می‌کنیم از تو نیز حمایت و نگهداری خواهیم کرد اکنون بیعت ما را بپذیرد

آری ای رسول خدا صلی الله علیه و آله ما با تو بیعت می‌کنیم در حالی که پرورش یافته جنگ هستیم و شجاعت و جنگ آوری را از اجداد خود به میراث برده ایم برخی دیگر نیز در این زمینه ها مطالبی بیان داشتند سپس با پیشنهاد رسول خدا صلی الله علیه و آله آنان به تعداد نقیبان موسی علیه السلام برای خود دوازده نقیب و مراقب، نه نفر از «خزرج» و سه نفر از قبیله «اوس» انتخاب کردند، و با توجه به این که از وضع جاسوس های قریش بیمناک بودند شبانه از آن نقطه متفرق شدند و فردای آن شب راهی «مدینه»، گردیدند اما وقتی مشرکان مکه از این بیعت و دعوت با خبر شدند فشار و سخت گیری آنان نسبت به مسلمانان شدت گرفت، زندگی برای مسلمانان مکه طاقت فرسا شد تا آن جا که از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله اذن هجرت خواستند و رسول خدا صلی الله علیه و آله هم فرمود: رهسپار مدینه شوند و به برادران مسلمان خود ملحق گردند آن گاه از ماه ذیحجه

ص: 109

سال سیزدهم، بعثت مسلمانان وقت و بی وقت و مخفیانه گروه گروه راه مدینه را پیش گرفتند و در آن سرزمین مسکن گزیدند (1) اما پیامبر صلی الله علیه و اله خود در مکه باقی ماند تا آن چه از دستور الهی بر او نازل می شود رفتار نماید

## هجرت به مدینه

از تاریخ هجرت مسلمانان مکه به مدینه حدود سه ماه می گذشت که کافران قریش متوجه شدند مدینه برای رسول خدا صلی الله علیه و اله و یاران، او، به یک پایگاه مهم درآمده و اگر خود نیز به آن پایگاه هجرت کند آینده آنان در مخاطره خواهد بود بدین لحاظ در آخر ماه صفر سال چهاردهم، بعثت در «دارالندوه» که جایگاه مشورت و تصمیم گیری های مهم بود، جمع شدند و از میان طرح های مبارزه با پیامبر صلی الله علیه و اله طرح «ابوجهل بن هشام» را مبنی بر این که از هر قبیله ای جوانی شمشیری بر دارد و به طور گروهی و دست جمعی پیامبر صلی الله علیه و اله را به قتل برسانند به تصویب همگان رسید!

بر اساس این طرح هم پیامبر صلی الله علیه و اله از میان برداشته می شد، و هم طرفداران و پیروان آن حضرت یارای درگیری با همه قبایل مخالف را نداشتند و در نتیجه، قبایلی که دست به خون رسول خدا صلی الله علیه و اله آلوده بودند، می توانستند با پرداخت خون، بها قریش را از جرم خونریزی تبرئه نمایند!

ص: 110

اما خوشبختانه درباره افشای این توطئه خطرناک، آیه قرآن نازل شد: هنگامی که کافران با مکر و نیرنگ درباره تو نظر می دادند تا ترا در بند، کشند یا ترا بکشند یا ترا بیرون، کنند، آنان مکر و حيله می کنند و خداوند هم مکر و حيله آنان را نقش بر آب می سازد (1)

علاوه بر این جبرئیل بر پیامبر صلی الله علیه و آله نازل شد و دستور داد: امشب در بستری که شب های قبل می خوابیدی، مخواب اما قریش بر اساس هماهنگی قبلی خانه را (اول شب ربیع الاول سال چهاردهم بعثت) محاصره کرده بودند و انتظار می کشیدند تا آن حضرت به خواب رود و آن گاه به او یورش برند، ولی رسول خدا صلی الله علیه و آله (بر اساس وحی و دستوری که برای هجرت رسیده بود) به علی علیه السلام فرمود تا در بستر وی، بخوابد و روپوش او را بر روی خویش بیندازد (2) و سپس در مکه بماند و امانت های مردم را که پیش رسول خدا صلی الله علیه و آله بود به آنان باز گرداند (3)

از جمله افراد مؤثری که در محاصره خانه شرکت داشت «ابوجهل بن هشام» بود که از روی مسخرگی می گفت محمد صلی الله علیه و آله گمان می کرد، که اگر شما از او پیروی کنید پادشاهان عرب و عجم خواهید شد و پس از مردن زنده می شوید و در بهشت هایی مانند باغ های اردن سکونت

ص: 111

---

1- سوره انفال آیه 30

2- السیره النبویه، ج 2، ص 126 و 129، حیاة محمد، ص 176.

3- همان.



می‌گیرید و اگر ایمان نیاوردید افرادی از شما را می‌کشد و شما پس از مرگ در آتش خواهید سوخت امشب کارش به پایان می‌رسد!

اما پیامبر صلی الله علیه و آله با عنایت خداوند مشتی خاک برداشت به سر و روی محاصره‌کنندگان، پاشید آیه‌های سوره «یس» را تا: (فَأَغْشَيْنَاهُمْ فَهُمْ لَا يُبْصِرُونَ) (1) تلاوت کرد و بدون این که کافران مهاجم و محاصره‌کننده متوجه آن حضرت شوند از خانه خارج شد، آن گاه هم که یکی از مشرکان خروج رسول خدا صلی الله علیه و آله را به آنان اطلاع داد باور نکردند، اما همین که سفیده صبح طلوع کرد، متوجه شدند علیه علیه السلام از بستر خواب رسول خدا صلی الله علیه و آله سر برداشت، و نقشه آنان نقش بر آب گردیده است! (2)

آن شب که علی علیه السلام در بستر پیامبر صلی الله علیه و آله خوابید و جان خود را در مخاطره قرار داد «لیلة المبیة» نام، گرفته درباره فداکاری و جانفشانی آن، بزرگوار آیه قرآن نازل گردیده (3) و همان شب که با شب پنجشنبه اول ماه ربیع الاول سال چهاردهم بعثت همزمان بوده رسول خدا صلی الله علیه و آله طبق مصلحتی «ابوبکر بن ابوقحافه» را همراه خود برداشت و به سوی «غار ثور» شتافت و پس از سه روز توقف در آن جا شب چهارم ربیع الاول در حالی که «ابوبکر» و «عامر بن فُهَیره»

ص: 112

---

1- سوره یس آیه 9-1

2- السیره النبویه، ج 2، ص 127.

3- سوره بقره، آیه 207

و «عبدالله بن ارقط دیلی» مشرک که رسول خدا صلی الله علیه و اله او را برای راهنمایی اجیر کرده بود با دو شتری که از قبل تدارک دیده شد بود مکه را ترک گفت و به سوی مدینه شتافت. (1)

مسیرهایی را که رسول خدا صلی الله علیه و آله با راهنمایی «عبدالله» برای در امان بودن از تعقیب دشمن در نظر گرفت، بود عبارت بود از: پائین مکه ساحل دریا پائین تر از، عُسْفان پائین اَمَج، قُدَید، خَزَّار، ثَنِيَّة مَرَّة، لُقْف، مَدَلَجَه لُقْف، مَدَلَجَه مِجَاج، مَرَج ذی غُصوین، بَطْن ذی کَشْر، جَدَاجِد، اَجْرَد، ذی سَلَم، مَدَلَجَه، تَعِهِن، عَبَايِد، فَاجَه، عَرَج، ثَنِيَّة عَائِر، بَطْن رِيَم، و بالاخره رسول خدا صلی الله علیه و اله در حالی که به شدت تحت تعقیب دشمنان بود و برای دستگیری او جایزه تعیین کرده بودند و افرادی با صد شتر در هر نقطه ای برای دستگیری آن حضرت تلاش شبانه روز می، کردند آن بزرگوار پس از هشت روز حرکت و طی طریق و استراحت سرانجام دوشنبه دوازدهم ربیع الاول نزدیک ظهر وارد محله «قُبا» در مدینه گردید. (2)

به هر حال، پیامبر صلی الله علیه و آله از توطئه دشمنان جان به سلامت برد و به مدینه هجرت نمود و این هجرت هم دارای آن چنان عظمت و بار مکتبی بود که در تاریخ اسلام «منشأ تاریخ» قرار گرفت چنان که

ص: 113

- 
- 1- السيرة النبوية، ج 2، ص 129 تاریخ پیامبر اسلام، ص 216، حياة محمد ص 182
  - 2- السيرة النبوية، ج 2، ص 137 - 136، حياة محمد ص 182، تاریخ پیامبر اسلام، ص 225 - 219

فداکاری و حفظ جان رسول خدا صلی الله علیه و اله از سوی علی بن ابی طالب علیه السلام هم موجب نزول آیه قرآن در این باره گردیده و ایمان و جهاد و بزرگواری او را تأیید کرده است. (1)

آری چنین است:

عشقبازی که هم آغوش خطر \*\*\* خفت در خوابگاه پیغمبر صلی الله علیه و اله (2)

ص: 114

---

1- سوره بقره، آیه 207

2- محمد حسین، شهریار اشک، شفق ص 189



مهم ترین اصولی را که پیامبر عالی قدر اسلام، برای بر طرف نمودن وحشت و رعب موجود در جامعه و تشکیل انس و الفت و صفا و صمیمیت پس از هشتاد روز اقامت در «مدینه» برقرار نمود «پیمان برادری» میان یاران مهاجر و انصار بود.

اگر چه برقراری چنین، پیمانی در میان قبایل مختلف اعراب سابقه تاریخ داشت و در روابط اجتماعی از این سیاست استفاده می شد اما آن چه را پیامبر صلی الله علیه و اله عملی، کرد دارای عمق و مفاهیم بلندی بود، که آن را از سایر موارد ممتاز می ساخت

برای اجرای این، پیمان رسول خدا صلی الله علیه و اله به مهاجرین و انصار دستور داد: (تَأَخُّوا فِي اللَّهِ أَخَوِينَ) یعنی در راه خداوند، دو نفر دو

نفر با هم برادری، کنید آن گاه خود دست علی بن ابی طالب علیه السلام را گرفت و گفت: این برادر من است. (1)

بر اساس مفاد این «اخوت اسلامی» مسلمانان وظیفه داشتند یک دیگر را یاری دهند از همدیگر حمایت کنند و پس از مرگ هم از یک دیگر ارث ببرند که موضوع ارث بردن پس از «جنگ بدر» و نزول آیه: (وَأُولُوا الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَىٰ بِبَعْضٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ) (2) نسخ شد، و با نزول آیه: (إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ). (3) دائرة «اخوت اهل ایمان» توسعه یافت و همه اهل ایمان را در هر سرزمینی که به سر می برند، در برگرفت.

تعداد یاران مهاجر و انصاری را که رسول خدا صلی الله علیه و اله میان آنان «پیمان برادری» برقرار، نمود بین نود تا صد نفر دانسته اند که غیر از پیمان آن حضرت با علی بن ابی طالب علیه السلام، تعداد دیگری را بدین ترتیب می توان نام برد:

1- حمزة بن عبدالمطلب، یعنی حمزة سیّد الشهداء با «زید بن حارثه» کارگزار پیامبر صلی الله علیه و اله برادر یک دیگر شدند. 2- جعفر بن ابیطالب با «معاذ بن جبل»، 3- ابوبکر با «خارجة بن زهیر». 4- عمر بن خطاب، با «عتباب بن مالک» 5- عامر بن عبدالله با «سعد بن معاذ»، 6- عبدالرحمن بن عوف، با «سعد بن ربیع». 7- زبیر بن عوام، با «سلمة بن سلامه» 8- عثمان

ص: 117

---

1- السیرة النبویه، ج 2، ص 150، تاریخ پیامبر اسلام، ص 235

2- سوره انفال آیه 75

3- سوره حجرات، آیه 10

بن عَفَّان، با «اُوس بن ثابت». 9- طلحة بن عبیدالله با «کعب بن مالک» 10- مُصعب بن عمیر بن هاشم با «ابو ایوب بن خالد بن زید». 11- عمّار بن یاسر، با «حذیفه بن یمان». 12- ابوذر یعنی «مُنذر بن جُنادة غفّاری» با «مُنذر بن عمرو مُعنق». 13- سلمان فارسی با «عُویمر بن ثعلبه»، یعنی ابودرداء. 14- بلال حبشی خدمتگزار و مؤذن پیامبر صلی الله علیه و آله با ابو زُوَیحه «عبد الله بن عبدالرحمن خثعمی» (1)

اگر چه برای تأسیس جامعه نو بنیاد اسلامی در مدینه اختلافات قبیله ای و فطرت خداجویی زمینه مساعدی را فراهم کرده بود و مردم خود نیز آماده پذیرش چنین نظامی، بودند اما غیر از این ها و پیمان اخوتی که بیان شد، در پرتو تعالیم درخشان اسلام، یک سلسله علل و عوامل طبیعی و روانی هم به عنوان پایه های اساسی در تکمیل تشکیل این جامعه نو بنیاد، اسلامی نقش تعیین کننده داشته است.

این موضوع مهم را قرآن، کریم به صورت یک فلسفه اجتناب ناپذیر تاریخی مطرح نموده، که در راستای تقویت و تداوم نظام، اسلامی قابل ارزیابی و در خور توجه می باشد.

علل و عوامل مورد اشاره در قرآن کریم در سوره «حشر»، در چهار بخش: محبت غنای، نفس، ایثار و خویشتن داری از حرص، شدید مطرح شده که در این فصل همراه با جنبه های تاریخی موضوع، به تجزیه و تحلیل آن می پردازیم:

ص: 118

پیامبر عالی قدر، اسلام از سال چهارم، بعثت دعوت علنی خویش را در مکه آغاز نمود و طی مدت ده سال متوالی، قبایل مختلف مکه را به اسلام فراخواند، اما نتیجه مطلوبی بدست نیاورد و چنان که قبلاً نیز مطالعه کردیم، «بحیره بن فراس» از قبیله «بنی عامر بن صعصعه» که می خواست اسلام را بپذیرد و پیامبر صلی الله علیه و اله را یاری، کند این جهت را مشروط به این، کرد که جانشینی پیامبر صلی الله علیه و اله در قبیله او قرار، گیرد اما رسول خدا صلی الله علیه و اله که مقام جانشینی خود را «امری الهی» می دانست، زیر بار این باج خواهی نرفت و «بحیره» هم از یاری او خودداری نمود. (1)

از سوی دیگر در مدینه، دو قبیله بت پرست «اوس» و «خزرج» سالیانی با هم جنگ و خونریزی داشتند و نیز آنان در برابر قبایل یهود «بنی نضیر» و «بنی قریظه» و «بنی قینقاع» که چون آنان از «یمن» به مدینه مهاجرت کرده بودند و در آن شهر می زیستند احساس زبونی می، کردند و از این درگیری ها به ستوه آمده و در مقابل قبایل رقیب هم احساس خطر می کردند بدین جهت «سُوید بن صامت اوسی» که برای حج یا عمره به مکه آمده بود (2) و نیز در سال یازدهم بعثت گروهی از

ص: 119

1- السیرة النبویه، ج 2، ص 66 تاریخ الامم و الملوک، ج 1، جزء 2، ص 232

2- السیرة النبویه، ج 2، ص 68



«قبیله خزرج» که سخنان رسول خدا صلی الله علیه و آله را «حکمت لقمان» و او را پیامبر موعود می دانستند دعوت و حمایت پیامبر صلی الله علیه و اله را پذیرفتند. (1)

گروه اولی که دعوت رسول خدا صلی الله علیه و آله را قبول کردند شش نفر از «قبیله خزرج» بودند که به مدینه بازگشتند و به تبلیغ اسلام پرداختند، اما در سال دوازدهم بعثت که دوازده نفر از مسلمانان مدینه در موسم حج به مکه آمدند، در «گردنه منا» نخستین بیعت رسمی خود را با رسول خدا صلی الله علیه و آله انجام دادند. (2) رسول خدا صلی الله علیه و اله هم «مُصعب بن عُمیر» را برای پیشوایی و آموزش آنان به مدینه اعزام داشت. (3) اما در سال سیزدهم بعثت که «مصعب» با گروهی از مردم مسلمان مدینه برای انجام مناسک حجّ به مکه، آمدند روز دوازدهم ذیحجه، هفتاد و پنج نفر در گردنه منا «بیعت دوّم عقبه» و رسمی خود را با رسول خدا صلی الله علیه و آله صورت دادند (4) و این گروه مسلمان با تازه مسلمانان مدینه، بر اثر تلاش فوق العاده خویش زمینه را برای هجرت پیامبر صلی الله علیه و اله به مدینه هموار، نمودند تا جایی که در برابر آراء و عقاید مختلف و قدرت های قبیله ای خانه ای از انصار در مدینه نبود که مرد و زن آن زمزمه اسلام و پیامبر صلی الله علیه و آله را به زبان نداشته باشند. (5)

ص: 120

- 
- 1- تاریخ الامم و الملوک، ج 1، جزء 2، ص 234، السیره النبویه، ج 2، ص 71.
  - 2- السیره النبویه، ج 2، ص 75 و 76
  - 3- السیره النبویه، ج 2، ص 75 و 76.
  - 4- مجمع البیان، ج 10، ص 262 السیره النبویه، ج 2، ص 71.
  - 5- تاریخ الامم و الملوک، ج 1، جزء 2، ص 235 السیره النبویه، ج 2، ص 80

قرآن کریم داستان پیشگامی مسلمانان «انصار» را با اهمیت و عظمت یاد کرده آنان را زمینه سازان و هموار کنندگان راه های مادی و معنوی رسول خدا صلی الله علیه و آله برای هجرت به مدینه معرفی نموده است. (1)

آری، این دسته از مسلمانان و گروه هایی که تحت عنوان «انصار» به جمع یاران رسول خدا صلی الله علیه و آله پیوستند همان طور که در بالا اشاره کردیم، در پرتو نورانیت، اسلام دارای چنان خصلت های والای انسانی گردیدند که این خصلت ها پایه های روانی و معنوی تشکیل جامعه نو بنیاد اسلامی در مدینه و سپس در سایر جاها گردید و به دلیل اهمیت این خصلت های روانی و، انسانی که قرآن کریم آن را بیان داشته اند کی به بررسی آن ها می پردازیم:

### **الف: محبت**

اولین ویژگی مسلمانان «انصار» در مدینه «محبت» است. قرآن کریم می فرماید: کسانی که در «دار الهمجره» و خانه ایمان، یعنی مدینه، قبل از مهاجران استقرار، داشتند چنین، بودند که هر مسلمانی به شهر آنان هجرت می کرد او را سخت دوست می داشتند (2) و نسبت به او محبت اعمال می کردند

ملاحظه، کنید مسلمانان مهاجر کسانی هستند که خانه و کاشانه و دارایی و زندگی خویش را به خاطر اسلام و پیامبر صلی الله علیه و آله رها کرده اند

ص: 121

---

1- سوره حشر، آیه 9

2- همان.

و شبانه از مکه گریخته، اند، و اکنون که به مدینه آمده اند هم از لحاظ مادی و هم از نظر روانی در شرایط بسیار سختی به سر می بردند اما آغوش گرم مسلمانان مدینه به روی آنان گشوده شد، از لحاظ مسکن و نیازمندی های مادی و به خصوص عواطف انسانی مهاجرین را پذیرا گردید و آنان توانستند به عبادت و آموختن قرآن و احکام دین و حمایت از رسول گرامی اسلام ادامه دهند.

آری مهر و محبت در میان «انصار» و محبت آنان نسبت به «مهاجران» فضای پاک و با صفا و جذّاب و همبستگی آفرینی را به وجود آورد که مسلمانانی را که چون شمع گرد وجود رسول گرامی اسلام می چرخیدند به یک تشکل چشمگیر امت، واحد قدرت پر صلابت و جبهه نیرومندی تبدیل گردانید.

دقت کنید، اسلام و ایمان در میان مسلمانان، صفا و صمیمیتی به وجود آورد که دل ها را به هم پیوند داد کینه ها و کدورت ها و خود خواهی ها و و خود سری ها و خودگرایی ها را به جمع گرایی و برادری و مهر ورزیدن به یک دیگر مبدل، ساخت گروه ها، همه هم دیگر را دوست می داشتند و، همه به پیشوای معصوم و عزیز خویش عشق می، ورزیدند و آنان در برابر دشمنان متعدد و مختلف «قدرت واحدی» بودند و به پیشرفت و تعالی ادامه می دادند.

باری چنین، محبتی که قرآن کریم آن را یک پایه مهم تشکیل دهنده جامعه اسلامی معرفی می‌کند، خاصیت طبیعی و عینی ایمان است و اگر به هنگام دعا وظیفه داریم قبل از دعا برای خود، به چهل مؤمن دعا کنیم (1) و مثلاً آن گاه که دیگران به خوانند ما به فکر آنان و دعاگوی آنان و خیرخواه آنان، باشیم یک راز آن تحکیم همین محبت و تقویت پیوندها و روابط انسانی و اسلامی می‌باشد تا جامعه اسلامی همواره به سوی تربیت و تشکل ایمانی عروج نماید، و شعاع اسلام و ایمان بر همه زوایای زندگی نور افشانی کند.

## ب: غنای نفس

### اشاره

غنای نفس و مناعت طبع به خاطر دست یافتن به آرمان های متعالی، اسلام، خصلت مهم اخلاقی و روانی دیگر «انصار» بود.

محبت یک حالت روانی و درونی است و آن جا ارزش این «کیمای سعادت» روشن می‌شود که در «راه امتحان» آن، انسان سرفراز برآید.

در شأن نزول این آیه نوشته اند: انصار مهاجرین را در خانه های خود اسکان دادند و آنان را در دارایی خود شریک نمودند و در مورد «غنائم بنی نضیر» که پیامبر صلی الله علیه و اله آن را به مهاجرین داد، انصار در عین نیازمندی هیچ گونه حسد و رشکی نوزیدند و بلکه با غنای نفس و روح بزرگواری محبت قلبی خود را تحقق عینی بخشیدند (2)

ص: 123

---

1- وسائل الشیعه، ج 4، ص 1154، صلاة، اللیل از غلام رضا عرفیان، ص 107.

2- مجمع البیان، ج 10، ص 262

پیامبر اسلام هم فرموده است (حَیْرُ الْغِنَى غِنَى النَّفْسِ). (1)

بهترین سرمایه غنای نفس و روح بزرگواری است و مسلمانان انصار چون رسول خدا صلی الله علیه و آله را به شهر خود دعوت کرده بودند، به آرمان های مقدّس الهی و معنوی می اندیشیدند و انتظار مادی مال و منال، نداشتند به اموالی هم که به مهاجران داده شد، نه تنها حسد و نگرانی به خود راه ندادند بلکه با کمال بلند نظری و بزرگواری در وجود خود احساس نیاز هم نمی کردند و به هدف های متعالی اسلامی فکر می کردند و در این راه تلاش وقفه ناپذیری معمول می داشتند

### ج: ایثار و دیگر خواهی

ویژگی سوّم، انصار که پایه گذاران جامعه نو بنیاد اسلامی در مدینه، بودند این بود که روح «ایثار» و مقدّم داشتن دیگران بر خود را داشتند

قرآن کریم فرموده است: (وَيُؤْتِرُونَ عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ) (2)

آنان دیگران را بر خود مقدّم می داشتند اگر چه خود هم نیاز شدید مالی داشتند.

در تفسیر این، آیه ابن عباس روایت می کند: روزی که پیامبر صلی الله علیه و آله بر یهودیان «بنی نضیر» پیروز شد و غنائمی بدست آورد

ص: 124

---

1- بحار الانوار، ج 72، ص 106.

2- سوره، حشر، آیه 9

به انصار فرمود: اگر مایل هستید اموال و خانه های خود را با مهاجرین تقسیم کنید تا در این غنائم با آنان شریک شوید و اگر به این کار مایل نیستید خانه های شما متعلق به خود شما باشد و از این غنائم هم چیزی به شما تعلق نخواهد گرفت.

اما انصار گفتند: هم مهاجرین را در اموال و دارایی خود شریک می کنیم و به هم به غنائم جنگی چشم داشتی نخواهیم داشت، بلکه آنان را بر خود مقدم می داریم تا همه این اموال متعلق به آنان باشد. [\(1\)](#)

به هر حال، خصلت ایثار را امام علی علیه السلام: اعلی المکارم، نامیده است [\(2\)](#) و چنین ویژگی، اخلاقی که از روح عشق و ایمان نشأت می گیرد زیباترین چهره و عالی ترین صحنه را از مقام والای انسانی به نمایش می گذارد.

مفسران قرآن در مورد مصداق های ایثار که رمز پیروزی مسلمانان، بوده داستان های متعددی روایت کرده اند و نمونه های ایثار و آثار حیرت آفرین آن را هم خود در جبهه های جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، اسلامی بارها به چشم خود مشاهده کردیم.

ص: 125

---

1- مجمع البیان، ج 10، ص 260.

2- میزان الحکمة، ج 1، ص 4.

البته باید توجه داشته باشیم که رسیدن به مقام روح، ایثار کار ساده ای، نیست ایمان خود ساختگی فراوانی را می طلبد و امام علی علیه السلام هم فرموده است: (مِنْ شَيْمِ الْأَبْرَارِ حَمْلُ النَّفْسِ عَلَى الْإِثَارِ) (1)

این از خصوصیات «نیکان برجسته» است که نفوس خود را به قله ایثار می توانند برسانند، چنان که در صدر اسلام هم آن هفت نفر مجروح در جبهه جنگ خود تشنه بودند اما سهمیه آب خود را به دیگری می دادند. (2) یا آن میزبان چراغ را خاموش می کرد، تا میهمان بدون این که از گرسنگی اعضای خانواده وی با خبر شود، بی خبر از همه چیز بتواند غذای آنان را بخورد. (3)

خلاصه روح ایثار و دیگران را بر خود مقدم داشتن یک خصلت بسیار ممتاز انسانی، است قرآن کریم و احادیث فراوانی آن را مورد ستایش قرار داده (4) دست یافتن به قله رفیع آن هم مجاهده نفس زیادی را می، طلبد اما در هر حال ایثار از خصلت ابرار است و پیروزی و عظمت در پی خواهد داشت.

ص: 126

---

1- فهرست غرر و درآمدی، ص 3

2- مجمع البیان، ج 10، ص 26.

3- همان.

4- بحار الانوار، ج 64 ص 351، تفسیر نور الثقلین، ج 5، ص 291

خصلت دیگری را که قرآن، کریم به عنوان چهارمین عامل روانی پیروزی مسلمانان صدر اسلام یاد می کند مهار «شَحّ نفس» و حرص شدید است.

در دو جای قرآن کریم می خوانیم: (وَمَنْ يُوقِ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ). (1)

«شَحّ» از نظر لغت عبارت است از: بخل شدید که با حرص آمیخته گردد و به حالت یک عادت ریشه دار در وجود انسان درآید. (2)

امام صادق علیه السلام از «فضیل بن عیاض» سؤال کرد: می دانی «شحیح» کیست؟

فضیل گفت: منظور انسان بخیل است.

ولی امام صادق علیه السلام فرمود: حالت شَحّ در وجود انسان از بخل شدیدتر، است زیرا بخیل کسی است که در مورد آن چه خود دارد بخل می ورزد، اما شحیح نسبت به آن چه دیگران دارند و آن چه را هم خود در اختیار دارد بخل می ورزد تا جایی که تلاش می کند، آن چه را در دست دیگران است از راه حلال یا حرام درآورد، و به آن چه خداوند هم به او داده قانع نیست! (3)

ص: 127

---

1- سوره، حشر، آیه، 9 و سوره تغابن آیه 16

2- مفردات راغب اصفهانی، ص 265

3- بحار الانوار، ج 70، ص 306



امام علی علیه السلام فرموده است: (إِنَّ صَلَاحَ أَوَّلِ هَذِهِ الْأُمَّةِ بِالزُّهْدِ وَالْيَقِينِ وَهَلَاكَ آخِرِهَا بِالشُّحِّ وَالْأَمَلِ) (1)

اولین مرحله خیر و صلاح این امت به ساده زیستی و یقین به مبانی دین است و آن گاه این امت به راه هلاکت و نابودی سرازیر خواهد شد، که گرفتار حرص شدید و آرزوهای دور و دراز گردد.

پیامبر اسلام صلی الله علیه و اله نیز فرموده است: هیچ چیز به اندازه حرص شدید ایمان را نابود نمی کند و خصوصیت این خوی خطرناک هم این است که مانند مورچه کوچکی به طور مرموز در وجود انسان نفوذ می کند و به صورت شعبه ای از شرک و الحاد، وجدان و ایمان انسان را نابود می کند! (2)

باری خطر «شح» و حرص، شدید از نظر روانی و مناسبات اجتماعی که ایمان و تعهد و حق شناسی و بیم از معاد و عواقب امور را نابود می کند تا آن جا تباه کننده و عدالت سوز و حق کش و فساد آور است که وقتی در «جنگ صفین» یکی از یاران امیرالمؤمنین علیه السلام از آن حضرت سؤال می کند: چگونه اطرافیان شما شما را از حق خلافت خویش در حالی که از دیگران به این مقام شایسته تر بودی؟ باز داشتند؟

ص: 128

---

1- بحار الانوار، ج 67 ص 173.

2- بحار الانوار، ج 70، ص 301

آن حضرت فرمود: با وجود این که ما بالاترین مقام قوم و خویشی را با پیامبر صلی الله علیه و اله داشتیم و نزدیک ترین کس هم به آن حضرت بودیم استبداد، بر ما سلطه یافت چون گروهی گرفتار حرص شدید شدند، و گروه دیگری هم حق ما را سخاوتمندانه بذل و بخشش کردند. (1)

خلاصه، در حدیثی هم می خوانیم: شخ و ایمان در قلب یک مسلمان جمع نمی شود همان گونه که غبار در راه جهاد، با دود آتش جهنم همراه نمی گردد. (2)

بدین جهت است که رسول گرامی اسلام فرموده است: (إِيَّاكُمْ وَالشُّحَّ فَإِنَّمَا هَلَكَ مَنْ كَانَ قَبْلَكُمْ بِالشُّحِّ أَمْرُهُمْ بِالْكَذِبِ فَكَذَبُوا وَأَمْرُهُمْ بِالظُّلْمِ فَظَلَمُوا وَأَمْرُهُمْ بِالْقَطِيعَةِ فَقَطَعُوا). (3)

از مبتلا شدن به بیماری روانی حرص، شدید، سخت مراقبت داشته باشید زیرا افراد زیادی قبل از شما به خاطر آلوده شدن به این بیماری نابود و هلاک شدند این خوی خطرناک افراد را به دروغ گویی واداشت و حقایق را تکذیب، کردند آنان را به راه ظلم کشانید و مرتکب ظلم و ستم گری شدند و بالاخره افراد را به قطع روابط انسانی وادار نمود و آنان در کوران آتشین حرص ویران گر هر گونه پیوند و ارتباط خویشی و انسانی را قطع کردند و به وادی سقوط فرو لغزیدند!

ص: 129

---

1- نهج البلاغه دکتر صبحی صالح خطبه 162، ص 231.

2- مجمع البیان، ج 10، ص 262

3- بحار الانوار، ج 70، ص 303.

بنابراین قرآن کریم اصول اخلاقی و روانی تشکیل جامعه نو بنیاد اسلامی در مدینه را به چهار خصلت مهمی که در وجود مسلمانان تبلور یافته بود می داند و این خصلت ها عبارت بودند از:

- محبت، که پیوند دل ها را تقویت میکرد و روح اخوت را تحکیم می بخشید

- غنای نفس و مناعت طبع که شخصیت انسانی را به تکامل می رسانید و با آرمان گرایی، معنوی افراد را از چنگال زخارف مادی و جیوه های فریبنده و می رهانید و با چشم اندازی، بلند به سرنوشت امت مسلمان می اندیشید و برای آن کوشش روا می داشت!

- ایثار و دیگران را بر خود مقدم، داشتن، که موجب می گردید، خود آب ننوشند و با تحمل تشنگی آب را به دیگران بدهند، خود گرسنه بمانند و غذای خود را به دیگران بخوراند، خود در کنار کوچه قرار گیرند و آوارگان را در خانه خویش اسکان دهند.

- و بالاخره، پرهیز از «شح» و حرص شدید داشته، و خود را در تارهای عنکبوتی مال و منال و جاه و مقام به اسارت در نیاورند.

احادیثی هم که درباره «شح» وارد شده، عموماً به جهات مادی توجه دارد، اما از سایر احادیث و نیز از سخن امام علی علیه السلام که در بالا بیان شد معلوم گردید که قلمرو حرص شدید و «ولع های آتشین و لگام گسیخته» به جنبه های مادی اختصاص ندارد، بلکه همان طور که

امام علی علیه السلام در مورد تاراج حقّ مسلم خلافت خویش تصریح نمود، «کوران حرص شدید» گاهی کیان حقّ و ساختار یک نظام انسانی را در هم می ریزد و آن طور که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده: اّمت موجود را چون ملت های پیشین به نابودی می کشاند!

(1)

بدین جهت است که غیر از انصار و مهاجرین گروه دیگری از مسلمانان و بزرگ مردانی که شالوده های مکتب حیات بخش اسلام عزیز را پی سازی و ستون بندی، کردند با وجود این که عملاً از بوته آزمایش سرفراز بیرون آمدند برای حفظ آن موقعیت طلایی و زیر بنایی ترین اندیشه ساختاری اسلامیّت، خویش دست نیاز به درگاه خالق بی نیاز بر می داشتند و از ذات مقدس پروردگار عالم هستی می خواستند خداوند! ما و برادران ما را که در حوزه ایمان بر ما پیشی، داشتند مورد غفران خود قرار بده و در دل های ما نسبت به اهل ایمان هیچ گونه روزنه و راه نفوذ، حسد حيله گری، کدورت و دشمنایی قرار مده (2)

ص: 131

---

1- بحار الانوار، ج 70، ص 303.

2- سوره حشر، آیه 10.





جنب و جوش فوق العاده ای که «مدینه» را در کام خود فرو برده بوده، بدین خاطر بود که پیامبر عالی قدر اسلام اعلام داشته بود: می خواهد حجّ وداع انجام دهد.

خبر انجام آخرین حجّ پیامبر صلی الله علیه و اله مردم شهر را به تحرّک و رفت و آمدهای شتاب آمیزی و اداشته و قبایل و چادر نشین های اطراف را هم تا آن جا که از این دعوت اطلاع یافته بودند به داخل شهر کشانده بود، و مدینه شاهد روزهای شادی و شکوهمندی بود

آری، آنان که دعوت پیامبر صلی الله علیه و اله را دریافت داشته بودند، از شهرها و نقاط مختلف بلاد اسلامی و حجاز دسته دسته به «مدینه» شتافته شتافته و آن گاه که با شهر انباشته از جمعیت روبرو شدند در اطراف شهر چادر زدند و اسکان یافتند تا در مراسم حج در کنار رسول خدا صلی الله علیه و اله شرکت جسته و مناسک حج را از فرستاده خدا آموخته و عملی گردانند.

## آهنگ حرکت

دوشنبه پنجم ذی قعدة سال دهم هجرت، است، حدود بیست و سه سال از رسالت پیامبر گذشته و حضرتش در بهار شصت و سومین سال زندگی خود قرار دارد، او در مدینه غسل انجام داده، دو قطعه پارچه ساده به عنوان لباس به تن پوشیده و در حالی که محاسن خود را شانه زده و بدن را خوشبو نموده و چون نگینی درخشان در میان اعضای خانواده یاران مهاجر و انصار و دیگر مسلمانان قدم بر می‌دارد، مدینه را ترک می‌گوید

پیامبر صلی الله علیه و اله نماز ظهر را در مسجد مدینه به جماعت برگزار کرد اما نماز عصر را در مسجد «شجره» که آن روز تا شهر ده کیلومتر فاصله داشت به جای آورد و در حالی که جامه های احرام را به تن کرده بود از جلو یاران و همراهان که تعداد آنان به نود یا یک صد و بیست و چهار هزار تن می‌رسید. (1) بیابان سوزان حجاز را لَبَّیک، گویان به شوق دیدار کعبه پیش گرفتند

## بر تربت مادر

آهنگ در هم پیچیده زنگ های شترهایی که کاروانیان را حرکت در هم می‌دهند در سکوت شب، صحرا آوای دل آرامی را پدید آورده

ص: 135



است، ماه در شب های اوائل، ماه زود به آغوش غروب می خرامد و شب را در سکوت مطلق فرو می برد تا «شیران روز» که اکنون «راهبان شب» گردیده اند با نور ضمیر خویش به اوراق کتاب هستی بنگرند و زمزمه شبانه آنان از خاک به افلاک اوج گیرد.

کاروان حج به پیشوایی محمد صلی الله علیه و اله راه مکه را ادامه می دهد، زمین های ریگزار و خاموش حجاز، زیر پای هزاران مرد و زن، که لبیک آنان به طور بی سابقه ای فضا را پر کرده است می لرزد و راهیان این سفر، تاریخی ضمن این که در هر منزل گاهی برای استراحت و خوردن غذا توقّفی دارند به راه ادامه دهند.

فاصله مدینه تا مکه حدود هفتاد فرسنگ است و کاروان ها به طور معمول این فاصله را ده روز می پیموندند این کاروان عظیم، هم در الی که دوشنبه از مدینه بیرون آمده پس از پنج روز راهپیمایی صبحگاه پنجشنبه روز ششم به «آبواء» رسید.

سرزمین «آبواء» برای پیامبر صلی الله علیه و اله حساب دیگری دارد بوی دیگری می دهد آن زمین سال ها قبل «آمنه» مادر محمد صلی الله علیه و اله آغوش پنهان ساخته و اکنون رسول خدا صلی الله علیه و اله بر تربت مادر رسیده و با چند قطره اشک مزار مادر را شست و شو می دهد و اندکی بیش از سایر منازل اقامت می نماید تا مهر مادر را پاس دارد.

آری پیامبر دوست می دارد اندکی بیشتر هم بر مزار مادر توقّف کند، اما رسالت عظیم تر، حج این فرصت را از او می گیرد و ناچار از آن منزل حرکت می کند و هم چنان این سالار بزرگ بر هدایت همراهان به راه شبانه روزی ادامه می دهد

## در مکه

کاروان عظیم حج هزاران نفری رسول خدا صلی الله علیه و اله، که فاطمه اطهر علیها السلام، همه همسران، پیامبر اسماء دختر عمیس و زنان دیگری در آن حضور دارند فرسنگ ها راه را پشت سر گذاشتند و در حالی که شترانی را هم که برای قربانی از مدینه همراه خود آورده بودند و آن ها خسته و فرسوده به نظر می رسیدند پس از عبور از سرزمین «جُحفه» شب یکشنبه چهارم ذی حجّه در منزلگاه «ذی طوی» که در نزدیکی مکه قرار داشت توقّفی کردند و پس از ادای نماز صبح همان، روز از گردنه «گُداء» وارد مکه شدند از در «بنی شَیبه» به مسجد الحرام آمدند و به اعمال حج پرداختند. (1)

باری پیامبر صلی الله علیه و اله و کاروان همراه طواف کردند نماز خواندند، سعی صفا و مروه انجام دادند از زمزم نوشیدند، دعای فراوانی سر دادند و بدین ترتیب اعمال عمره آنان پایان یافت که

ص: 137

علی علیه السلام هم پس از مأموریت «یَمَن» برای شرکت در مراسم حج رسول خدا صلی الله علیه و اله، که از آن با اطلاع، بود خود را به مکه رسانید و پس از انجام اعمال به ملاقات رسول خدا صلی الله علیه و اله و فاطمه علیها السلام شتافت. (1)

این کاروان از روز یکشنبه تا پنجشنبه هفتم ذی حجه به مدت چهار روز در مکه توقف داشت بعد از ظهر همان روز که «یوم تروییه» نام دارد افراد در حالی که غسل کرده و لباس احرام بر تن پوشیده بودند، برای اعمال حج روانه سرزمین «مِنا» شدند، و پس از توقّفی در «مِنا» صبح روز نهم ذی حجه به بیابان عرفات وارد گردیدند (2)

### سخنرانی در عرفات

سخنرانی پیامبر صلی الله علیه و اله در عرفات یک منشور عمیق، اعتقادی، اخلاقی حقوقی و سیاسی، است که آن را شمرده شمرده ایراد می، فرمود گاهی توقّفی می، کرد و حتّی برای این که همه هزاران، مخاطب همه مطالب را بشنوند «ربیعة بن أمیة بن خلف» گفتار او را با را با صدای بلند و به طور شمرده برای دیگران تکرار می کرد

ص: 138

---

1- حیاة محمد ص 461 ناسخ التواریخ، ج 4، ص 15.

2- حیاة محمد ص 461 ناسخ التواریخ، ج 4، ص 19.

فرازهایی از آن خطابه مهم بدین ترتیب است:

ای مردم! به سخن من درست گوش فرا دهید، شاید بعد از، این در این مکان دیگر مرا نبینید و آخرین دیدار من با شما در این مکان باشد!

ای مردم! شما می دانید این، سرزمین این ماه و این روز همه، محترمند و خداوند هم جان و مال همگان را محترم شمرده و هیچ کس حق تجاوز به مال و جان کسی را ندارد

ای مردم! درباره رعایت حق زنان به شما سفارش می کنم آنان امانت های الهی در دست شما می باشند از آنان کام جویی کنید خداوند آنان را برای شما حلال، گردانیده و درباره لباس و خوراک و خوش رفتاری نسبت به آنان نباید هیچ گونه مسامحه ای داشته باشید.

ای مردم! مسلمان برادر مسلمان است و هرگز نباید دیگری درباره او غیبت و حيله و خیانت روا، دارد و بر جان و مال او تجاوز نماید

ای مردم! مبادا بعد از من راه کفر و گمراهی را پیش گیرید و به راه اختلاف و سرگردانی روی آورید زیرا من برای پس از خود، دو یادگار به جای می گذارم که اگر بدان پناه، برید هرگز گمراه نخواهید شد.

ص: 139

آن دو یادگار: کتاب، خداوند و عترت، من که اهل بیتم می باشند هستند. (1)

باری، سخنرانی پیامبر صلی الله علیه و اله در صحرای عرفات پایان یافت در طی آن دوازده بار اللهم اشدِّ هِدْ كَفْت و خداوند را در آن سرزمین مقدس به گواهی، خواند و در فاصله های، سخن که «ربیعہ» آن را جمله جمله به گوش افراد می رسانید در جواب رسول خدا صلی الله علیه و اله که می فرمود: أَلَا- هَلْ بَلَّغْتُ؟ آیا من رسالت خود را انجام دادم هزاران مرد و زن مسلمان حاضر در صحرای عرفات سخنان و انجام رسالت رسول خدا صلی الله علیه و اله را تأیید، کردند و پیامبر صلی الله علیه و اله هم سفارش می کرد این مطالب را افراد، حاضر وقتی به شهر و دیار خود برگشتند، به گوش دیگران هم برسانند (2)

## وداع با کعبه

پیامبر صلی الله علیه و اله در «مِنا» و پس از آن و پس از آن هم سخنرانی ها و مطالبی برای همراهان بیان داشته است اما چیزی که دل همراهان را غم آلود، ساخته آن جمله رسول خداست که: در این مکان دیگر مرا نخواهید دید! از سوی دیگر یک گروه چهارده نفری از کفار و منافقین هم در صدد قتل پیامبر صلی الله علیه و اله بر می آیند و می خواهند به وسیله آب مسموم،

ص: 140

---

1- تاریخ یعقوبی، ج 2، ص 112، ناسخ التواریخ، ج 4، ص 22.

2- تاریخ یعقوبی، ج 2، ص 112.

یا رم دادن شتر آن حضرت در کوه ها وجود نازنینش را از میان بردارند که با عنایت خداوند موفق نمی شوند (1)

به هر حال اعمال حج پایان می یابد و پس از چند روز پیامبر صلی الله علیه و اله و همراهان و همه، حاجیان مکه را ترک می گویند و راه وطن را پیش می گیرند.

در بازگشت در سر هر کسی سودائی، است، اما رسول خدا صلی الله علیه و اله به آینده می اندیشد او برای امت بسیار زحمت کشیده و شدیداً نگران آینده است. قرآن کریم مسئله دل سوزی و عشق و علاقه پیامبر اسلام صلی الله علیه و اله به امت مسلمان را با تعبیر: (عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَؤُفٌ رَحِيمٌ) (2) بیان فرموده است.

وجود رسول خدا صلی الله علیه و اله رحمت است ناراحتی آینده امت بر قلب او سنگینی می کند و برای نجات و آسایش امت، حرص شدید و تلاش فراوان دارد

رسول خدا صلی الله علیه و اله برای پس از خود و آینده اسلام عزیز نگران، است او هیچ گاه امت را بدون سرپرست نمی گذاشت در سال هفتم هجرت هم که برای شرکت در «جنگ خیبر» به طور موقت مدینه را ترک می گفت «سباع بن عرفطه غفاری» را جانشین خود قرار داد. (3) در

ص: 141

---

1- ناسخ التواریخ، ج 4، ص 32.

2- سوره توبه آیه 128

3- تاریخ پیامبر اسلام ص 500

سال نهم هجرت نیز وقتی برای «جنگ تبوک» رفت، علی علیه السلام را به جانشینی خود در مدینه برگزید. اما برگزید (1) اما پس از سفر ابدی و غیبت همیشگی خود برای امت اسلامی چه باید کرد؟

## بر کرانه غدیر

کاروان عظیم حجی که مکه را ترک گفته بود، به راه خود ادامه می‌دهد چند روزی راه را پشت سر گذاشته و آهنگ درای کاروان در فضا در هم می‌پیچید آفتاب چون آتش بر تخته سنگ‌ها و ماهورها می‌تابد و چهره‌های زنان و مردانی را که در رکاب پیامبر صلی الله علیه و آله حج گذارده اند و اکنون رنج سفر را بر خود هموار می‌کنند، می‌سوزاند.

باری، اصل مسئله جانشینی پیامبر صلی الله علیه و آله به عنوان استمرار، رسالت برای خود آن حضرت روشن، است زیرا خداوند از قبل تکلیف را مشخص کرده و آیه تبلیغ هم بدان گواهی می‌دهد، بلکه مشکل در شیوه و زمان تعیین موضوع جانشینی، است که ناگاه اطرافیان رسول خدا صلی الله علیه و آله مشاهده می‌کنند چهره او بر افروخته می‌شود، انقلاب روحی به او دست می‌دهد و عرق از پیشانی بلندش بر رخسار سرازیر می‌گردد

این جا سرزمین پهناور «جُحْفَه» است در بخشی از دامنه آن گودال بزرگ آبی قرار دارد که به آن «غدیر» گفته می‌شود نزدیک ظهر

ص: 142

روز هیجدهم ذیحجه سال دهم هجرت است و سابقه آثار و علائم، وحی که به پیامبر صلی الله علیه و آله که به پیامبر نازل می شد برای یاران و اطرافیان سابقه شناخته شده ای بود، به همین دلیل وقتی آن حالت را در وجود نازنین رسول گرامی اسلام مشاهده کردند با اشاره او شترش را خوابانیدند، نغمه آسمانی وحی سر رسیده است:

ای پیامبر! آن چه از خداوند بر تو نازل گردیده، ابلاغ کن، اگر چنین نکنی رسالت الهی را انجام نداده ای، نداده ای بیم نداشته، باش خداوند ترا از مردم حفظ می کند (1)

کاروان متوقف شد و در چه جای مناسبی به سر سه راهی مدینه و مصر و عراق اگر جای دیگری بود مصریان و عراقیان بی خبر جدا شدند، این جا «غدیر خم» است همگان از گودال آب وضو گرفتند و در آن دامنه پاک و صاف صحرا نماز ظهر را به امامت رسول خدا صلی الله علیه و آله به جای آوردند.

به دستور پیامبر صلی الله علیه و آله افرادی را که جلورفته بودند بازگردانند و دنبال روهای قافله هم سر رسیدند و توقف کردند، در دامنه غدیر جمعیت انبوهی تا یک صد و بیست هزار نفر گرد آمده است، پیامبر صلی الله علیه و آله می خواهد سخنرانی کند و پیام مهمی را ابلاغ نماید از جحاز شترها منبر بلندی، ساختند تا آن حضرت به آن جمعیت انبوه برای سخن گفتن

ص: 143



اشراف داشته باشد پیامبر بر بالای آن قرار گرفت و به ایراد سخنرانی پرداخت تقریباً مضمون سخنرانی «عرفات» تکرار شد و افرادی که در نقطه های مختلف آن دریای جمعیت زن و مرد مستقر شده بودند همه مطالب رسول خدا صلی الله علیه و آله را به گوش همگان می رساندند.

### جانشینی علی علیه السلام

پیامبر صلی الله علیه و اله حمد و ثنای الهی را انجام داد از حاضران برای رسالت و ولایت خویش اقرارهای متعدد، گرفت و آن گاه در حالی که علی علیه السلام را بر بالای منبر نزد خود یک پله پائین تر قرار داده بود، فرمود: ای مردم! آیا من نسبت به اهل، ایمان از خود آن ها ولایت بیش تری دارم؟ همگان فریاد برداشتند: همین طور است ای رسول خدا، آن گاه رسول خدا صلی الله علیه و اله ادامه داد: (مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَهَذَا عَلِيٌّ مَوْلَاهُ اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ وَعَادِ مَنْ عَادَاهُ) (1)

هر کس من مولای او هستم این علی علیه السلام هم مولای اوست خدایا! دوست بدار آن که علی علیه السلام را دوست بدارد و دشمن بدار آن کس که با علی علیه السلام در ستیزد.

سخنرانی رسول خدا صلی الله علیه و آله، که با فاصله و شمرده صورت می گرفت و احیاناً در میان آن افراد سؤال هایی هم می کردند حدود چهار ساعت طول کشید و افرادی که لب به «حجر الاسود» گذاشته و

ص: 144

---

1- تاریخ یعقوبی، ج 2، ص 112، ناسخ التواریخ، ج 4، ص 39، الغدیر، ج 1، ص 11

عموماً در زمزم حرم جان شسته و صفای «صفا» را به جان خریده بودند آن را استماع کردند!

در صحرای سوزان «غدیر» شور و حال بهشتی دست داده بود در «خیمه خلافت علی علیه السلام» که سه روز در آن سرزمین برافراشته بود، شکوه و جلال مقدسی موج می زد و هلهله شادی در فضا اوج می گرفت و افراد دسته دسته بدان وارد شدند و ضمن تبریک دست علی علیه السلام به بیعت می فشردند. (1)

از افراد سرشناسی که جلوتر از دیگران تبریک گفتند و بیعت کردند: عبدالله قُحافه (ابوبکر)، عمر بن خطاب، طلحة بن عبدالله زبیر بن عوام و عبدالله بن عباس را می توان نام برد، که ابوبکر و عمر در حالی که دست علی علیه السلام را در دست گرفته بودند می گفتند: به به ای پسر ابوطالب به تو تبریک می گوئیم که مولای هر مرد و زن مسلمان شده ای. (2)

ص: 145

---

1- ناسخ التواریخ، ج 4، ص 47، الغدیر، ج 1، ص 11.

2- الغدیر، ج 1، ص 11.

رسانیدم و نعمت خویش را بر شما تمام کردم و اسلام را به عنوان بهترین آئین برگزیدم (1)

سرانجام کاروان عظیم یک صد و بیست و چهار هزار نفری، که مدت سه شبانه روز در «غدیر خم» توقف نموده بود، پس از آن که به نعمت ولایت و امامت دست یافت به صورت گروه های مختلف راهی دیار خود گردیدند، و بعد هم رسول خدا صلی الله علیه و آله با یک دنیا شادی فریاد برداشته است: (يَوْمَ غَدِيرِ حُجْمٍ أَفْضَلُ أَعْيَادِ أُمَّتِي...) (2)

روز غدیر خم از بهترین عیدهای امت من است.

ص: 146

---

1- سوره مائده، آیه 3

2- الغدیر، ج 1، ص 283



آئین مقدس اسلام، بر اساس صریح آیات قرآن و متون حدیثی، یک آئین جهانی، است پیامبر عالی قدر، اسلام برای هدایت و رهبری همه انسان ها مبعوث گردیده، و امام صادق علیه السلام نیز پس از آن که «جهان شمولی» اسلام را بیان می دارد می فرماید: مگر نمی بینید خداوند متعال در کتاب محکم خود فرموده: ای پیامبر! ما ترا برای پیشوایی همه انسان ها مبعوث داشته ایم (2) روی این حساب، پیامبر صلی الله علیه و آله پیشوا و مقتدای همه انسان ها در شرق و غرب جهان خواهد بود. (3)

این پیامبر بزرگ مدت 23 سال در مکه و مدینه ادای رسالت کرد برای دفاع از کیان مکتب خویش در برابر توطئه های تهاجم آمیز

ص: 148

---

1- در پایان کتاب «امام حسین علیه السلام و عاشورائیان» نیز به مناسبت 28 صفر سال 11، هجرت موضوع رحلت جان سوز پیامبر صلی الله علیه و آله را به طور خلاصه مطرح کرده ایم.

2- سوره سباء آیه 28

3- بحار الانوار، ج 18، ص 188

مشرکان و کافران و منافقان حدود 90 جنگ که خود، در 28 مورد فرماندهی می کرد (1) و بین 35 تا 61 جنگ که خود فرمانده نظامی برگزیده بود و در جبهه حضور نداشت انجام داد (2) که معروف ترین جنگ هایی که خود در آن حضور داشت «جنگ بدر» در 17 رمضان سال دوم هجرت «جنگ احد» شنبه هفتم شوال سال سوم هجرت، احزاب یا «خندق» شوال سال پنجم هجرت «خیبر» در محرم سال هفتم هجرت، «فتح مکه» بیستم رمضان سال هشتم (3) هجرت و جنگ «تبوک» در ماه رجب سال نهم هجرت بوده است. (4)

## سفیران و نامه ها

از سال ششم هجرت که با وقوع جنگ هایی اصولاً دفاعی تا حدی موانع و توطئه های بازدارنده از سر راه پیشرفت اسلام بر طرف شد و زمینه نفوذ این آئین جهانی برای گسترش بر بخش زیادی از جهان فراهم گردید، پیامبر عالی قدر اسلام برای بسیاری از پادشاهان و سردمداران و رؤسای قبایل در شرق و غرب سفیرانی اعزام داشت و آنان را به پذیرش اسلام، فراخواند که تعداد نامه های آن حضرت را

ص: 149

---

1- مروج الذهب، ج 2، ص 281 - 282

2- همان.

3- بحار الانوار، ج 21، ص 111

4- تاریخ پیامبر اسلام 618

برخی 12 مورد (1) بعضی 26 مورد (2) بعضی هم بیش از این ها دانسته اند (3) که از باب نمونه تعدادی از سفیران و نامه های آن حضرت را بدین شرح می توان نام برد:

- 1- نامه به «هِرَقِل» پادشاه «روم» به وسیله «دحیة بن خلیفة کلبی» (4)
- 2- نامه به «خسرو پرویز» پادشاه، ایران به وسیله «عبدالله بن حذاقه سهمی» (5)
- 3- نامه به «نجاشی» پادشاه «حبشه» به وسیله «عمرو بن امیة صَمْری» (6)
- 4- نامه به «مُقوقس» پادشاه «اسکندریه» به وسیله «حاطب بن ابی بلتعه» (7)
- 5- نامه به «حارث بن عبد کلال حَمیری» پادشاه «یمن» به وسیله «مهاجر بن ابی امیة مخزومی» (8)
- 6- نامه به پادشاه «بحرین» به وسیله «عمرو بن عاص سهمی» (9)

ص: 150

- 
- 1- تاریخ، یعقوبی، ج 2، ص 78.
  - 2- تاریخ پیامبر اسلام، ص 418
  - 3- تاریخ یعقوبی، ج 2، ص 77-78، بحار الانوار، ج 20، ص 377-397
  - 4- همان
  - 5- همان
  - 6- همان
  - 7- همان
  - 8- همان
  - 9- همان

اخلاق پیامبر صلی الله علیه و آله و جاذبه اسلام و برخوردهای سفیران رسول خدا صلی الله علیه و آله و عظمت آئین مقدس، اسلام که بر اساس اصول انسانی و روابط معنوی استوار گردیده بود همان طور که در بالا خواندیم موجب، گردید که بسیاری از پادشاهان کشورها و رؤسای قبایل و ممالک به آغوش پر مهر اسلام روی آورند، و از سال پنجم، هشتم نهم و دهم، بخصوص در سال نهم به اعتراف «یعقوبی» سی و پنج هیأت از سوی پادشاهان و رؤسای قبایل به حضور پیامبر صلی الله علیه و آله رسیدند. (1)

این، هیأت ها از سه نفر و بیشتر تشکیل می شدند، هر کدام رییس و سخنگویی داشتند هدیه هایی برای رسول خدا صلی الله علیه و آله آورده، و مراتب اطاعت و پیروی از اسلام و پیامبر صلی الله علیه و آله وفاداری خود و ملت های متبوع خود را به آن حضرت اعلام می. داشتند

در مورد برخی از گروه های اعزامی، هم مثل هیأت «بنی اسد» که بر اساس ذهنیت های دنیایی اسلام آوردن خود را برای پیامبر صلی الله علیه و آله لحن منت آمیزی بیان می داشتند آیه قرآن نازل شد ای پیامبر! بر تو منت می گذارند که مسلمان شده اند بگو مسلمان شدن خود را بر من

ص: 151



مَنْت مگذارید بلکه خداوند بر شما مانت می گذارد که شما را به سوی ایمان هدایت کرد. (1)

بعضی از هیأت ها هم از پیامبر صلی الله علیه و اله تقاضای دعا می کردند، گاهی هم رسول خدا صلی الله علیه و اله به برخی هدیه هایی می داد و بالاخره رسول گرامی، اسلام برای آنان مسایل اعتقادی و احکام دین و موازین اخلاقی و حقوقی و تربیتی و اجتماعی اسلام را بیان می داشت و آنان هدایت یافته و خوشحال به قوم و قبیله و شهر و دیار خویش برگشتند تا آموخته ها و دانایی ها و شرایط وفاداری به اسلام و پیامبر صلی الله علیه و اله را برای یاران و قبایل خویش اعلام دارند و آنان را با مسائل و موازین اسلام آشنا گردانند

## دو سال قبل از وفات

در سال هشتم هجرت «فتح مکه» واقع شد و بدین مناسبت سوره «فتح» و «نصر» نازل گردید و اسلام و پیامبر صلی الله علیه و اله اوج و عظمت تازه ای یافتند، پس از «فتح مکه» رسول خدا صلی الله علیه و اله از مردها بیعت گرفت و آن گاه زنان به عنوان بخشی از انسان های جامعه اسلامی آماده شدند تا با آن حضرت بیعت کنند.

بیعت زنان بدین ترتیب صورت گرفت که رسول خدا صلی الله علیه و اله دستور داد، ظرف بزرگ آبی در مجلس قرار دهند، او دست خویش را

ص: 152

در آن ظرف آب فرو برد و غیر از بانوانی که با رسول خدا صلی الله علیه و آله محرم بودند سایر زنان دست خود را در ظرف آبی که دست پیامبر صلی الله علیه و آله در آن قرار داشت فرو می بردند، یا این که از پشت پرده ای با آن حضرت بیعت و پیمان اطاعت انجام می دادند که بر اساس آن برای خداوند شریک قرار ندهند مرتکب سرقت عمل منافی عفت تهمت و افترا به یک دیگر فرزند کشی و هیچ گونه گناه و خلاف کاری نشوند. (1)

وقتی سوره «فتح» نازل شد رسول خدا صلی الله علیه و آله آن را برای اصحاب تلاوت کرد و آنان از محتوای این سوره خوشحال شدند اما «عباس» عموی پیامبر صلی الله علیه و آله وقتی از محتوای سوره با خبر شد گریه کرد!

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: ای عموی بزرگوار! چه چیزی تو را به گریه وا داشت؟

عباس گفت: از این سوره بوی وفات شما استشمام می شود!

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: همان طور است که تو می گویی، اما آن حضرت دو سال دیگر زندگی کرد و در این مدت خندان و خوشحال دیده نشد، به همین دلیل این سوره «سوره وداع» نامیده شده است. (2)

هم چنین «ابن عباس» روایت می کند: وقتی «سوره نصر» نازل شد به من الهامی شد که در این سال رسول خدا صلی الله علیه و آله وفات خواهد

ص: 153

---

1- سوره ممتحنه، آیه 12

2- بحار الانوار، ج 21، ص 100، مجمع البیان، ج 10، ص 554 تفسیر منهج الصادقین، ج 10، ص 381

یافت اما درباره این که وی این مطلب را چگونه کشف کرده؟ اختلاف نظر به وجود آمده در جواب گفته شده: رسول خدا صلی الله علیه و اله فرموده: علم و دانش زیادی به این جوان عطا شده

اضافه بر این، این سوره، این این سوره با حمد ستایش و استغفار پایان می پذیرد دعوت پیامبر صلی الله علیه و اله و حیات، دین کمال می یابد، و در چنین وقتی باید مرگ را چشید و به ملاقات خداوند رفت چنان که سایر پیامبران علیهم السلام نیز چنین وضعی را داشتند و هر کمالی هم زوال به دنبال خواهد داشت!

امام علی علیه السلام هم فرموده است:

إِذَا تَمَّ أَمْرٌ دُنِيَ نَقْصُهُ \*\*\* تَوَقَّعْ زَوَالًا إِذَا قِيلَ تَمَّ (1)

آن گاه که کاری کامل شد نقص آن نزدیک می، گردد و آن گاه که گفته شد: کاری تمام شده منتظر زوال و از دست رفتن آن باش.

حسین بن معین الدین میبیدی شاعر قرن نهم هجری این شعر را به پارسی این گونه سروده است:

هر چیز که شد تمام نقصان یابد \*\*\* آری ز پی لطف خدا قهری هست! (2)

## وصیت

سال دهم هجرت فرا رسیده است در آن سال رسول خدا صلی الله علیه و اله در حالی که بیش از صد هزار مسلمان مدینه و سایر نقاط را همراه

ص: 154

1- بحار الانوار، ج 21، ص 100، مجمع البیان، ج 10، ص 554 تفسیر منهج الصادقین، ج 10، ص 381

2- دیوان امیرالمومنین علی بن ابیطالب علیه السلام ص، 400، ترجمه مرحوم استاد مصطفی زمانی

داشت «حجّ وداع» یعنی آخرین حجّ خود را انجام داد، در سرزمین «منا» خطاب های ایراد کرد و در، آن مجموعه عمیقی از مسایل و حقوق اخلاقی و انسانی اسلام را برای حاجیان بیان داشت آنان را از خطر انحراف بیم داد اضافه نمود: من دو چیز را در میان شما به یادگار گذاشتم که اگر بدان چنگ زنید هرگز گمراه نخواهید شد آنان: قرآن کتاب خداوند و عترت من از اهل بیت من می باشند. (1)

پیامبر صلی الله علیه و اله در این، خطابه مهم ترین محور وصیت خویش را که مسئله حیاتی جانشینی و پیشوایی بعد از اوست، به طور کلی و سر بسته بیان داشته است اما مصداق اهل بیت و عترت علیهم السلام و کسی که لیاقت این منصب الهی را می تواند عهده دار گردد چه کسی می تواند باشد؟

آن طور که متون مختلف تاریخی مسلمانان گواهی می دهد، و در فصل پیش نیز شرح دادیم مسئله وصایت و جانشینی از آغاز رسالت مورد توجه دقیق آن حضرت بوده است.

«محمد بن جریر طبری» مورخ معروف قرن چهارم هجری می نویسد: وقتی آیه (وَأَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ) (2) بر پیامبر صلی الله علیه و اله نازل شد و آن حضرت مأمور گردید و قوم و خویشان خود را به اسلام

ص: 155

---

1- تاریخ یعقوبی، ج 2، ص 112، صحیح مسلم، ج 5، ص 206

2- سوره شعراء، آیه 214

فراخواند، «بنی عبدالمطلب» را که چهل مرد بودند، به خانه یکی از افراد «بنی هاشم» دعوت کرد گوسفندی ذبح نمود و به آنان غذا داد، آن گاه رسالت خویش را مطرح نمود و اضافه کرد: هر کس در این جهت مرا یاری، کند او، برادر وصی و خلیفه من در میان شما خواهد بود. در آن حال علی علیه السلام که از همه جوان تر بود، یاری و حمایت خویش را اعلام داشت و پیامبر صلی الله علیه و اله هم فرمود: (إِنَّ هَذَا أَخِي وَوَصِيِّي وَخَلِيفَتِي فَيَكُمُ فَاسْمَعُوا لَهُ وَاطِيعُوا....) (1)

در جریان «جنگ تبوک» که به خاطر توطئه های منافقان اوضاع مدینه بحرانی بود، رسول خدا صلی الله علیه و اله علی علیه السلام را در مدینه جانشین خود قرار داد، و خود با سپاه اسلام به سوی جبهه جنگ حرکت کرد اما شایعه پراکنی های منافقان علی علیه السلام را ناچار گردانید که خود را به پیامبر صلی الله علیه و اله که مقداری از مدینه فاصله گرفته بود، برساند و موضوع را با آن حضرت مطرح کند رسول خدا صلی الله علیه و اله برای تأیید عظمت علی علیه السلام فرمود: (أَمَا تَرْضَى أَنْ تَكُونَ أَخِي وَأَنَا أَخُوكَ بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى إِلَّا أَنَّهُ لَا نَبِيَّ بَعْدِي وَأَنْتَ خَلِيفَتِي فِي أُمَّتِي وَأَنْتَ وَزِيرِي وَأَخِي فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ فَرَجَعَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِلَى الْمَدِينَةِ). (2)

ص: 156

---

1- تاریخ الامم والملوک، ج 2، ص 217، کنز العمال، ج 11، ص 600

2- بحار الانوار، ج 21 ص 214، فضائل الخمسه، ج 1، ص 209 صحیح مسلم، ج 5، ص 23

آیا به این خرسند، نیستی که برادر من هستی و من هم برادر تو ال می باشم همان طور که «هارون» برادر «موسی علیه السلام» بود؟ با این تفاوت که پس از من پیامبری نخواهد آمد اما تو جانشین من در امت من وزیر و برادر من در دنیا و آخرت می باشی؟ آن گاه علی علیه السلام به مدینه بازگشت.

در مناسبت های مختلف میدان جنگ و جاهای دیگر نیز پیامبر اسلام از میان صدها صحابی و یار پیر و جوان، فقط درباره علی علیه السلام فرموده است: (عَلِيُّ مَعَ الْحَقِّ وَالْحَقُّ مَعَ عَلِيٍّ وَلَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ). (1)

علی علیه السلام با حق است و حق هم همراه علی علیه السلام خواهد بود و این دو هرگز از هم جدا نمی شوند تا این که در روز قیامت در کنار «حوض کوثر» بر من وارد شوند.

در هیجدهم ماه ذیحجه سال دهم هجرت که رسول خدا صلی الله علیه و اله و هزاران زائر مکه از حج بر می گشتند به مناسبت نزول آیه (یا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ... (2)

پیامبر بزرگوار، اسلام خطبه معروف «غدیر» را ایراد کرد و در ضمن آن فرمود: (مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ، فَعَلَيْ مَوْلَاهُ، اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ وَ عَادِ مَنْ عَادَاهُ) (3)

ص: 157

---

1- تاریخ، بغداد ج 14، ص 321 فضائل الخمسه، ج 2، ص 109

2- سوره مائده آیه 67

3- کنز العمال، ج 11، ص 602 حیاة محمد ص، 464 تاریخ اليعقوبی، ج 2، ص 112.

هر کس من مولای او هستم علی علیه السلام نیز مولای او خواهد بود، خدایا! دوست بدار کسی را که علی علیه السلام را دوست بدارد و ولایت او را بپذیرد و دشمن بدار کسی را که با علی علیه السلام از راه عداوت و مخالفت وارد شود.

## در بستر بیماری

آن طور که از روایات تاریخی به دست می آید رسول خدا صلی الله علیه و اله به خاطر خوردن گوشت، مسموم به وسیله یک زن یهودی مسموم شده (1) و فقیه بزرگ «شیخ طوسی» بر این عقیده است، که آن حضرت مسموم و شهید از دنیا رفته است. (2)

به هر حال پیامبر عالی قدر اسلام یا به خاطر مسمومیت، یا به خاطر کهولت سن و بیماری طبیعی در بستر قرار گرفته بود «أُمِّ سَلْمَه» همسر آن حضرت می گوید: رسول خدا صلی الله علیه و اله در بستر بیماری ای که به وفات او انجامید قرار داشت اتاق از اصحاب او انباشته بود که وی لب به سخن گشود و فرمود: ای مردم! من به زودی از میان شما می روم، من از قبل زحمات شما را پاس داشته ام این را هم بدانید که من کتاب خداوند متعال و عترت خویش را در میان شما به یادگار می گذارم، آن گاه دست علی علیه السلام را در دست خود گرفت و فرمود:

ص: 158

---

1- بحار الانوار، ج 22، ص 516

2- تهذیب الاحکام، ج 6، ص 3، بحار الانوار، ج 22، ص 514

این علی علیه السلام با قرآن است و قرآن هم با علی علیه السلام خواهد بود، اینان دو یادگار و پشتیبان من هستند و هرگز از هم جدا نمی شوند تا این که کنار حوض کوثر بر من وارد شوند آن گاه من از شما سؤال می کنم، با آنان چگونه رفتار کردید (1)

این مطلب را که پیامبر صلی الله علیه و اله فرموده: در کنار حوض کوثر درباره «تقلین» از شما سؤال می کنم. «یعقوبی» هم روایت کرده است (2) بعد بر اساس گفتار «علامه مجلسی» رسول خدا صلی الله علیه و اله در بستر، بیماری در میان اصحاب و یاران خویش آن چه را در «غدیر خم» گفته بود، مورد تأکید قرار می دهد عظمت علی علیه السلام را تبیین می دارد مردم را از انحراف و گمراهی بیم می دهد به اتفاق و اتحاد دعوت می کند اخوت و وصایت علی علیه السلام را متذکر می گردد و می گوید: همان طور که علی علیه السلام برای نزول قرآن شمشیر زد برای تأویل و تفسیر آن هم شمشیر می زند سپس در حالی که زنان و فرزندان و زنان مسلمانان و تعدادی از یاران در کنار بستر او حضور داشتند، نگاهی به آنان افکند و ادامه داد: دوات و کتف گوسفندی، بیاورید تا برای شما چیزی را بنویسم که تکلیف شما مشخص تر باشد و هرگز گمراه نشوید که برخی مانع این کار می شوند! (3) آن گاه رسول خدا صلی الله علیه و اله دستور داد

ص: 159

---

1- بحار الانوار، ج 22، ص 476 کشف الغمه، ص 43، کنز العمال، ج 11، ص 603

2- تاریخ یعقوبی، ج 2، ص 112.

3- حیاة محمد ص 474



افراد خارج شوند اما عمومی او عباس فضل بن عباس و علی بن ابی طالب علیه السلام باقی، ماندند و حضرت سفارش هایی را به آنان نمود و فرمود: پس از من شما مورد ظلم و حق کشی واقع خواهید شد... (1)

ملاحظه کنید رسول گرامی اسلام در بستر بیماری قرار دارد، از آغاز رسالت خویش که مدت آن 23 سال طول کشیده، مسئله حیاتی خلافت و جانشینی خود را در مناسبت های مختلف مطرح کرده است. تا اعلم، ازهد، آنقی و أشجع یاران وی این رسالت را با عنوان «امامت» و «خلافت» استمرار بخشید. او بارها علی علیه السلام را همراه قرآن و حقّ، شمرده تا امت دست در دامان او زند و از گمراهی مصون ماند اما اکنون در عین حالی که سلمان ها، ابو ذرها عمار یاسرها ابن عباس ها و بلال ها و صدها نفر از این گونه یاران مؤمن و عادل و مجاهد حضور دارند شرایط اجتماعی چنان آشفته می، گردد، معیارها درهم می ریزد، اخوت ها در هم می شکنند پیمان ها گسیخته می شود، که پیام آور وحی، الهی در 63 سالگی با آن همه عظمت و قداست از نوشتن آخرین کلام تعیین کننده، خویش محروم می ماند، و آب از جویبار به سنگلاخ روانه می، گردد و امت اسلام برای همیشه در سوک و ماتم جانکاه قرار می گیرد

ص: 160

حوادث تلخ پیش آمده در آن چند روز، قهراً بیماری وجود نازنین رسول خدا صلی الله علیه و آله را شدت بخشیده و آن حضرت را در شرایط نامساعدی قرار داده است بخصوص اگر از تحرکات و رفت و آمدهای مرموز در سطح شهر مطلع شده باشد!

درباره یکی از مسائل حادّ آن، روزها یعنی ترتیب دادن سپاهی از سوی پیامبر صلی الله علیه و آله برای اعزام به شام و «فلسطین» به فرماندهی «أسامة بن زید بن حارثه» مورّخینی مثل، یعقوبی ابن هشام و طبری اظهار نظر کرده و مطالبی را آورده اند (1) اما متأسفانه از فلسفه این اقدام رسول خدا صلی الله علیه و آله که غیر از دفع دشمن خارجی، و پیشگیری از حوادث ناروای داخلی نیز بوده آنان اظهار نظری نکرده، یا به تعبیری تاریخ را تقطیع کرده اند!

ولی خوشبختانه در تواریخ شیعه مسائل حول و حوش و قبل از وفات رسول خدا صلی الله علیه و آله را که با گفتار و رفتار آن حضرت بر طبق منابع اهل سنت نیز در سایر موارد مطابقت دارد، می خوانیم: در حالی که پیامبر صلی الله علیه و آله از وضع موجود و اوضاع پس از وفات خود برای امت سخت نگران بود به «بلال» مؤذّن خود دستور داد، وی اعلام کند

ص: 161

---

1- تاریخ یعقوبی، ج 2، ص 113 السیرة النبویه، ج 4، ص 253 تاریخ الامم و الملوک، ج 2، جزء 3 ص 188

مردم در مسجد حضور یابند آن گاه رسول خدا صلی الله علیه و اله در حالی که از بیماری رنج می برد عمامه خود را به سر، پیچید کمان تیر خویش را به عنوان عصا به دست، گرفت از سمت راست به امیر المومنین علیه السلام و از جانب چپ به «فضل بن عباس» تکیه کرد و به مسجد وارد شد (1) با همان وضع خود را به منبر رسانید و بر فراز منبر قرار گرفت، و پس از حمد و ستایش خداوند با مردم این گونه به سخن پرداخت:

ای اصحاب و یاران! من برای شما چگونه پیامبری بودم؟ آیا در مقابل چشم شما برای به وجود آوردن اسلام جهاد نکردم؟ آیا در این راه دندان های من نشکست؟ و صورتم خاک آلود نگردید؟ آیا برای احیای اسلام صورت من مجروح نشد؟ و خون آن تا روی محاسنم را نگرفت؟ آیا برای پیشرفت اسلام از افراد جاهل قوم خویش حيله گری و خشونت نکشیدم؟ آیا در روزگار قحطی برای تسکین گرسنگی سنگ به شکم خود نیستم؟

در برابر این سؤال، ها اصحاب و افراد حاضر همه زحمات و مجاهدت های پیامبر صلی الله علیه و اله را تأیید کردند و گفتند: ای رسول خدا صلی الله علیه و اله! به راستی تو در راه خداوند استقامت زیادی ورزیدی و برای رفع خلافتکاری، ها صدمه های فراوان دیدی، خداوند بهترین پاداش ها را به تو عنایت فرماید. (2)

ص: 162

---

1- حیاة محمد ص 476

2- بحار الانوار ج، 22، ص، 508 کحل البصر، ص 123.

رسول خدا صلی الله علیه و اله پس از اعتراف و دعای یاران برای آنان دعای خیر کرد و از خداوند برای آنان پاداش نیک خواست و ادامه داد: پروردگار من دستوری داده و به خداوند سوگند بر اساس آن دستور او از ظلم هیچ ظالمی صرف نظر نخواهد کرد بنابراین شما را به خداوند سوگند می دهم هر کس از جانب من ستمی دیده، هم اکنون بر خیزد و قصاص، کند زیرا قصاص در دنیا برای من محبوب تر خواهد بود از این که در قیامت و در حضور پیامبران و فرشتگان و عموم مردم قصاص شوم!

در آن حال از آخر، جمعیت مردی که نام او «سواده بن قیس» بود، از جا حرکت کرد و گفت: ای رسول خدا صلی الله علیه و اله! پدر و مادرم به قربانت باد وقتی از «طائف» باز می گشتی و بر شتر «غضباء» سوار بودی من به استقبال تو، آمدم در آن حال با عصای «ممشوق» که به دست داشتی می خواستی به شتر خود به زنی امّا عصابه شکم اصابت، کرد نمی دانم این ضربه از روی قصد صورت گرفته یا اشتباهی رخ داده است!

رسول خدا صلی الله علیه و اله فرمود: به خدا پناه پناه میبرم که این کار از روی قصد صورت گرفته باشد سپس فرمود: ای بلال! هر چه زودتر به خانه فاطمه علیها السلام رفته و عصای «ممشوق» را بیاور

بلال در حالی که به خانه فاطمه علیها السلام می رفت فریاد میزد: ای مردم! آیا کسی را سراغ دارید که قبل از قیامت علیه خود قصاص کند؟ او محمد صلی الله علیه و اله است. آن گاه به خانه فاطمه علیها السلام وارد شد و در حالی که با ناباوری آن حضرت مواجه گردیده بود، و آن بانوی بزرگ از «داستان عصا» اندوهناک شده بود، ناله هایی هم سر می داد «بلال» عصا را به مسجد آورد و برای اجرای قصاص به رسول خدا صلی الله علیه و اله تحویل داد.

رسول خدا صلی الله علیه و اله «سواده» را فراخواند تا قصاص کند و رضایت او جلب، گردد سواده هم در حالی که با قربانت تعبیر «پدر و مادرم باد» پاسخ می داد خود را به رسول خدا صلی الله علیه و اله رسانید، و در برابر چشم های اشک آلود جمعیت گفت: ای رسول خدا صلی الله علیه و اله پیراهن خود را بالا، بزن آن گاه اضافه کرد: ای رسول خدا صلی الله علیه و اله! آیا اجازه می دهی لب های خود را روی شکم تو بگذارم؟

رسول خدا صلی الله علیه و اله فرمود: مانعی ندارد

سواده در مقابل چشم های گریان جمعیت، شکم پیامبر صلی الله علیه و اله را بوسید و گفت: می خواستم بدین وسیله لب های خویش را از آتش دوزخ حفظ گردانم

در عین حال، رسول خدا صلی الله علیه و اله اضافه کرد: ای سواده! آیا گذشت، کردی یا قصاص می کنی؟ سواده گفت: ای رسول خدا صلی الله علیه و اله گذشت کردم

آن گاه رسول خدا صلی الله علیه و آله که این عمل را در عین حالی که ضربه او عمدی نبوده و صرفاً به خاطر آموزش دیگران انجام داده بود، گفت: پروردگارا! از گناهان «سواده» در گذر همان طور که او پیامبر تو را مورد عفو قرار داد بعد آن حضرت برای مردم نماز جماعت سریعی خواند و سپس به خانه «أُمِّ سَلْمَةَ» همسر خویش وارد شد. (1)

اما در آن، روزها با بیماری، شدید چیزی که بسیار پیامبر صلی الله علیه و آله را رنج می داد و بارها روی آن تأکید داشت، موضوع تخلف یاران از حرکت با سپاه اسامه» و عدم حضور آنان در جبهه جنگ بود تا آن حضرت با عدم حضور برخی در مدینه بتواند مسئله حیاتی جانشینی خود را بهتر تحقق بخشد چنان که بارها در حضور «عباس» و «فضل بن عباس» علی ابن ابیطالب علی علیه السلام را به سینه می چسباند و می فرمود:

(إِنَّ أَخِي وَوَزِيرِي وَ خَلِيفَتِي فِي أَهْلِي عَلِيٌّ بِنُ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ) (2)

به، راستی، برادر، وزیر و خلیفه من از اهل بیتم علی بن ابی طالب علیه السلام است.

## غسل و نماز

طبق معروف ترین روایات رسول گرامی، اسلام قبل از غروب آفتاب روز دوشنبه بیست و هشتم ماه صفر سال یازدهم هجرت (3) در حالی که

ص: 165

---

1- بحار الانوار، ج 22، ص 509

2- کحل البصر، ص 131

3- بحار الانوار، ج 22، ص 514 تاریخ الامم و الملوک، ج 2، جز 3، ص 177، شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج 10، ص 184

63 سال از عمر مبارک او می گذشت (1) و سرش روی سینه علی علیه السلام بود (2) با یک دنیا عزّت و عظمت چشم از جهان فرو بست. (3)

علی بن ابی طالب علیه السلام بر اساس وصیّت رسول خدا صلی الله علیه و اله در حالی که «فضل بن عباس» آب روی دست او می ریخت با حضور سلمان و عباس بن عبدالمطلب، رسول خدا صلی الله علیه و اله را غسل داد در سه پارچه کفن نمود، نخست با حسن، حسین فاطمه علیها السلام، سلمان، ابوذر و مقداد بر آن حضرت نماز خواند. (4) بعد ده نفر از مهاجرین و ده نفر از انصار بر آن حضرت نماز خواندند و سپس همه انصار و مهاجرین و سایر مسلمانان ده نفر به نوبت وارد می شدند و بر پیکر نازنین نبی گرامی اسلام نماز می خواندند.

این مراسم سه روز ادامه داشت و سرانجام طبق وصیّت رسول خدا صلی الله علیه و اله در خانه خود آن حضرت قبری تهیه گردید، «ابوطلحه انصاری» لحد را تنظیم کرد، آن گاه علی علیه السلام داخل قبر گردید و، چهارشنبه سه روز پس از رحلت بدن مقدس رسول خدا صلی الله علیه و اله را به آغوش خاک مدینه سپردند (5)

ص: 166

- 
- 1- اصول کافی، ج 1، ص 439، مروج الذهب، ج 2، ص 284، بحار الانوار، ج 22، ص 514 و 519
  - 2- شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج 10، ص 179 نهج البلاغه دکتر صبحی صالح، ص 311، خ 197.
  - 3- بحار الانوار، ج 22، ص 521
  - 4- بحار الانوار، ج 22، ص 506 و 519 و 523
  - 5- اصول، کافی، ج 1، ص 450، بحار الانوار، ج 22، ص 516

امام باقر علیه السلام روایت کرده است: وقتی رسول خدا صلی الله علیه و اله درگذشت آل محمد صلی الله علیه و اله شب درازی را سپری کردند تا جایی که آسمانی که بالای سر آن ها و زمینی را که زیر پای آن ها بود فراموش کردند زیرا آنان کسی را از دست داده بودند که خویش و بیگانه را در راه خداوند متحد ساخت در آن حال کسی بر آنان وارد شد که او را نمی دیدند اما گفتارش را می شنیدند که می گفت: رحمت و درود خداوند بر خاندان شما باد در پرتو عنایت خداوند هر مصیبتی برای شما آسان می گردد و راه رهایی خواهید داشت و هر چیزی هم از دست رفته جبران می گردد «هر کسی هم مزه مرگ را می ، چشد و در روز قیامت هم پاداش شما پرداخت خواهد شد هر کس را از دوزخ کنار ببرند و به بهشت در آورند سعادت مند دنیا و آخرت خواهد بود». (1)

آری خداوند خاندان شما را برگزیده برتری بخشیده، پاکیزه گردانیده و شما را از خانواده پیامبر صلی الله علیه و اله قرار داده علم و کتاب او را به شما میراث داده شما را کانون علم و عصای عزت پیامبر صلی الله علیه و اله قرار داده شما را نمونه نور خویش، نموده از لغزش و فتنه ها مصون شما با دلداری خداوند تسلیت می یابید زیرا خدا رحمت داشته پس خویش را از شما باز نگرفته و نعمت خود را هم زایل ننموده است.

ص: 167



آری شما اهل الله، هستید به برکت شما نعمت کامل گشته و پراکندگی ها جمع شده و اتحاد کلمه به وجود آمده شما اولیای، خدایید هر کس از شما پیروی کند کامیاب می گردد و هر کس به حقّ شما ستم کند هلاکت می یابد دوستی شما از جانب خداوند در قرآن کریم بر بندگان مؤمن واجب، گردیده، علاوه بر این خداوند هر گاه اراده، فرماید برای یاری شما توانمند خواهد بود پس شما هم برای حسن عاقبت کارها شکیبا باشید زیرا سرانجام کارها به عهده خداوند خواهد بود خدا شما را به عنوان امانت از پیامبرش پذیرفته و به اولیای مؤمن خود که در روی زمین زندگی می کنند سپرده است، هر کس امانت خود را بپردازد خداوند پاداش راستی و درستی او را خواهد، داد شما آن امانت سپرده شده هستید و اطاعت مردم، هم نسبت به شما واجب خواهد بود... (1)

## آخرین سخن

پیامبر صلی الله علیه و آله هفتاد روز پس از نزول آیه، (الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ...) (2) که در «غدیر خم» واقع شد و مسئله جانشینی آن حضرت را روشن، کرد وفات، نمود اما قبل از وفات و در مراحل مختلف که وصایت علی علیه السلام را تبیین می کرد او را دلداری می داد که پس از من

ص: 168

---

1- اصول، کافی، ج 1، ص 446، بحار الانوار، ج 22، ص 537

2- سوره مائده آیه 3

کینه ها علیه تو آشکار می گردد و حقّ ترا غصب می کنند! فاطمه علیها السلام هم که از این پیش آمد سخت اندوهناک می شد و اشک می ریخت رسول خدا صلی الله علیه و اله او را مژده می داد که اولین کس از خاندان او که به رسول خدا صلی الله علیه و اله ملحق خواهد شد، فاطمه علیها السلام است. (1)

اما به هر حال باید بدانیم پیامبر بزرگوار اسلام صلی الله علیه و اله در روزهای قبل از وفات و حتی در مراحل قبل از آن برای آینده امت و جامعه اسلامی نو بنیاد و آینده، آن نگرانی های زیادی داشته است. به همین دلیل بارها در خطبه ها و در حضور افراد مختلفی می فرمود: من به زودی دعوت حق را باید پاسخ دهم و از این جهان رخت بر می بندم اما دو چیز گران قیمت را در میان شما به یادگار می گذارم: اول «کتاب خدا» است که در آن هدایت و نورانیت قرار دارد که باید آن را بگیرید و بدان متصل باشید دوم: «اهل بیت من» هستند که درباره گاه خدا را فراموش نکنید بلکه درباره آنان خدا را در نظر آنان هیچ داشته باشید و موضوع سفارش اهل بیت علیه را سه بار تکرار کرد. (2)

در روزهای آخر عمر هم که اتاق آن حضرت انباشته از جمعیت بود فرمود: (يَا بَنِي هَاشِمٍ! يَا مَعْشَرَ الْمُسْلِمِينَ! لَا تُخَالِفُوا عَلِيًّا فَتَضَلُّوا...) (3)

ص: 169

---

1- بحار الانوار، ج 22، ص 536

2- صحیح مسلم، ج 5، ص 26، فضائل الخمسه، ج 2، ص 44

3- بحار الانوار، ج 22، ص 499

ای بنی هاشم و ای جماعت مسلمین با علی بن ابی طالب علیه السلام مخالفت نکنید که گمراه می شوید...

باری، اگر چه خداوند اهل بیت علیهم السلام را حفظ کرد و مقام معنوی آنان مصون ماند و این مصونیت استمرار دارد ولی موقعیت ظاهری آنان مورد تعرض فرصت طلبان قرار گرفت و از حق مسلم خویش محروم گردیدند و از این ناحیه بر ساحت آنان و اسلام ضربه های جبران ناپذیری وارد، آمد اما «کتاب خدا» را که خداوند خود وعده حفظ آن را داده بود (1) با فداکاری های اهل بیت علیهم السلام مصونیت بیش تری یافت و چه مناسب است در پایان این نوشتار، سروده «ملائی رومی» را با هم زمزمه کنیم:

## ای مصطفی!

مصطفی را وعده داد الطاف حق

گر بمیری تو نمیرد این سبق

من کتاب و معجزت را حافظم

بیش و کم کن را ز قرآن رافضم

ص: 170

---

1- سوره حجر، آیه 9

من ترا اندر دو عالم رافعم

طاغیان را از حدیث دافعم

کس نتاند بیش و کم کردن در او

تو، به از من حافظی دیگر مجو

روقت، را روزافزون می کنم

نام تو، بر زَرّ و بر نقره زَنم

منبر و محراب سازم بحر تو

وز، محبّت، قهر من شد قهر تو

نام، تو از ترس پنهان می کنند

چون نماز، آرند پنهان می شوند

خفیه می گویند نامت را کنون

خفیه هم بانک، نماز ای ذوفنون

از هراس و ترس کفار لعین

دینت پنهان می شود زیر زمین

من مناره بر گنم آفاق را

کور گردانم دو چشم عاق را

تا قیامت باقیش داریم ما

تو مترس از مسخ، دین ای مصطفی (1)

ص: 171

بدین ترتیب پیامبر بزرگوار، اسلام در میان اشک و ناله های علی علیه السلام و فاطمه علیها السلام و یاران مخلص آن حضرت که شیون و ناله های دردناکی سر می دادند و حتی مردم مدینه از شدت ناراحتی، خاک به سر می ریختند (1) با حضور جبرئیل فرشته وحی الهی به «رفیق اعلا» و ملاقات خداوند شتافت (2) اما امروز نام و یاد آن حضرت را بیش از یک میلیارد مسلمان هر صبح و شام و به هنگام نمازها، بر مناره های بلند سر می دهند. پایان

احمد صادقی اردستانی

5 آبان 1383

11 رمضان 1425

ص: 172

---

1- کحل البصر، ص 144

2- بحار الانوار، ج 22، ص 475

## مدارك و منابع كتاب

قرآن كريم كلام الله مجيد

- 1- آئين اسلام شيخ عبدالله گو ويليام انگليسى
- 2- ابوطالب مؤمن قریش عبدالله الخنضيري
- 3- اسد الغابة في معرفة الصحابة على بن عبدالكريم جزرى
- 4- السيرة النبوية عبدالملك بن هشام حميرى
- 5- الاستيعاب في معرفة الاصحاب ابن عبدالبر نمرى قرطبي
- 6- الاصابة في تمييز الصحابة احمد بن على بن حجر عسقلانى
- 7- اصول كافي محمد بن يعقوب كلينى
- 8- انجيل برنابا ترجمه: مرتضى فهيم كرماني
- 9- الغدير في الكتاب و السنة و الادب عبد الحسين الأميني النجفي
- 10- ام المؤمنين خديجه بنت خويلد على محمد على دخيل
- 11- بحار الانوار علامه محمد باقر مجلسى
- 12- بطلة كربلا زينب بنت الزهراء دكتور عايشة بنت الشاطى
- 13- پیامبر صلى الله عليه و آله زين العابدين رهنما
- 14- تاريخ پیامبر اسلام دكتور محمد ابراهيم آيتى
- 15- تاريخ اليعقوبى احمد بن ابى يعقوب
- 16- تاريخ الخميس حسين بن محمد بن حسن دياربكرى
- 17- تفسير نور الثقلين عبد على بن جمعه عروسى حوىزى
- 18- حياة محمد محمد حسننين هيكل

- 19 - حياة الصحابة محمّد يوسف الكاندهلوى
- 20- خديجه بنت خويلد محمد كامل حسن المحامى
- 21- روضة كافي محمّد بن يعقوب كلينى
- 22 - رياحين الشريعة... شيخ ذبيح الله محلاتى
- 23- شرح نهج البلاغه عزّ الدين ابو حامد بن هبة الله
- 24- زندگانی حضرت فاطمه عليها السلام عمر ابو نصر لبنانى
- 25- صحيح مسلم مسلم به حجاج قشبرى نيشابورى
- 26- عذر تقصير به پيشگاه محمّد و قرآن جان ديون پورت انگليسى
- 27- كحل البصر في سيرة خير البشر عباس به محمّد رضا القمى
- 28- كنز العمال علاء الدين متقى الهندى
- 29- مكاتيب الرسول على الاحمدى الميانجى
- 30- محمّد المثل الكامل محمد احمد جاد مولى بك
- 31- مجمع البيان في تفسير القرآن فضل بن حسن طبرسى
- 32- مرآة العقول علامه محمّد تقى مجلسى
- 33- محمّد عند علماء الغرب شيخ خليل ياسين
- 34- مشنوى معنوى جلال الدين محمد بلخى
- 35- مروج الذهب على بن الحسين المسعودى
- 36- مستدرک الوسائل حسين بن محمّد تقى نورى
- 37- نهج البلاغه على تقى فيض الاسلام
- 38- نهج البلاغه دكتور صبحى صالح

## آثار دیگر مؤلف:

### الف: عقاید و احکام

1. آیین نامه حج چاپ دوم
2. آشنایی با خدای جهان چاپ سوم
3. جلوه های نماز در قرآن و حدیث کوشانپور، تهران 66713461 چاپ سوم
4. الجعفریات (تصحیح) چاپ اول
5. حج از میقات تا، میعاد نشر مشعر، تهران 664512481 چاپ اول
6. در جهت الفت امت اسلامی چاپ دوم
7. زندان در اسلام چاپ دوم
8. زیبایی های، بهشت امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، قم چاپ اول
9. عبادت در اسلام چاپ دوم
10. قرب الاسناد (تصحیح) چاپ اول
11. کشیش تازه مسلمان چاپ اول
12. مناجات و نغمه های عاشقانه مؤسسه نقش قم 7730950 چاپ دوم
13. النوادر سید فضل الله راوندی (تصحیح و ترجمه) چاپ اول

### ب: اخلاق و مسایل تربیتی

14. اخلاق، خانواده، ج 1 چاپ هشتم
15. اخلاق، خانواده، ج 3 حافظ نوین تهران 5631020 چاپ سوم
16. اخلاق زن و شوهر و تنظیم خانواده حافظ نوین تهران 55631020 چاپ چهارم
17. اخلاق زندگی چاپ دوم
18. اخلاق و روابط اجتماعی چاپ اول



19. ازدواج و اخلاق خانواده امام عصر (عجل الله تعالى فرجه الشريف)، قم، 7741575 چاپ دوم
20. اسلام و مسائل جنسی و زناشویی نشر علم، تهران، 66465970 چاپ دهم
21. اسلام و منافقین چاپ اول
22. پارسایی و شجاعت علی علیه السلام، نشر مصطفی، قم 7741962 چاپ دوم
23. پانصد حدیث منظوم اعتقادی و اخلاقی امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف 7741575 چاپ پنجم
24. جاهلیت از نظر قرآن و نهج البلاغه چاپ اول
25. چهارصد درس زندگی از امام علی علیه السلام، فجر قرآن، قم، 7732944 چاپ اول
26. داستان های کودکی مردان، بزرگ انتشارات فؤاد، 33909182 چاپ دوم
27. داستان های کودکی بزرگان تاریخ (5 جلد) چاپ سوم
28. راه جوان ماندن با غذا و دواهای، گیاهی، حافظ 5563102 چاپ سوم
29. روش های تبلیغ و سخنرانی بوستان کتاب، قم، 742156 چاپ چهارم
30. سخنان چهارده معصوم علیهم السلام، نشر علم، تهران 66465970 چاپ دوم

31. شخصیت زن مسلمان چاپ دوم
32. شیعه علی علیه السلام چاپ اول
33. صفات مؤمن راستین چاپ اول
34. صفات شهید چاپ اول
35. مقالات بانوان و دوشیزگان چاپ اول
36. نیازهای، جوانان امام عصر عجل الله تعالی فجه الشریف، قم، 7741575 چاپ دوم
37. هنر تبلیغ و سخنرانی چاپ اول

### ج: تاریخ و یادنامه ها

38. امام حسین علیه السلام و عاشورائیان نشر علم، تهران 66465970 چاپ اول
39. بانوی شجاع زینب کبری علیها السلام چاپ سوم
40. درسی از مکتب حسین علیه السلام، (قیام حسین چرا؟) چاپ دهم
41. زنان دانشمند و راوی حدیث بوستان کتاب 742155 چاپ سوم
42. زندگانی امام جواد علیه السلام، مؤسسه نقش، قم، 7730950 چاپ اول
43. زندگانی حضرت ابوالفضل علیه السلام، نشر مطهر، 44317697 چاپ چهارم
44. زندگانی حضرت عبدالعظیم علیه السلام، حافظ نوین تهران 55631020 چاپ سوم
45. زندگانی شهید محمد منتظری چاپ اول
46. زینب قهرمان دختر علی علیه السلام نشر مطهر، تهران، 44317697 چاپ پنجم
47. سخنان علی بن الحسین علیه السلام چاپ دوم
48. سلمان فارسی استاندار مدائن بوستان کتاب، قم، 7742156 چاپ هفتم
49. فاطمه علیها السلام الگوی زن، مسلمان امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف، قم، 7741575 چاپ پنجم
50. فاطمه دختر امام حسین علیه السلام نشر مطهر، تهران 44317697 چاپ اول

51. فرزندان موسی بن جعفر علیه السلام و آقا علی عباس علیه السلام چاپ دوم

52. مستضعفین زمین چاپ دوم

53. میثم تمار بر چوبه دار چاپ پنجم

54. نهضت امام حسین علیه السلام و قیام توأین چاپ اول

55. وقایع رمضان و شهادت علی علیه السلام، نشر هستی نما، قم، 291964 چاپ سوم

56. یادنامه شهید آیت الله سعیدی چاپ اول

### **د: مسائل مالی و اقتصادی و ادبی**

57. توازن ثروت در حکومت اسلامی چاپ دوم

58. طرح هایی از اقتصاد اسلامی چاپ ششم

59. مبانی اقتصادی ضد استکباری چاپ اول

60. نقش ثروت در پیشرفت اسلام چاپ هشتم

61. مشاعره، جدید انتشارات، فؤاد تهران، 33909182 چاپ دوم

ص: 176

بسمه تعالی

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ

با اموال و جان های خود، در راه خدا جهاد نمایید، این برای شما بهتر است اگر بدانید.

(توبه : 41)

چند سالی است که مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه موفق به تولید نرم افزارهای تلفن همراه، کتابخانه های دیجیتالی و عرضه آن به صورت رایگان شده است. این مرکز کاملاً مردمی بوده و با هدایا و نذورات و موقوفات و تخصیص سهم مبارک امام علیه السلام پشتیبانی می شود.

برای خدمت رسانی بیشتر شما هم می توانید در هر کجا که هستید به جمع افراد خیراندیش مرکز بپیوندید.

آیا می دانید هر پولی لایق خرج شدن در راه اهلبیت علیهم السلام نیست؟

و هر شخصی این توفیق را نخواهد داشت؟

به شما تبریک میگوئیم.

شماره کارت :

6104-3388-0008-7732

شماره حساب بانک ملت :

9586839652

شماره حساب شبا :

IR390120020000009586839652

به نام : ( موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه)

مبالغ هدیه خود را واریز نمایید.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: [www.ghbook.ir](http://www.ghbook.ir)

ایمیل: [Info@ghbook.ir](mailto:Info@ghbook.ir)

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

# گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

**[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)**

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

